



# مجموعه قوانین

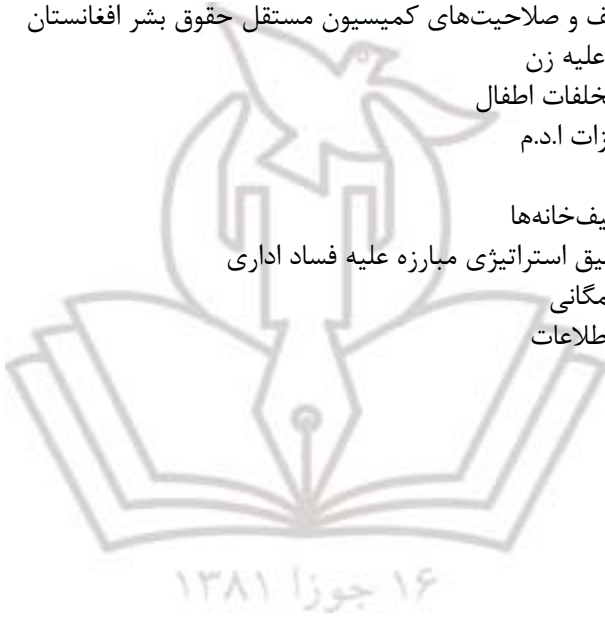
- ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان
- ۲- قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
- ۳- قانون منع خشونت علیه زن
- ۴- قانون رسیدگی به تخلفات اطفال
- ۵- قانون حقوق و امتیازات ا.د.م
- ۶- قانون پولیس
- ۷- قانون محابس و توقیف‌خانه‌ها
- ۸- قانون نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه علیه فساد اداری
- ۹- قانون رسانه های همگانی
- ۱۰- قانون دسترسی به اطلاعات





# مجموعه قوانین

صفحه	عنوان
ب	پیشگفتار
۱	قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان
۳۴	قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
۴۸	قانون منع خشونت علیه زن
۶۱	قانون رسیدگی به تخلفات اطفال
۸۵	قانون حقوق و امتیازات ا.د.م
۹۸	قانون پولیس
۱۱۰	قانون محابس و توقیف‌خانه‌ها
۱۳۰	قانون نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری
۱۴۱	قانون رسانه های همگانی
۱۶۲	قانون دسترسی به اطلاعات



- ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان
- ۲- قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان
- ۳- قانون منع خشونت علیه زن
- ۴- قانون رسیدگی به تخلفات اطفال
- ۵- قانون حقوق و امتیازات ا.د.م
- ۶- قانون پولیس
- ۷- قانون محابس و توقیف‌خانه‌ها
- ۸- قانون نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری
- ۹- قانون رسانه های همگانی
- ۱۰- قانون دسترسی به اطلاعات

## قانون اساسی افغانستان

آزادی بیان از تعرض مصون است.

هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، بارعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید.

هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد.

احکام مربوط به مطابع، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده سی و چهارم

### پیشگفتار:

آگاهی به قوانین نافذه کشور در میان شهروندان زمینه تسامح و همدیگرپذیری را فراهم آورده و میزان جرایم را کاهش می‌دهد.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان به این باور است که قانون‌مند شدن کشور به درک و آگاهی شهروندان در مورد قوانین از یک طرف و اجراءات به موقع ارگان‌های عدلی و قضایی از طرف دیگر، زمینه نهادینه شدن قوانین و تأمین عدالت در کشور را فراهم می‌کند. با رعایت این اصل، می‌توان در راستای یک جامعه هدفمند که در آن از تعصب، تبعیض، خشونت و انتقام‌جویی اثری نباشد امیدوار بود. عدم آگاهی از قوانین وعدم تعهد به عملی ساختن آن، چشم‌داشت مردم به عدالت را کم‌رنگ می‌سازد.

کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان از آرمان ایجاد حاکمیتی مبتنی بر قانون، حمایت بی‌دریغ نموده و برای ارتقای ظرفیت شهروندان، چه از طریق راه‌اندازی کارگاه‌ها و نشست‌های آموزشی و چه از طریق برنامه‌های تصویری و صوتی، در سراسر کشور پیوسته ادای مسؤولیت نموده و در رفع چالش‌های بی‌اعتمادی و بی‌باوری و ایجاد تفاهم تلاش همیشگی مبذول می‌دارد. همچنان بارها با چاپ قوانین نافذه کشور و اعلامیه جهانی و اسلامی حقوق بشر و کنوانسیون‌های جامعه جهانی در مسیرخشیدن به سیر تفکر شهروندان سعی فراوان به خرج داده است. این بار نیز با چاپ تعدادی از قوانین به شکل یک مجموعه که متشکل از قانون اساسی، قانون وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر، قانون منع خشونت علیه زنان، قانون رسیدگی به تخلفات اطفال، قانون حقوق و امتیازات معلولین، قانون پولیس و قانون محابس، می‌باشد و نیازمندی‌های ضروری حقوق بشری در آن درج است، اقبال چاب می‌یابد. با چاپ این مجموعه، عملاً دسترسی به قوانین از طرف نیازمندان فراهم و زمینه گسترده‌گی عدالت در پرتو این قوانین مساعد خواهد شد. رشد و اعتلای جامعه، تعهد به ارزش‌های دموکراتیک، انکشاف و نهادینه ساختن فرهنگ و اخلاق حقوق بشری، از همه شهروندان می‌طلبد که کنش و واکنش‌های خویش را مبتنی بر معیارهای قانونی عیار سازند. در پرتو درک این حقانیت است که زمینه اعتراف به عدالت و حقوق دیگران مساعد می‌گردد. بسا اعمال خشونت‌بار و دور از حرمت و کرامت انسانی از جهل و عدم درک قوانین و حقوق دیگران منشأ می‌گردد که با به دسترس قرار دادن این مجموعه و سایر قوانین ملی و بین‌المللی در کاهش ناهنجاری‌ها، ممد و مؤثر واقع خواهد شد.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فرمان

رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان

در مورد توشیح قانون اساسی افغانستان

شماره ۱۰۳۱

تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۷

بسم خداوند بزرگ و به آرزوی سعادت مردم نجیب و صلحدمت افغانستان، قانون اساسی جدید را که توسط لویه جرگه نارتلی ۲۲ لوس الی ۱۴ جدی ۱۳۸۲ هجری شمسی، منعقدہ شهر کابل در ۱۲ فصل و ۱۶۲ ماده به اتفاق آرا تصویب گردید، توشیح و انعاز آنرا اعلام می دارم.

از بارگناه خداوند متعال استدعا دارم تا این قانون اساسی با رعایت احکام دین مبین اسلام، تحکیم وحدت منی، تحقق اهداف دموکراسی، اعمار جامعه مدنی، رفاه همگانی اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی، مشعل راه دولت و مردم کشور گردیده، صلح برابری و برابری را بین ملت افغانستان تأمین نماید.

ومن الله التوفیق  
حامد کرزی  
رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان

۶ / دلو / ۱۳۸۲ هجری شمسی

شهر کابل

فهرست

عنوان

صفحه

۴	فصل اول: دولت (۲۱ ماده)
۸	فصل دوم: حقوق اساسی و وجایب اتباع (۳۸ ماده)
۱۳	فصل سوم: رئیس جمهور (۱۱ ماده)
۱۷	فصل چهارم: حکومت (۱۰ ماده)
۱۹	فصل پنجم: شورای ملی (۲۹ ماده)
۲۴	فصل ششم: لویه جرگه (۶ ماده)
۲۵	فصل هفتم: قضاء (۲۰ ماده)
۲۸	فصل هشتم: اداره (۷ ماده)
۲۹	فصل نهم: حالت اضطرار (۶ ماده)
۳۰	فصل دهم: تعدیل (۲ ماده)
۳۱	فصل یازدهم: احکام متفرقه (۷ ماده)
۳۲	فصل دوازدهم: احکام انتقالی (۵ ماده)



بسم الله الرحمن الرحيم  
الحمد لله رب العالمين و الصلوه و السلام على سيد الانبياء و المرسلين محمد ص  
و على آله و اصحابه اجمعين

**مقدمه:**

**ما مردم افغانستان:**

- ◆ با ایمان راسخ به ذات پاک خداوند و توکل به مشیت حق تعالی و اعتقاد به دین مقدس اسلام؛
  - ◆ با درک بی‌عدالتی‌ها و نابه‌سامانی‌های گذشته و مصائب بی‌شماری که بر کشور ما وارد آمده است؛
  - ◆ با تقدیر از فداکاری‌ها، مبارزات تاریخی، جهاد و مقاومت برحق تمام مردم افغانستان و ارج‌گذاری به مقام والای شهدای راه آزادی کشور؛
  - ◆ با درک این که افغانستان واحد و یکپارچه به همه اقوام و مردم این سرزمین تعلق دارد؛
  - ◆ بارعایت منشور ملل متحد و با احترام به اعلامیه جهانی حقوق بشر؛
  - ◆ به منظور تحکیم وحدت ملی و حراست از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور؛
  - ◆ به منظور تأسیس نظام متکی بر اراده مردم و دموکراسی؛
  - ◆ به منظور ایجاد جامعه مدنی عاری از ظلم، استبداد، تبعیض، خشونت و مبتنی بر قانونمندی، عدالت اجتماعی، حفظ کرامت و حقوق انسانی و تأمین آزادی‌ها و حقوق اساسی مردم؛
  - ◆ به منظور تقویت بنیادهای سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و دفاعی کشور؛
  - ◆ به منظور تأمین زندگی مرفه و محیط زیست سالم برای همه ساکنان این سرزمین؛
  - ◆ و سر انجام، به منظور تثبیت جایگاه شایسته افغانستان در خانواده بین‌المللی؛
- این قانون اساسی را مطابق با واقعیت‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی کشور و مقتضیات عصر، از طریق نمایندگان منتخب خود در لویه جرگه مورخ چهاردهم جدی سال یک‌هزار و سه صد و هشتاد و دو هجری شمسی در شهر کابل تصویب کردیم.

**فصل اول  
دولت**

**ماده اول:** افغانستان، دولت جمهوری اسلامی، مستقل، واحد و غیر قابل تجزیه می‌باشد.

**ماده دوم:** دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است.

پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی‌شان در حدود احکام قانون آزاد می‌باشند.

**ماده سوم:** در افغانستان هیچ قانون نمی‌تواند مخالف معتقدات و احکام دین مقدس اسلام باشد.

**ماده چهارم:** حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که به طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آن را اعمال می‌کند.

ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند.

ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه‌یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام می‌باشد.

بر هر فردی از افراد ملت افغانستان کلمه افغان اطلاق می‌شود.

هیچ فردی از افراد ملت از تابعیت افغانستان محروم نمی‌گردد.

امور مربوط به تابعیت و پناهندگی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

**ماده پنجم:** تطبیق احکام این قانون اساسی و سایر قوانین، دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و تأمین امنیت و قابلیت دفاعی کشور از وظایف اساسی دولت می‌باشد.

**ماده ششم:** دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می‌باشد.

**ماده هفتم:** دولت منشور ملل متحد، معاهدات بین‌الدول، میثاق‌های بین‌المللی که افغانستان به آن ملحق شده است و اعلامیه جهانی حقوق بشر را رعایت می‌کند.

دولت از هر نوع اعمال تروریستی، زرع و قاچاق مواد مخدر و تولید و استعمال مسکرات جلوگیری می‌کند.

**ماده هشتم:** دولت سیاست خارجی کشور را بر مبنای حفظ استقلال، منافع ملی و تمامیت ارضی و عدم مداخله، حسن همجواری، احترام متقابل و تساوی حقوق تنظیم می‌نماید.

**ماده نهم:** معادن و سایر منابع زیر زمینی و آثار باستانی ملکیت دولت می‌باشد.

حفاظت و اداره املاک دولت و طرز استفاده درست از منابع طبیعی و سایر املاک عامه توسط قانون تنظیم می‌گردد.

در حال طلوع و در قسمت تحتانی آن تاریخ ۱۲۹۸ هجری شمسی و کلمه افغانستان، جا داشته و از دو طرف با خوشه‌های گندم احاطه شده است.  
 طرز استفاده از بیرق و نشان ملی تو سطر قانون تنظیم می‌گردد.  
**ماده بیستم:** سرود ملی افغانستان به زبان پشتو و با ذکر الله اکبر و نام اقوام افغانستان می‌باشد.  
**ماده بیست یکم:** پایتخت افغانستان شهر کابل می‌باشد.



**ماده دهم:** دولت، سرمایه‌گذاری‌ها و تشیبات خصوصی را مبتنی بر نظام اقتصاد بازار، مطابق به احکام قانون، تشویق، حمایت و مصونیت آن را تضمین می‌نماید.  
**ماده یازدهم:** امور مربوط به تجارت داخلی و خارجی، مطابق به ایجابات اقتصادی کشور و مصالح مردم، توسط قانون تنظیم می‌گردد.  
**ماده دوازدهم:** دافغانستان بانک، بانک مرکزی دولت و مستقل می‌باشد.  
 نشر پول و طرح و تطبیق سیاست پولی کشور، مطابق به احکام قانون، از صلاحیت بانک مرکزی می‌باشد.  
 بانک مرکزی در مورد چاپ پول با کمیسیون اقتصادی ولسی جرگه مشوره می‌نماید.  
 تشکیل و طرز فعالیت این بانک توسط قانون تنظیم می‌شود.  
**ماده سیزدهم:** دولت برای انکشاف صنایع، رشد تولید، ارتقای سطح زندگی مردم و حمایت از فعالیت‌های پیشه‌وران، پروگرام‌های مؤثر طرح و تطبیق می‌نماید.  
**ماده چهاردهم:** دولت برای انکشاف زراعت و مالداری، بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و معیشتی دهقانان و مالداران و اسکان و بهبود زندگی کوچیان، در حدود بنیه مالی دولت، پروگرام‌های مؤثر طرح و تطبیق می‌نماید.  
 دولت به منظور تهیه مسکن و توزیع ملکیت‌های عامه برای اتباع مستحق، مطابق به احکام قانون و در حدود امکانات مالی، تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.  
**ماده پانزدهم:** دولت مکلف است در مورد حفظ و بهبود جنگلات و محیط زیست تدابیر لازم اتخاذ نماید.  
**ماده شانزدهم:** از جمله زبانهای پشتو، دری، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه‌یی، نورستانی، پامیری و سایر زبان‌های رایج در کشور، پشتو و دری، زبان‌های رسمی دولت می‌باشند. در مناطقی که اکثریت مردم به یکی از زبان‌های ازبکی، ترکمنی، پشه‌یی، نورستانی، بلوچی، و یا پامیری تکلم می‌نمایند آن زبان علاوه بر پشتو و دری به حیث زبان سوم رسمی می‌باشد و نحوه تطبیق آن توسط قانون تنظیم می‌گردد. دولت برای تقویت و انکشاف همه زبان‌های افغانستان پروگرام‌های مؤثر طرح و تطبیق می‌نماید. نشر مطبوعات و رسانه‌های گروهی به تمام زبان‌های رایج در کشور آزاد می‌باشد. مصطلحات علمی و اداری ملی موجود در کشور حفظ می‌گردد.  
**ماده هفدهم:** دولت برای ارتقای معارف در همه سطوح، انکشاف تعلیمات دینی، تنظیم و بهبود وضع مساجد، مدارس و مراکز دینی تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.  
**ماده هجدهم:** مبدأ تقویم کشور بر هجرت پیغمبر اکرم ص استوار است.  
 مبنای کار ادارات دولتی تقویم هجری شمسی می‌باشد.  
 روزهای جمعه، ۲۸ اسد و ۸ ثور تعطیل عمومی است. سایر رخصتی‌ها توسط قانون تنظیم می‌گردد.  
**ماده نوزدهم:** بیرق افغانستان مرکب از: سه قطعه با رنگ‌های سیاه، سرخ، و سبز که به صورت عمودی، به اندازه‌های مساوی، از چپ به راست، در کنار هم واقع شده، عرض هر رنگ برابر نصف طول آن است و در وسط آن نشان ملی افغانستان قرار دارد.  
 نشان ملی افغانستان عبارت از محراب و منبر به رنگ سفید می‌باشد که در دو گوشه آن دو بیرق و در وسط آن در قسمت فوقانی، کلمه مبارک لا اله الا الله محمد رسول الله و الله اکبر و اشعه خورشید

اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل در حضور محکمه باصلاحیت.

**ماده سی و یکم:** هر شخص می‌تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند.

متهم حق دارد به مجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعاد که قانون تعیین می‌کند در محکمه حاضر گردد.

دولت در قضایای جنایی برای متهم بی‌بضاعت وکیل مدافع تعیین می‌نماید.

محرمت مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل آن، از هر نوع تعرض مصون می‌باشد.

وظایف و صلاحیت‌های وکلای مدافع توسط قانون تنظیم می‌گردد.

**ماده سی و دوم:** مدیون بودن شخص، موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی نمی‌شود.

طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم می‌گردد.

**ماده سی و سوم:** اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می‌باشند.

شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم می‌گردد.

**ماده سی و چهارم:** آزادی بیان از تعرض مصون است.

هر افغان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، بارعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید.

هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی، بپردازد.

احکام مربوط به مطابع، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

**ماده سی و پنجم:** اتباع افغانستان حق دارند به منظور تأمین مقاصد مادی و یا معنوی، مطابق به احکام قانون، جمعیت‌ها تأسیس نمایند.

اتباع افغانستان حق دارند، مطابق به احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند، مشروط بر اینکه:

- ۱- مرانامه و اساسنامه حزب، مناقض احکام دین مقدس اسلام و نصوص و ارزش‌های مندرج این قانون اساسی نباشد؛

- ۲- تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد؛

- ۳- اهداف و تشکیلات نظامی و شبه نظامی نداشته باشد؛

- ۴- وابسته به حزب سیاسی و یا دیگر منابع خارجی نباشد؛

تأسیس و فعالیت حزب بر مبنای قومیت، سمت، زبان و مذهب فقهی جواز ندارد.

جمعیت و حزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل می‌شود، بدون موجبات قانونی و حکم محکمه باصلاحیت منحل نمی‌شود.

**ماده سی و ششم:** اتباع افغانستان حق دارند برای تأمین مقاصد جایز و صلح‌آمیز، بدون حمل سلاح، طبق قانون اجتماع و تظاهرات نمایند.

**ماده سی و هفتم:** آزادی و محرمت مراسلات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد و چه به وسیله تلفون، تلگراف و وسایل دیگر، از تعرض مصون است.

## فصل دوم حقوق اساسی و وجایب اتباع

**ماده بیست دوم:** هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.

اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می‌باشند.

**ماده بیست و سوم:** زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخص بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی‌گردد.

**ماده بیست و چهارم:** آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می‌گردد، حدودی ندارد.

آزادی و کرامت انسان از تعرض مصون است. دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می‌باشد.

**ماده بیست و پنجم:** براءت ذمه، حالت اصلی است.

متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه باصلاحیت محکوم‌علیه قرار نگیرد، بی‌گناه شناخته می‌شود.

**ماده بیست و ششم:** جرم یک عمل شخصی است.

تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزا بر او، به شخص دیگری سرایت نمی‌کند.

**ماده بیست و هفتم:** هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

هیچ شخص را نمی‌توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون.

هیچ شخص را نمی‌توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه باصلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

**ماده بیست و هشتم:** هیچ‌یک از اتباع افغانستان به علت اتهام به جرم، به دولت خارجی سپرده نمی‌شود مگر بر اساس معامله بالمثل و پیمان‌های بین‌الدول که افغانستان به آن پیوسته باشد.

هیچ افغان به سلب تابعیت و یا تبعید در داخل یا خارج افغانستان محکوم نمی‌شود.

**ماده بیست و نهم:** تعذیب انسان ممنوع است.

هیچ شخص نمی‌تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگر چه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد.

تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است.

**ماده سی‌ام:** اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه به دست آورده شود، اعتبار ندارد.

دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد، مگر مطابق به احکام قانون.  
**ماده سی و هشتم:** مسکن شخص از تعرض مصون است.

هیچ شخص، به شمول دولت، نمی تواند بدون اجازه ساکن یا قرار محکمه باصلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده است، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید. در مورد جرم مشهود، مأمور مسئول می تواند بدون اجازه قبلی محکمه، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند. مأمور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش، در خلال مدتی که قانون تعیین می کند قرار محکمه را حاصل نماید.

**ماده سی و نهم:** هر افغان حق دارد به هر نقطه کشور سفر نماید و مسکن اختیار کند، مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است.

هر افغان حق دارد مطابق به احکام قانون به خارج افغانستان سفر نماید و به آن عودت کند.

دولت از حقوق اتباع افغانستان در خارج از کشور حمایت می نماید.

**ماده چهلم:** ملکیت از تعرض مصون است.

هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی شود، مگر در حدود احکام قانون.

ملکیت هیچ شخص، بدون حکم قانون و فیصله محکمه باصلاحیت مصادره نمی شود.

استملاک ملکیت شخص، تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل تعویض قبلی و عادلانه، به موجب قانون مجاز می باشد.

تفتیش و اعلان دارایی شخص، تنها به حکم قانون صورت می گیرد.

**ماده چهل و یکم:** اشخاص خارجی در افغانستان حق ملکیت اموال عقاری را ندارند.

اجاره عقار به منظور سرمایه گذاری، مطابق به احکام قانون مجاز می باشد.

فروش عقار به نمایندگی های سیاسی دول خارجی و مؤسسات بین المللی که افغانستان عضو آن باشد، مطابق به احکام قانون، مجاز می باشد.

**ماده چهل دوم:** هر افغان مکلف است مطابق به احکام قانون به دولت مالیه و محصول تأدیه کند.

هیچ نوع مالیه و محصول، بدون حکم قانون، و وضع نمی شود.

اندازه مالیه و محصول و طرز تأدیه آن، با رعایت عدالت اجتماعی، توسط قانون تعیین می گردد.

این حکم در مورد اشخاص و مؤسسات خارجی نیز تطبیق می شود.

هر نوع مالیه، محصول و عواید تأدیه شده، به حساب و احد دولتی تحویل داده می شود.

**ماده چهل و سوم:** تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت تأمین می گردد.

دولت مکلف است به منظور تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات متوسطه اجباری، پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید و زمینه تدریس زبان های مادری را در مناطقی که به آنها تکلم می کنند فراهم کند.

**ماده چهل و چهارم:** دولت مکلف است به منظور ایجاد توازن و انکشاف تعلیم برای زنان، بهبود تعلیم کوچیان و امحای بیسوادی در کشور، پروگرام های مؤثر طرح و تطبیق نماید.

**ماده چهل و پنجم:** دولت نصاب واحد تعلیمی را، بر مبنای احکام دین مقدس اسلام و فرهنگ ملی و مطابق با اصول علمی، طرح و تطبیق می کند و نصاب مضامین دینی مکاتب را، بر مبنای مذاهب

اسلامی موجود در افغانستان، تدوین می نماید.

**ماده چهل و ششم:** تأسیس و اداره مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی وظیفه دولت است. اتباع افغانستان می توانند به اجازه دولت به تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی، اختصاصی و سوادآموزی اقدام نمایند.

دولت می تواند تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی، عمومی و اختصاصی را به اشخاصی خارجی نیز مطابق به احکام قانون اجازه دهد.

شرایط شمول در مؤسسات تعلیمات عالی دولتی و سایر امور مربوط به آن، توسط قانون تنظیم می گردد.

**ماده چهل و هفتم:** دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ، ادب و هنر پروگرام های مؤثر طرح می نماید. دولت حقوق مؤلف، مخترع و کاشف را تضمین می نماید و تحقیقات علمی را در تمام عرصه ها تشویق و حمایت می کند و استفاده مؤثر از نتایج آن را، مطابق به احکام قانون، تعمیم می بخشد.

**ماده چهل و هشتم:** کار، حق هر افغان است.

تعیین ساعات کار، رخصتی با مزد، حقوق کار و کارگر و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم می گردد.

انتخاب شغل و حرفه، در حدود احکام قانون، آزاد می باشد.

**ماده چهل و نهم:** تحمیل کار اجباری، ممنوع است.

سهام گیری فعال در حالت جنگ، آفات و سایر حالاتی که حیات و آسایش عامه را تهدید کند، از وجایب ملی هر افغان می باشد.

تحمیل کار بر اطفال، جواز ندارد.

**ماده پنجاهم:** دولت مکلف است به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات در سیستم اداری کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید. اداره اجراءات خود را با بی طرفی کامل و مطابق به احکام قانون عملی می سازد.

اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند. این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه، حدودی ندارد.

اتباع افغانستان بر اساس اهلیت و بدون هیچگونه تبعیض و به موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته می شوند.

**ماده پنجاه و یکم:** هر شخص که از اداره بدون موجب متضرر شود مستحق جبران خساره می باشد و می تواند برای حصول آن در محکمه دعوا اقامه کند. به استثنای حالاتی که در قانون تصریح گردیده است، دولت نمی تواند بدون حکم محکمه باصلاحیت به تحصیل حقوق خود اقدام کند.

**ماده پنجاه و دوم:** دولت و سایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تأمین می نماید.

دولت تأسیس و توسعه خدمات طبی و مراکز صحی خصوصی را مطابق به احکام قانون تشویق و حمایت می کند.

دولت به منظور تقویت تربیت بدنی سالم و انکشاف ورزش های ملی و محلی تدابیر لازم اتخاذ می نماید.



**ماده پنجاه و سوم:** دولت به منظور تنظیم خدمات طبی و مساعدت مالی برای بازماندگان شهیدا و مفقودین و برای باز توانی معلولین و معیوبین و سهم‌گیری فعال آنان در جامعه، مطابق به احکام قانون، تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.

دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده، برای کهن‌سالان، زنان بی‌سرپرست، معیوبین و معلولین و ایتم بی‌بضاعت مطابق به احکام قانون کمک لازم به عمل می‌آورد.

**ماده پنجاه و چهارم:** خانواده رکن اساسی جامعه را تشکیل می‌دهد و مورد حمایت دولت قرار دارد. دولت به منظور تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ می‌کند.

**ماده پنجاه و پنجم:** دفاع از وطن، وجیبه تمام اتباع افغانستان است.

شرایط اجرای دوره مکلفیت عسکری توسط قانون تنظیم می‌گردد.

**ماده پنجاه و ششم:** پیروی از احکام قانون اساسی، اطاعت از قوانین و رعایت نظم و امن عامه و جیبه تمام مردم افغانستان است.

بی‌خبری از احکام قانون عذر دانسته نمی‌شود.

**ماده پنجاه هفتم:** دولت حقوق و آزادی‌های اتباع خارجی را در افغانستان، طبق قانون تضمین می‌کند. این اشخاص در حدود قواعد حقوق بین‌المللی به رعایت قوانین دولت افغانستان مکلف می‌باشند.

**ماده پنجاه هشتم:** دولت به‌منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر در افغانستان و بهبود و حمایت از آن، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را تأسیس مینماید.

هر شخص می‌تواند در صورت نقض حقوق بشری خود، به این کمیسیون شکایت نماید.

کمیسیون می‌تواند موارد نقض حقوق بشری افراد را به مراجع قانونی راجع سازد و در دفاع از حقوق آنها مساعدت نماید.

تشکیل و طرز فعالیت این کمیسیون توسط قانون تنظیم می‌گردد.

**ماده پنجاه و نهم:** هیچ شخص نمی‌تواند با سؤاستفاده از حقوق و آزادی‌های مندرج این قانون اساسی، بر ضد استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت ملی عمل کند.

۱۶ جوزا ۱۳۸۱

## فصل سوم رئیس جمهور

**ماده شصتم:** رئیس جمهور در رأس دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشته، صلاحیت‌های خود را در عرصه‌های اجرائیه، تقنینیه و قضائیه، مطابق به احکام این قانون اساسی، اعمال می‌کند. رئیس جمهور دارای دو معاون، اول و دوم، می‌باشد.

کاندید ریاست جمهوری نام هر دو معاون را همزمان با کاندید شدن خود به ملت اعلام می‌دارد. معاون اول رئیس جمهور در حالت غیاب، استعفا و یا وفات رئیس جمهور، مطابق به احکام مندرج این قانون اساسی، عمل می‌کند.

در غیاب معاون اول رئیس جمهور، معاون دوم، مطابق به احکام مندرج این قانون اساسی عمل می‌کند.

**ماده شصت و یکم:** رئیس جمهور با کسب اکثریت بیش از پنجاه فی صد آرای رأی‌دهندگان از طریق رأی‌گیری آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می‌گردد.

وظیفه رئیس جمهور در اول جوزای سال پنجم بعد از انتخابات پایان می‌یابد. انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان کار رئیس جمهور برگزار می‌گردد.

هرگاه در دور اول هیچ‌یک از کاندیدان نتواند اکثریت بیش از پنجاه فی صد آراء را به دست آورد، انتخابات برای دور دوم در ظرف دو هفته از تاریخ اعلام نتایج انتخابات، برگزار می‌گردد و در این دور تنها دو نفر از کاندیدانی که بیشترین آراء را در دور اول به دست آورده‌اند شرکت می‌نمایند.

در دور دوم انتخابات، کاندیدی که اکثریت آراء را کسب کند، رئیس جمهور شناخته می‌شود. هرگاه یکی از کاندیدان ریاست جمهوری در جریان دور اول یا دوم رأی‌گیری و یا بعد از انتخابات و قبل از اعلام نتایج انتخابات وفات نماید، انتخابات مجدد مطابق به احکام قانون برگزار می‌گردد.

**ماده شصت و دوم:** شخصی که به ریاست جمهوری کاندید می‌شود، واجد شرایط ذیل می‌باشد:

- ۱- تبعه افغانستان، مسلمان و متولد از والدین افغان بوده و تابعیت کشور دیگری را نداشته باشد؛
- ۲- در روز کاندید شدن سن وی از چهل سال کمتر نباشد؛
- ۳- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

هیچ شخص نمی‌تواند بیش از دو دوره به حیث رئیس جمهور انتخاب گردد.

حکم مندرج این ماده در مورد معاونین رئیس جمهور نیز تطبیق می‌گردد.

**ماده شصت و سوم:** رئیس جمهور قبل از تصدی وظیفه، مطابق به طرز العمل خاص که توسط قانون تنظیم می‌گردد، حلف آتی را به جا می‌آورد:

### بسم الله الرحمن الرحيم

«به نام خداوند بزرگ سوگند یاد می‌کنم که دین مقدس اسلام را اطاعت و از آن حمایت کنم. قانون اساسی و سایر قوانین را رعایت و از تطبیق آن مواظبت نمایم. از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان حراست و حقوق و منافع مردم افغانستان را حفاظت کنم و با استعانت از بارگاه پروردگار متعال و پشتیبانی ملت، مساعی خود را در راه سعادت و ترقی مردم افغانستان به کار برم.»

**ماده شصت و چهارم:** رئیس جمهور دارای صلاحیت‌ها و وظایف ذیل می‌باشد:

- ۱- مراقبت از اجرای قانون اساسی؛
  - ۲- تعیین خطوط اساسی سیاست کشور به تصویب شورای ملی؛
  - ۳- قیادت اعلائی قوای مسلح افغانستان؛
  - ۴- اعلان حرب و متارکه به تأیید شورای ملی؛
  - ۵- اتخاذ تصمیم لازم در حالت دفاع از تمامیت ارضی و حفظ استقلال؛
  - ۶- فرستادن قطعات قوای مسلح به خارج افغانستان به تأیید شورای ملی؛
  - ۷- دایر نمودن لویه جرگه به استثنای حالت مندرج ماده شصت و نهم این قانون اساسی؛
  - ۸- اعلان حالت اضطرار به تأیید شورای ملی و خاتمه دادن به آن؛
  - ۹- افتتاح اجلاس شورای ملی و لویه جرگه؛
  - ۱۰- قبول استعفای معاونین ریاست جمهوری؛
  - ۱۱- تعیین وزراء، لوی حارنوال، رئیس بانک مرکزی، رئیس امنیت ملی و رئیس سره میاشت به تأیید ولسی جرگه و عزل و قبول استعفای آنها؛
  - ۱۲- تعیین رئیس و اعضای ستره محکمه به تأیید ولسی جرگه؛
  - ۱۳- تعیین، تقاعد، قبول استعفاء و عزل قضات، صاحب منصبان قوای مسلح، پولیس و امنیت ملی و مأمورین عالی رتبه مطابق به احکام قانون؛
  - ۱۴- تعیین سران نمایندگی‌های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی و مؤسسات بین‌المللی؛
  - ۱۵- قبول اعتمادنامه‌های نمایندگان سیاسی خارجی در افغانستان؛
  - ۱۶- توشیح قوانین و فرامین تقنینی؛
  - ۱۷- اعطای اعتبارنامه به غرض عقد معاهدات بین‌الدول مطابق به احکام قانون؛
  - ۱۸- تخفیف و عفو مجازات مطابق به احکام قانون؛
  - ۱۹- اعطای مدال‌ها، نشان‌ها و القاب افتخاری مطابق به احکام قانون؛
  - ۲۰- تأسیس کمیسیون‌ها به منظور بهبود اداره کشور مطابق به احکام قانون؛
  - ۲۱- سایر صلاحیت‌ها و وظایف مندرج این قانون اساسی.
- ماده شصت و پنجم:** رئیس جمهور می‌تواند در موضوعات مهم ملی سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی به آرای عمومی مردم افغانستان مراجعه نماید.

مراجعه به آرای عمومی نباید مناقض احکام این قانون اساسی یا مستلزم تعدیل آن باشد.  
**ماده شصت و ششم:** رئیس جمهور در اعمال صلاحیت‌های مندرج این قانون اساسی، مصالح علیای مردم افغانستان را رعایت می‌کند.

رئیس جمهور نمی‌تواند بدون حکم قانون ملکیت‌های دولتی را بفروشد یا اهدا کند.  
رئیس جمهور نمی‌تواند در زمان تصدی وظیفه از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی، مذهبی و حزبی استفاده نماید.

**ماده شصت و هفتم:** در صورت استعفاء عزل یا وفات رئیس جمهور و یا مریضی صعب‌العلاجی که مانع اجرای وظیفه شود، معاون اول رئیس جمهور صلاحیت‌ها و وظایف رئیس جمهور را به عهده می‌گیرد.

رئیس جمهور استعفای خود را شخصاً به شورای ملی اعلام می‌نماید.  
تثبیت مریضی صعب‌العلاج توسط هیئت طبی باصلاحیت که از طرف ستره محکمه تعیین می‌گردد، صورت می‌گیرد. در این حالات در خلال مدت سه ماه، انتخابات به منظور تعیین رئیس جمهور جدید طبق ماده شصت و یکم این قانون اساسی برگزار می‌گردد.  
معاون اول رئیس جمهور در زمان تصدی به حیث رئیس جمهور موقت، امور ذیل را انجام داده نمی‌تواند:

- ۱- تعدیل قانون اساسی؛
  - ۲- عزل وزرا؛
  - ۳- مراجعه به آرای عامه.
- معاونین رئیس جمهور می‌توانند مطابق به احکام این قانون اساسی خود را به ریاست جمهوری کاندید نمایند.

در صورت غیاب رئیس جمهور، وظایف معاون اول توسط رئیس جمهور تعیین می‌گردد.  
**ماده شصت هشتم:** هرگاه یکی از معاونین رئیس جمهور استعفاء و یا وفات نماید، عوض وی شخص دیگری توسط رئیس جمهور به تأیید ولسی جرگه تعیین می‌گردد.

در صورت وفات همزمان رئیس جمهور و معاون اول وی، بالترتیب معاون دوم، رئیس مشرانو جرگه، رئیس ولسی جرگه و وزیر خارجه یکی بعد دیگری مطابق به حکم مندرج ماده شصت و هفتم این قانون اساسی و وظایف رئیس جمهور را به عهده می‌گیرد.

**ماده شصت و نهم:** رئیس جمهور در برابر ملت و ولسی جرگه مطابق به احکام این ماده مسئول می‌باشد.

اتهام علیه رئیس جمهور به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت، از طرف یک‌ثلث کل اعضای ولسی جرگه تقاضا شده می‌تواند. در صورتی که این تقاضا از طرف دوثلث کل آرای ولسی جرگه تأیید گردد، ولسی جرگه در خلال مدت یک‌ماه لویه جرگه را دایر می‌نماید.

هرگاه لویه جرگه اتهام منسوب را به اکثریت دوثلث آرای کل اعضا تصویب نماید، رئیس جمهور از وظیفه منفصل و موضوع به محکمه خاص محول می‌گردد. محکمه خاص متشکل است از رئیس مشرانو جرگه، سه نفر از اعضای ولسی جرگه و سه نفر از اعضای ستره محکمه به تعیین لویه جرگه.

اقامه دعوی توسط شخصی که از طرف لویه جرگه تعیین می‌گردد صورت می‌گیرد.

در این حالت احکام مندرج ماده شصت و هفتم این قانون اساسی تطبیق می‌گردد.  
**ماده هفتادم:** معاش و مصارف رئیس جمهور توسط قانون تنظیم می‌گردد.  
 رئیس جمهور بعد از ختم دوره خدمت، به استثنای حالت عزل، برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره ریاست جمهوری مطابق به احکام قانون مستفید می‌شود.

## فصل چهارم حکومت

**ماده هفتاد و یکم:** حکومت متشکل است از وزراء که تحت ریاست رئیس جمهور اجرای وظیفه می‌نمایند.

تعداد وزراء و وظایف‌شان توسط قانون تنظیم می‌گردد.

**ماده هفتاد و دوم:** شخصی که به حیث وزیر تعیین می‌شود واجد شرایط ذیل می‌باشد:

۱- تنها حامل تابعیت افغانستان باشد؛

هرگاه کاندید وزارت تابعیت کشور دیگری را نیز داشته باشد؛ ولسی جرگه صلاحیت تأیید و یا رد آن را دارد؛

۲- دارای تحصیلات عالی، تجربه کاری و شهرت نیک باشد؛

۳- سن وی از سی و پنج سال کمتر نباشد؛

۴- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد.

**ماده هفتاد و سوم:** وزراء می‌توانند از اعضای شورای ملی یا خارج از آن تعیین شوند.

هرگاه عضو شوری ملی به حیث وزیر تعیین شود، عضویت خود را در شوری از دست می‌دهد و در عوض وی شخص دیگری مطابق به حکم قانون تعیین می‌گردد.

**ماده هفتاد و چهارم:** وزراء قبل از تصدی وظیفه، حلف آتی را به حضور رئیس جمهور، به جا می‌آورند:

۱۶ جوزا ۱۳۸۱

بسم الله الرحمن الرحيم

«به نام خداوند بزرگ سوگند یاد می‌کنم که دین مقدس اسلام را حمایت، قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان را رعایت، حقوق اتباع را حفاظت و از استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی مردم افغانستان حراست کنم و در همه اعمال خود خداوند را حاضر دانسته، و وظایف محوله را صادقانه انجام دهم.»

**ماده هفتاد و پنجم:** حکومت دارای وظایف ذیل می‌باشد:

۱- تعمیم احکام این قانون اساسی و سایر قوانین و فیصله‌های قطعی محاکم؛

۲- حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی و صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعه بین‌المللی؛



۱۶ جوزا ۱۳۸۱

- ۳- تأمین نظم و امن عامه و از بین بردن هر نوع فساد اداری؛
- ۴- ترتیب بودجه، تنظیم وضع مالی دولت و حفاظت دارایی عامه؛
- ۵- طرح و تطبیق پروگرام‌های انکشافی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیکی؛
- ۶- ارائه گزارش به شورای ملی در ختم سال مالی در باره امور انجام‌شده و پروگرام‌های عمده سال مالی جدید؛
- ۷- انجام سایر وظایفی که به موجب این قانون اساسی و قوانین دیگر از وظایف حکومت دانسته شده است.
- ماده هفتادوششم:** حکومت برای تطبیق خطوط اساسی سیاست کشور و تنظیم وظایف خود مقررات وضع و تصویب می‌کند. این مقررات باید مناقض نص یا روح هیچ قانون نباشد.
- ماده هفتاد و هفتم:** وزراء وظایف خود را به حیث آمرین واحدهای اداری در داخل حدودی که این قانون اساسی و سایر قوانین تعیین می‌کند، اجراء می‌نمایند.
- وزراء از وظایف مشخصه خود نزد رئیس جمهور و ولسی جرگه مسئولیت دارند.
- ماده هفتاد و هشتم:** هرگاه وزیر به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی و یا سایر جرایم متهم گردد، قضیه بارعایت ماده یکصد و سی و چهارم این قانون اساسی به محکمه خاص محول می‌گردد.
- ماده هفتاد و نهم:** حکومت می‌تواند در حالت تعطیل ولسی جرگه در صورت ضرورت عاجل، به استثنای امور مربوط به بودجه و امور مالی، فرامین تقنینی را ترتیب کند.
- فرامین تقنینی بعد از توشیح رئیس جمهور حکم قانون را حایز می‌شود. فرامین تقنینی باید در خلال سی روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شورای ملی به آن تقدیم شود، و در صورتی که از طرف شورای ملی رد شود، از اعتبار ساقط می‌گردد.
- ماده هشتادم:** وزراء نمی‌توانند در زمان تصدی وظیفه از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی، مذهبی و حزبی استفاده نمایند.

## فصل پنجم شورای ملی

- ماده هشتاد و یکم:** شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به حیث عالی‌ترین ارگان تقنینی مظهر اراده مردم آن است و از قاطبه ملت نمایندگی می‌کند.
- هر عضو شوری در موقع اظهار رأی، مصالح عمومی و منافع علیای مردم افغانستان را مدار قضاوت قرار می‌دهد.
- ماده هشتاد و دوم:** شورای ملی متشکل از دو مجلس: ولسی جرگه و مشرانو جرگه می‌باشد. هیچ شخص نمی‌تواند در یک وقت عضو هر دو مجلس باشد.
- ماده هشتاد و سوم:** اعضای ولسی جرگه توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می‌گردند.
- دوره کار ولسی جرگه به تاریخ اول سرطان سال پنجم، بعد از اعلان نتایج انتخابات به پایان می‌رسد و شورای جدید به کار آغاز می‌نماید.
- انتخابات اعضای ولسی جرگه در خلال مدت سی الی شصت روز قبل از پایان دوره ولسی جرگه برگزار می‌گردد.
- تعداد اعضای ولسی جرگه به تناسب نفوس هر حوزه حداکثر دوصد و پنجاه نفر می‌باشد. حوزه‌های انتخاباتی و سایر مسایل مربوط به آن در قانون انتخابات تعیین می‌گردد.
- در قانون انتخابات باید تدابیری اتخاذ گردد که نظام انتخاباتی، نمایندگی عمومی و عادلانه را برای تمام مردم کشور تأمین نماید و به تناسب نفوس از هر ولایت، طور اوسط حداقل دو وکیل زن در ولسی جرگه عضویت یابد.
- ماده هشتاد و چهارم:** اعضای مشرانو جرگه به ترتیب ذیل انتخاب و تعیین می‌شوند:
- ۱- از جمله اعضای شورای هر ولایت، یک نفر به انتخاب شورای مربوط برای مدت چهارسال؛
  - ۲- از جمله اعضای شوراهای ولسوالی‌های هر ولایت، یک نفر به انتخاب شوراهای مربوط برای مدت سه سال؛
  - ۳- یک‌ثلث باقی‌مانده از جمله شخصیت‌های خبیر و باتجربه به شمول دو نفر از نمایندگان معلولین و معیوبین و دو نفر نمایندگان کوچی‌ها به تعیین رئیس جمهور برای مدت پنج سال.
- رئیس جمهور تعداد پنجاه فی صد از این اشخاص را از بین زنان تعیین می‌کند.
- شخصی که به حیث عضو مشرانو جرگه انتخاب می‌شود، عضویت خود را در شورای مربوطه از دست داده، به عوض او شخص دیگری مطابق به احکام قانون تعیین می‌گردد.

**ماده هشتاد و پنجم:** شخصی که به عضویت شورای ملی کاندید یا تعیین می‌شود، علاوه بر تکمیل شرایط انتخاب‌کنندگان واجد اوصاف ذیل می‌باشد:

۱- تبعه افغانستان بوده یا حداقل ده سال قبل از تاریخ کاندید یا تعیین شدن، تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد؛

۲- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضد بشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد؛

۳- اعضای ولسی جرگه سن بیست و پنج سالگی را در روز کاندید شدن، و اعضای مشرانو جرگه سن ۳۵ سالگی را در روز کاندید، یا تعیین شدن، تکمیل کرده باشند.

**ماده هشتاد و هشتم:** وثایق انتخاباتی اعضای شورای ملی توسط کمیسیون مستقل انتخابات مطابق به احکام قانون تدقیق می‌گردد.

**ماده هشتاد و نهم:** هریک از دو مجلس شورای ملی، در آغاز دوره کار، یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس برای یک دوره تقنینیه و دو نفر را به حیث نایب اول و نایب دوم و دو نفر را به حیث منشی و نایب منشی برای مدت یک سال انتخاب می‌کند.

این اشخاص هیئت اداری و لسی جرگه و مشرانو جرگه را تشکیل می‌دهند.

وظایف هیئت اداری در اصول ووظایف داخلی هر مجلس تعیین می‌شود.

**ماده هشتاد و دهم:** هریک از دو مجلس شورای ملی برای مطالعه موضوعات مورد بحث، برطبق اصول ووظایف داخلی، کمیسیون‌ها تشکیل می‌دهد.

**ماده هشتاد و یازدهم:** ولسی جرگه صلاحیت دارد به پیشنهاد یک‌ثلث اعضاء، جهت بررسی و مطالعه اعمال حکومت، کمیسیون خاص تعیین نماید.

ترکیب و طرزالعمل این کمیسیون در اصول ووظایف داخلی ولسی جرگه تنظیم می‌گردد.

**ماده نودم:** شورای ملی دارای صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:

۱- تصویب، تعدیل، یا لغو قوانین و یا فرامین تقنینی؛

۲- تصویب پروگرام‌های انکشافی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیکی؛

۳- تصویب بودجه دولتی و اجازه اخذ یا اعطای قرضه؛

۴- ایجاد واحدهای اداری، تعدیل و یا الغای آن؛

۵- تصدیق معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن؛

۶- سایر صلاحیت‌های مندرج این قانون اساسی.

**ماده نود و یکم:** ولسی جرگه دارای صلاحیت‌های اختصاصی ذیل می‌باشد:

۱- اتخاذ تصمیم در مورد استیضاح از هریک از وزراء مطابق به حکم ماده نود و دوم این قانون اساسی؛

۲- اتخاذ تصمیم راجع به پروگرام‌های انکشافی و بودجه دولتی؛

۳- تأیید یا رد مقرری‌ها مطابق به احکام این قانون اساسی.

**ماده نود و دوم:** ولسی جرگه به پیشنهاد بیست فی صد کل اعضاء، می‌تواند از هریک از وزراء استیضاح به عمل آورد.

هرگاه توضیح ارائه‌شده قناعت‌بخش نباشد، ولسی جرگه موضوع رأی عدم اعتماد را بررسی می‌کند. رأی عدم اعتماد از وزیر باید صریح، مستقیم و بر اساس دلایل موجه باشد. این رأی به اکثریت آراء

کل اعضای ولسی جرگه صادر می‌گردد.

**ماده نود و سوم:** هریک از کمیسیون‌های هردو مجلس شورای ملی می‌تواند از هریک از وزراء در موضوعات معین سوال نماید.

شخصی که از او سوال به عمل آمده، می‌تواند جواب شفاهی یا تحریری بدهد.

**ماده نود و چهارم:** قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد، مگر اینکه در این قانون اساسی طور دیگری تصریح گردیده باشد.

در صورتی که رئیس جمهور با مصوبه شورای ملی موافقه نداشته باشد می‌تواند آن را در ظرف پانزده روز از تاریخ تقدیم با ذکر دلایل به ولسی جرگه مسترد نماید. باسپری شدن این مدت و یا در صورتی که ولسی جرگه آن را مجدداً با دوثلث آرای کل اعضاء تصویب نماید، مصوبه توشیح‌شده محسوب، و نافذ می‌گردد.

**ماده نود و پنجم:** پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت یا اعضای شوری و در ساحه تنظیم امور قضایی از طرف ستره‌محکمه توسط حکومت صورت گرفته می‌تواند.

پیشنهاد طرح قانون در مورد بودجه و امور مالی صرف از طرف حکومت صورت می‌گیرد.

**ماده نود و ششم:** هرگاه پیشنهاد طرح قانون، حاوی تکلیف جدید یا تنقیص در عایدات دولت باشد، به شرطی در فهرست کار داخل می‌شود که در متن پیشنهاد، مدرک جبران نیز پیش‌بینی شده باشد.

**ماده نود و هفتم:** پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت نخست به ولسی جرگه تقدیم می‌گردد.

ولسی جرگه پیشنهاد طرح قانون را، به شمول بودجه و امور مالی و پیشنهاد اخذ و یا اعطای قرضه را، بعد از بحث به صورت یک کل تصویب یا رد می‌کند. ولسی جرگه نمی‌تواند طرح پیشنهادشده را بیش از یک ماه به تأخیر اندازد.

ولسی جرگه طرح قانون پیشنهادشده را بعد از تصویب به مشرانو جرگه می‌سپارد.

مشرانو جرگه در ظرف پانزده روز در مورد آن تصمیم اتخاذ می‌کند.

شورای ملی به اتخاذ تصمیم در مورد طرح قوانین، معاهدات و پروگرام‌های انکشافی دولت که به اساس پیشنهاد حکومت ایجاب رسیدگی عاجل را نماید اولویت می‌دهد.

هرگاه پیشنهاد طرح قانون از طرف ده نفر از اعضای یکی از دو مجلس صورت گیرد، بعد از تأیید یک پنجم اعضای مجلسی که پیشنهاد به آن ارائه شده است، در فهرست کار آن مجلس داخل می‌گردد.

**ماده نود و هشتم:** بودجه دولتی و پروگرام انکشافی حکومت از طریق مشرانو جرگه توأم با نظریه مشورتی آن به ولسی جرگه تقدیم می‌شود.

تصمیم ولسی جرگه بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می‌شود.

هرگاه نظر به عواملی تصویب بودجه قبل از آغاز سال مالی صورت نگیرد، تا تصویب بودجه جدید، بودجه سال گذشته تطبیق می‌گردد.

حکومت در خلال ربع چهارم سال مالی، بودجه سال آینده را با حساب اجمالی بودجه سال جاری به شورای ملی تقدیم می‌نماید. حساب قطعی بودجه سال مالی قبل، در خلال مدت شش ماه سال آینده، مطابق به احکام قانون، به شورای ملی تقدیم می‌گردد.

ولسی جرگه نمی‌تواند تصویب بودجه را بیش از یکماه و اجازه اخذ و یا اعطای قرضه را که شامل بودجه نباشد، بیش از پانزده روز به تأخیر اندازد.

هرگاه ولسی جرگه در این مدت را جمع به پیشنهاد اخذ و یا اعطای قرضه تصمیم اتخاذ نکند، پیشنهاد تصویب شده محسوب می‌گردد.

**ماده نود و نهم:** در صورتی که در اجلاس شورای ملی، بودجه سالانه یا پروگرام انکشافی یا موضوع مربوط به امنیت عامه، تمامیت ارضی و استقلال کشور مطرح باشد مدت اجلاس شورای قبل از تصویب آن خاتمه یافته نمی‌تواند.

**ماده صد:** هرگاه مصوبه یک مجلس از طرف مجلس دیگر رد شود، برای حل اختلاف هیئت مختلط به تعداد مساوی از اعضای هر دو مجلس تشکیل می‌گردد.

فیصله هیئت بعد از توشیح رئیس جمهور، نافذ شمرده می‌شود. در صورتی که هیئت مختلط نتواند اختلاف نظر را رفع کند، مصوبه رد شده به حساب می‌رود. درین حالت ولسی جرگه می‌تواند در جلسه بعدی آن را با دوثلث آرای کل اعضا تصویب کند. این تصویب بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می‌شود.

**ماده یکصد و یکم:** هیچ عضو شورای ملی به علت رأی یا نظریه‌ای که در هنگام اجرای وظیفه ابراز می‌دارد، مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد.

**ماده یکصد و دوم:** هرگاه عضو شورای ملی به جرمی متهم شود، مأمور مسئول از موضوع به مجلسی که متهم عضو آن است، اطلاع می‌دهد و متهم تحت تعقیب عدلی قرار گرفته می‌تواند.

در مورد جرم مشهود، مأمور مسئول می‌تواند متهم را بدون اجازه مجلسی که او عضو آن می‌باشد تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید.

در هر دو حالت، هرگاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ایجاد کند، مأمور مسئول مکلف است موضوع را بلافاصله به اطلاع مجلس مربوط برساند و تصویب آن را حاصل نماید.

اگر اتهام در هنگام تعطیل شورای صورت بگیرد، اجازه گرفتاری یا توقیف از هیئت اداری مجلس مربوط حاصل می‌گردد و موضوع به نخستین جلسه مجلس مذکور جهت اخذ تصمیم ارائه می‌شود.

**ماده یکصد و سوم:** وزراء می‌توانند در جلسات هر یک از دو مجلس شورای ملی اشتراک ورزند. هر مجلس شورای ملی می‌تواند حضور وزراء را در جلسه خود مطالبه کند.

**ماده یکصد و چهارم:** هر دو مجلس شورای ملی در وقت واحد به صورت جداگانه جلسه می‌کنند. جلسات هر دو مجلس در موارد ذیل می‌تواند به طور مشترک دایر شود:

۱- در موقعی که دوره تقنینیه یا اجلاس سالانه از طرف رئیس جمهور افتتاح می‌گردد؛

۲- در صورتی که رئیس جمهور ضروری تشخیص دهد.

رئیس ولسی جرگه، از جلسات مشترک شورای ملی ریاست می‌نماید.

**ماده یکصد و پنجم:** جلسات شورای ملی علنی می‌باشد. مگر اینکه رئیس مجلس یا حداقل ده نفر از اعضای شورای ملی، سری بودن آن را درخواست نمایند و مجلس این درخواست را بپذیرد.

هیچ شخصی نمی‌تواند عنفاً به مقر شورای ملی داخل شود.

**ماده یکصد و ششم:** نصاب هر یک از دو مجلس شورای ملی، هنگام رأی‌گیری با حضور اکثریت اعضا تکمیل می‌گردد و تصامیم آن با اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می‌شود، مگر در مواردی که این قانون اساسی طور دیگر تصریح نموده باشد.

**ماده یکصد و هفتم:** شورای ملی در هر سال دو اجلاس عادی دایر می‌کند.

مدت کار هر دو اجلاس شوری، در هر سال نه ماه می‌باشد. در صورت ایجاب، شوری می‌تواند این مدت را تمدید کند.

جلسات فوق‌العاده شوری در ایام تعطیل به امر رئیس جمهور دایر شده می‌تواند.

**ماده یکصد و هشتم:** در حالات و فوات، استعفا و عزل عضو شورای ملی و یا معلولیت یا معیوبیتی که به طور دایم مانع اجرای وظیفه گردد، تعیین نماینده جدید برای مدت باقی‌مانده دوره تقنینیه، مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد.

امور مربوط به حضور و غیاب اعضای شورای ملی در اصول و وظایف داخلی تنظیم می‌گردد.

**ماده یکصد و نهم:** پیشنهاد تعدیل قانون انتخابات، در یک سال اخیر دوره تقنینیه، در فهرست کار شورای ملی داخل شده نمی‌تواند.



## فصل ششم لویه جرگه

**ماده یکصد و دهم:** لویه جرگه عالی ترین مظهر اراده مردم افغانستان می باشد. لویه جرگه متشکل است از:

۱- اعضای شورای ملی.

۲- رؤسای شوراهای ولایات و ولسوالی ها.

وزراء، رئیس و اعضای ستره محکمه و لوی حارنوال می توانند در جلسات لویه جرگه بدون حق رأی اشتراک ورزند.

**ماده یکصد و یازدهم:** لویه جرگه در حالات ذیل دایر می گردد:

۱- اتخاذ تصمیم در مورد مسایل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و مصالح علیای کشور؛

۲- تعدیل احکام این قانون اساسی؛

۳- محاکمه رئیس جمهور مطابق به حکم مندرج ماده شصت و نهم این قانون اساسی.

**ماده یکصد و دوازدهم:** لویه جرگه در اولین جلسه، از میان اعضاء یک نفر را به حیث رئیس و یک نفر را به حیث معاون و دو نفر را به حیث منشی و نایب منشی انتخاب می کند.

**ماده یکصد و سیزدهم:** نصاب لویه جرگه هنگام رأی دهی، با حضور اکثریت اعضاء تکمیل می گردد. تصامیم لویه جرگه، جز در مواردی که در این قانون اساسی صریحاً ذکر گردیده، با اکثریت آراء کل اعضا اتخاذ می گردد.

**ماده یکصد و چهاردهم:** مباحثات لویه جرگه علنی می باشد مگر اینکه یک ربع اعضاء، سری بودن آن را در خواست نمایند و لویه جرگه این درخواست را بپذیرد.

**ماده یکصد و پانزدهم:** در هنگام دایر بودن لویه جرگه، احکام مندرج مواد یکصد و یکم و یکصد و دوم این قانون اساسی، در مورد اعضای آن تطبیق می گردد.

## فصل هفتم قضاء

**ماده یکصد و شانزدهم:** قوه قضائیه، رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد. قوه قضائیه مرکب است از یک ستره محکمه، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آنها توسط قانون تنظیم می گردد.

ستره محکمه به حیث عالی ترین ارگان قضایی در رأس قوه قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارد.

**ماده یکصد و هفدهم:** ستره محکمه مرکب است از نه عضو که از طرف رئیس جمهور با تأیید ولسی جرگه و با رعایت احکام مندرج فقره آخر ماده پنجاهم و ماده یکصد و هجدهم این قانون اساسی در آغاز، به ترتیب ذیل تعیین می گردند:

سه نفر برای مدت چهار سال، سه نفر برای مدت هفت سال و سه نفر برای مدت ده سال.

تعیینات بعدی برای مدت ده سال می باشد.

تعیین اعضا برای بار دوم جواز ندارد.

رئیس جمهور یکی از اعضاء را به حیث رئیس ستره محکمه تعیین می کند.

اعضای ستره محکمه به استثنای حالت مندرج ماده یکصد و بیست و هفتم این قانون اساسی، تا ختم دوره خدمت از وظایف شان عزل نمی شوند.

**ماده یکصد و هجدهم:** عضو ستره محکمه واجد شرایط ذیل می باشد:

۱- سن رئیس و اعضاء در حین تعیین از چهل سال کمتر نباشد.

۲- تبعه افغانستان باشد؛

۳- در علوم حقوقی و یا فقهی تحصیلات عالی و در نظام قضایی افغانستان تخصص و تجربه کافی داشته باشد؛

۴- دارای حسن سیرت و شهرت نیک باشد؛

۵- از طرف محکمه به ارتکاب جرایم ضدبشری، جنایت و یا حرمان از حقوق مدنی محکوم نشده باشد؛

۶- در حال تصدی وظیفه در هیچ حزب سیاسی عضویت نداشته باشد.

**ماده یکصد و نوزدهم:** اعضای ستره محکمه قبل از اشغال وظیفه، حلف آتی را در حضور رئیس جمهور به جامی آورند:

## بسم الله الرحمن الرحيم

«به نام خداوند بزرگ سوگند یاد می‌کنم که حق و عدالت را برطبق احکام دین مقدس اسلام، نصوص این قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان تامین نموده، وظیفه قضا را با کمال امانت، صداقت و بی‌طرفی اجرا نمایم.»

**ماده یکصد و بیستم:** صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاوی است که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی، به شمول دولت، به حیث مدعی یا مدعی‌علیه در پیشگاه محکمه مطابق به احکام قانون اقامه شود.

**ماده یکصد و بیست و یکم:** بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین‌الدول و میثاق‌های بین‌المللی با قانون اساسی و تفسیر آنها بر اساس تقاضای حکومت و یا محاکم، مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره‌محکمه می‌باشد.

**ماده یکصد و بیست و دوم:** هیچ قانون نمی‌تواند در هیچ حالت، قضیه یا ساحه‌یی را از دایره صلاحیت قوه قضائیه به نحوی که در این فصل تحدید شده، خارج بسازد و به مقام دیگر تفویض کند. این حکم مانع تشکیل محاکم خاص مندرج مواد شصت و نهم، هفتاد و هشتم و یکصد و بیست و هفتم این قانون اساسی و محاکم عسکری در قضایای مربوط به آن نمی‌گردد. تشکیل و صلاحیت این نوع محاکم توسط قانون تنظیم می‌گردد.

**ماده یکصد و بیست و سوم:** با رعایت احکام این قانون اساسی، قواعد مربوط به تشکیل، صلاحیت و اجراءات محاکم و امور مربوط به قضاات توسط قانون تنظیم می‌گردد.

**ماده یکصد و بیست و چهارم:** در مورد مأمورین و سایر کارکنان اداری قوه قضائیه، احکام قوانین مربوط به مأمورین و سایر کارکنان اداری دولت نافذ می‌باشد ولی تقرر، انفکاک، ترفیع، تقاعد، مجازات و مکافات‌شان توسط ستره‌محکمه مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد.

**ماده یکصد و بیست و پنجم:** بودجه قوه قضائیه به مشوره حکومت از طرف ستره‌محکمه ترتیب گردیده، به حیث جزء بودجه دولت، توسط حکومت به شورای ملی تقدیم می‌شود. تطبیق بودجه قوه قضائیه از صلاحیت ستره‌محکمه می‌باشد.

**ماده یکصد و بیست و ششم:** اعضای ستره‌محکمه بعد از ختم دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره خدمت مستفید می‌شوند مشروط بر اینکه به مشاغل دولتی و سیاسی اشتغال نوزند.

**ماده یکصد و بیست و هفتم:** هرگاه بیش از یک‌ثالث اعضای ولسی‌جرگه، محاکمه رئیس یا عضو ستره‌محکمه را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نمایند و ولسی‌جرگه این تقاضا را با اکثریت دوثلث کل اعضاء تصویب کند، متهم از وظیفه عزل و موضوع به محکمه خاص محول می‌گردد.

تشکیل محکمه و طرز‌العمل محاکمه، توسط قانون تنظیم می‌گردد.

**ماده یکصد و بیست و هشتم:** در محاکم افغانستان، محاکمه به صورت علنی دایر می‌گردد و هر شخص حق دارد با رعایت احکام قانون در آن حضور یابد.

محکمه می‌تواند در حالاتی که در قانون تصریح گردیده، یا سری بودن محاکمه ضروری تشخیص

گردد، جلسات سری دایر کند ولی اعلام حکم باید به هر حال علنی باشد.

**ماده یکصد و بیست و نهم:** محکمه مکلف است اسباب حکمی را که صادر می‌نماید، در فیصله ذکر کند.

تمام فیصله‌های قطعی محاکم واجب‌التعمیل است مگر در حالت حکم به مرگ شخص که مشروط به منظوری رئیس جمهور می‌باشد.

**ماده یکصد و سی‌ام:** محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می‌کنند.

هرگاه برای قضیه‌یی از قضایای مورد رسیدگی، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد، محاکم به پیروی از احکام فقه حنفی و در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده، قضیه را به نحوی حل و فصل می‌نمایند که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید.

**ماده یکصد و سی و یکم:** محاکم برای اهل تشیع، در قضایای مربوط به احوال شخصیه، احکام مذهب تشیع را مطابق به احکام قانون تطبیق می‌نمایند.

در سایر دعاوی نیز اگر در این قانون اساسی و قوانین دیگر حکمی موجود نباشد، محاکم قضیه را مطابق به احکام این مذهب حل و فصل می‌نمایند.

**ماده یکصد و سی و دوم:** قضاات به پیشنهاد ستره‌محکمه و منظوری رئیس جمهور تعیین می‌گردند.

تقرر، تبدل، ترفیع، مؤاخذه و پیشنهاد تقاعد قضاات مطابق به احکام قانون از صلاحیت ستره‌محکمه می‌باشد.

ستره‌محکمه به منظور تنظیم بهتر امور اجرایی و قضایی و تأمین اصلاحات لازم، آمریت عمومی اداری قوه قضائیه را تأسیس می‌نماید.

**ماده یکصد و سی و سوم:** هرگاه قاضی به ارتکاب جنایت متهم شود، ستره‌محکمه مطابق به احکام قانون به حالت قاضی رسیدگی نموده، پس از استماع دفاع او، در صورتی که ستره‌محکمه اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوری آن از طرف رئیس جمهور، قاضی متهم از وظیفه معزول و مطابق به احکام قانون مجازات می‌شود.

**ماده یکصد و سی و چهارم:** کشف جرایم، توسط پولیس و تحقیق جرایم و اقامه دعوی علیه متهم در محکمه، از طرف حارنوالی مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد.

حارنوالی جزء قوه اجرائیه و در اجراءات خود مستقل می‌باشد.

تشکیل، صلاحیت و طرز فعالیت حارنوالی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

کشف و تحقیق جرایم وظیفوی منسوبین قوای مسلح، پولیس و موظفین امنیت ملی، توسط قانون خاص تنظیم می‌گردد.

**ماده یکصد و سی و پنجم:** اگر طرف دعوی زبانی را که محاکمه توسط آن صورت می‌گیرد، نداند، حق اطلاع به مواد و اسناد قضیه و صحبت در محکمه به زبان مادری، توسط ترجمان برایش تأمین

می‌گردد.



## فصل هشتم اداره

**ماده یکصد و سی و ششم:** اداره جمهوری اسلامی افغانستان براساس واحدهای اداره مرکزی و ادارات محلی، طبق قانون تنظیم می‌گردد.

اداره مرکزی به یک‌عده واحدهای اداری منقسم می‌گردد که در رأس هرکدام یک نفر وزیر قرار دارد. واحد اداره محلی، ولایت است. تعداد، ساحه، اجزا و تشکیلات ولایات و ادارات مربوط، بر اساس تعداد نفوس، وضع اجتماعی و اقتصادی و موقعیت جغرافیایی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

**ماده یکصد و سی و هفتم:** حکومت با حفظ اصل مرکزیت به منظور تسریع و بهبود امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سهم‌گیری هرچه بیشتر مردم در انکشاف حیات ملی، صلاحیت‌های لازم را مطابق به احکام قانون، به اداره محلی تفویض می‌نماید.

**ماده یکصد و سی و هشتم:** در هر ولایت یک شورای ولایتی تشکیل می‌شود. اعضای شورای ولایتی طبق قانون، به تناسب نفوس از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین ولایت برای مدت چهار سال انتخاب می‌گردند.

شورای ولایتی یک نفر از اعضای خود را به حیث رئیس انتخاب می‌نماید.

**ماده یکصد و سی و نهم:** شورای ولایتی در تأمین اهداف انکشافی دولت و بهبود امور ولایت به نحوی که در قوانین تصریح می‌گردد، سهم گرفته و در مسایل مربوط به ولایت مشوره می‌دهد.

شورای ولایتی وظایف خود را با همکاری اداره محلی اجرا می‌نماید.

**ماده یکصد و چهلم:** برای تنظیم امور و تأمین اشتراک فعال مردم در اداره محلی، در ولسوالی‌ها و قریه‌ها، مطابق به احکام قانون شوراها تشکیل می‌گردد.

اعضای این شوراها از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف ساکنین محل برای مدت سه سال انتخاب می‌شوند.

سهم‌گیری کوچیان در شوراها محلی مطابق به احکام قانون تنظیم می‌گردد.

**ماده یکصد و چهل و یکم:** برای اداره امور شهری، شاروالی تشکیل می‌شود.

شاروال و اعضای مجالس شاروالی، از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم انتخاب می‌شوند. امور مربوط به شاروالی‌ها توسط قانون تنظیم می‌گردد.

**ماده یکصد و چهل و دوم:** دولت به مقصد تعمیل احکام و تأمین ارزش‌های مندرج این قانون اساسی ادارات لازم را تشکیل می‌نماید.

## فصل نهم حالت اضطرار

**ماده یکصد و چهل و سوم:** هرگاه به علت جنگ، خطر جنگ، اغتشاش وخیم، آفات طبیعی و یا حالت مماثل، حفظ استقلال و حیات ملی از مجاری که در قانون اساسی تعیین شده، ناممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور با تأیید شورای ملی در تمام یا بعضی از ساحات کشور اعلان می‌شود.

هرگاه حالت اضطرار بیش از دو ماه دوام نماید برای تمدید آن، موافقت شورای ملی شرط است.

**ماده یکصد و چهل و چهارم:** در حالت اضطرار، رئیس جمهور می‌تواند به مشوره رؤسای شورای ملی و ستره محکمه، بعضی از صلاحیت‌های شورای ملی را به حکومت انتقال دهد.

**ماده یکصد و چهل و پنجم:** در حالت اضطرار، رئیس جمهور می‌تواند بعد از تأیید رؤسای شورای ملی و ستره محکمه، تنفیذ احکام ذیل را معطل بسازد و یا بر آن قیودی وضع نماید:

۱- فقره دوم ماده بیست و هفتم.

۲- ماده سی و ششم.

۳- فقره دوم ماده سی و هفتم.

۴- فقره دوم ماده سی و هشتم.

**ماده یکصد و چهل و ششم:** در حالت اضطرار، قانون اساسی تعدیل نمی‌شود.

**ماده یکصد و چهل و هفتم:** هرگاه دوره ریاست جمهوری و یا دوره تقنینیه شورای ملی در حالت اضطرار ختم شود، اجرای انتخابات جدید ملتوی گذاشته شده، مدت خدمت رئیس جمهور و اعضای شورای ملی تا چهار ماه تمدید می‌شود.

هرگاه حالت اضطرار بیش از چهارماه دوام نماید لویه‌جرگه از طرف رئیس جمهور دعوت می‌شود.

بعد از ختم حالت اضطرار، در خلال مدت دو ماه انتخابات برگزار می‌گردد.

**ماده یکصد و چهل و هشتم:** در ختم حالت اضطرار، اقداماتی که بر اساس مواد یکصد و چهل و چهارم و یکصد و چهل و پنجم این قانون اساسی به عمل آمده، بلافاصله از اعتبار ساقط می‌گردند.

## فصل دهم تعدیل

**ماده یکصد و چهل و نهم:** اصل پیروی از احکام دین مقدس اسلام و نظام جمهوری اسلامی تعدیل نمی‌شود.

تعدیل حقوق اساسی اتباع صرف به منظور بهبود حقوق آنان مجاز می‌باشد.

تعدیل دیگر محتویات این قانون اساسی، نظر به تجارب و مقتضیات عصر، با رعایت احکام مندرج مواد شصت و هفتم و یکصد و چهل و ششم این قانون اساسی، با پیشنهاد رئیس جمهور یا اکثریت اعضای شورای ملی صورت می‌گیرد.

**ماده یکصد و پنجاهم:** به منظور اجرای پیشنهاد تعدیل، هیئتی از بین اعضای حکومت، شورای ملی و ستره محکمه به فرمان رئیس جمهور تشکیل گردیده، طرح تعدیل را تهیه می‌کند.

برای تصویب تعدیل، لویه جرگه بر اساس فرمان رئیس جمهور و مطابق به احکام فصل لویه جرگه دایر می‌گردد.

هرگاه لویه جرگه با اکثریت دوثلث کل اعضاء طرح تعدیل را تصویب کند، بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ می‌گردد.

۱۶ جوزا ۱۳۸۱

## فصل یازدهم احکام متفرقه

**ماده یکصد و پنجاه و یکم:** رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزراء، رئیس و اعضای ستره محکمه، لوی حارنوال، رؤسای بانک مرکزی و امنیت ملی، والیان و شاروالها در مدت تصدی و وظیفه نمی‌توانند هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام دهند.

**ماده یکصد و پنجاه دوم:** رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور، وزراء، رؤسا و اعضای شورای ملی و ستره محکمه، لوی حارنوال و قضات نمی‌توانند در مدت تصدی و وظیفه به مشاغل دیگری اشتغال ورزند.

**ماده یکصد و پنجاه و سوم:** قضات، حارنوالان، صاحب‌منصبان قوای مسلح، پولیس و منسوبین امنیت ملی، در مدت تصدی و وظیفه نمی‌توانند در احزاب سیاسی عضویت داشته باشند.

**ماده یکصد و پنجاه و چهارم:** دارایی رئیس جمهور، معاونین رئیس جمهور و وزراء، اعضای ستره محکمه و لوی حارنوال قبل و بعد از دوره خدمت توسط ارگانی که در قانون تعیین می‌گردد، ثبت، رسیدگی و نشر می‌شود.

**ماده یکصد و پنجاه و پنجم:** برای معاونین رئیس جمهور، وزراء، رؤساء و اعضای شورای ملی و ستره محکمه، قضات و لوی حارنوال مطابق به احکام قانون معاش مناسب تعیین می‌گردد.

**ماده یکصد و پنجاه و ششم:** کمیسیون مستقل انتخابات برای اداره و نظارت بر هر نوع انتخابات و مراجعه به آراء عمومی مردم در کشور، مطابق به احکام قانون تشکیل می‌گردد.

**ماده یکصد و پنجاه و هفتم:** کمیسیون مستقل نظارت بر تطبیق قانون اساسی مطابق به احکام قانون تشکیل می‌گردد.

اعضای این کمیسیون از طرف رئیس جمهور به تأیید ولسی جرگه تعیین می‌گردند.

ارگان‌های اجرایی و قضایی دولت با رعایت حکم فقره چهارم ماده یکصد و پنجاه و نهم این قانون اساسی، الی تشکیل حکومت و ستره محکمه به وظایف خود ادامه می‌دهند. فرامین تقنینی که از آغاز دوره موقت به بعد نافذ گردیده است به اولین جلسه شورای ملی ارجاع می‌گردند.

این فرامین تا زمانی که از طرف شورای ملی لغو نگردیده باشد نافذ می‌باشد. **ماده یکصد و شصت و دوم:** این قانون اساسی از تاریخ تصویب لویه جرگه نافذ و از طرف رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان توشیح و اعلام می‌گردد. بانفاذ این قانون اساسی، قوانین و فرامین تقنینی مغایر احکام آن ملغی می‌باشد.



## فصل دوازدهم احکام انتقالی

**ماده یکصد و پنجاه و هشتم:** لقب بابای ملت و امتیازاتی که توسط لویه جرگه اضطراری سال یک‌هزار و سه صد و هشتاد و یک هجری شمسی به اعلی حضرت محمدظاهر شاه، پادشاه سابق افغانستان، اعطاء شده است با رعایت احکام این قانون اساسی مادام‌الحیات برای ایشان محفوظ می‌باشد.

**ماده یکصد و پنجاه و نهم:** مدت بعد از نفاذ این قانون اساسی تا تاریخ افتتاح شورای ملی، دوره انتقال شمرده می‌شود.

دولت انتقالی اسلامی افغانستان، در دوره انتقال وظایف ذیل را انجام می‌دهد.

۱- اصدار فرامین تقنینی مربوط انتخابات ریاست جمهوری، شورای ملی و شوراهای محلی در مدت شش ماه؛

۲- اصدار فرامین در مورد تشکیلات و صلاحیت محاکم و آغاز کار روی قانون تشکیلات اساسی در خلال مدت کمتر از یک سال؛

۳- تشکیل کمیسیون مستقل انتخابات؛

۴- انجام اصلاحات لازم به منظور تنظیم بهتر امور اجرایی و قضایی؛

۵- اتخاذ تدابیر لازم جهت آماده ساختن زمینه برای تطبیق احکام این قانون اساسی.

**ماده یکصد و شصت و یکم:** اولین رئیس جمهور منتخب سی روز بعد از اعلام نتایج انتخابات، مطابق به احکام این قانون اساسی به کار آغاز می‌کند.

کوشش همه‌جانبه صورت می‌گیرد تا اولین انتخابات رئیس جمهور و شورای ملی با هم در یک وقت صورت بگیرد.

صلاحیت‌های شورای ملی مندرج در این قانون اساسی تا زمان تأسیس این شوری به حکومت تفویض می‌شود و ستره محکمه موقت به فرمان رئیس جمهور تشکیل می‌گردد.

**ماده یکصد و شصت و یکم:** شورای ملی، وظایف و صلاحیت‌های خود را به مجرد تأسیس، مطابق به احکام این قانون اساسی اعمال می‌کند.

بعد از دایر شدن اولین جلسه شورای ملی، در خلال مدت سی روز، حکومت و ستره محکمه مطابق به احکام این قانون اساسی تشکیل می‌گردند.

رئیس دولت انتقالی اسلامی افغانستان تا زمانی که رئیس جمهور منتخب به کار آغاز کند اجرای وظیفه می‌نماید.

## فرمان

رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در باره انفاذ قانون تشکیل،  
وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

شماره: (۱۶)

تاریخ: ۱۳۸۴/۲/۲۲

ماده اول: قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان را که به اساس مصوبه شماره (۷) مورخ ۱۳۸۴/۲/۱۲ از طرف مجلس عالی وزراء به داخل (۴) فصل و (۳۵) ماده تصویب گردیده است، توشیح می‌دارم.  
ماده دوم: این فرمان از تاریخ توشیح نافذ بوده و در جریده رسمی نشر گردد.

حامد کرزی  
رئیس جمهوری اسلامی  
افغانستان

## قانون تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان

این قانون به تاسی از حکم ماده پنجاه و هشتم قانون اساسی افغانستان و قطعنامه شماره ۱۳۴ مورخ ۲۰ دسمبر ۱۹۹۳ اسامبله عمومی ملل متحد به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر، بهبود و حمایت از آن و تنظیم امور مربوط به تشکیل، وظایف، صلاحیت‌ها و طرز فعالیت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان وضع گردیده است.

ماده اول

**فصل سوم  
وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون**

صلاحیت‌ها و وظایف	ماده بیست و یکم
اشتراک در جلسات سلانه کمیساری عالی سازمان ملل متحد	ماده بیست و دوم
بررسی شکایات	ماده بیست و سوم
صلاحیت کمیسیون در جمع آوری دلایل اثبات	ماده بیست و چهارم
عدم اجبار در نشر و افشای اسناد و مدارک	ماده بیست و پنجم
وضعیت حقوق بشری زنان، اطفال، معیوبین و معلولین	ماده بیست و ششم
وظایف و صلاحیت‌های رئیس کمیسیون	ماده بیست و هفتم
مسؤولیت فردی و جمعی	ماده بیست و هشتم

**فصل چهارم  
احکام متفرقه**

بودجه	ماده بیست و نهم
دریافت کمک‌های مالی و تخنیکی	ماده سی‌ام
ایجاد سیستم شفاف مالی	ماده سی و یکم
ارائه گزارش	ماده سی و دوم
مسئولیت امنیتی	ماده سی و سوم
نشریه، آرم و مهر	ماده سی و چهارم
تاریخ انفاذ	ماده سی و پنجم

**فهرست مندرجات**

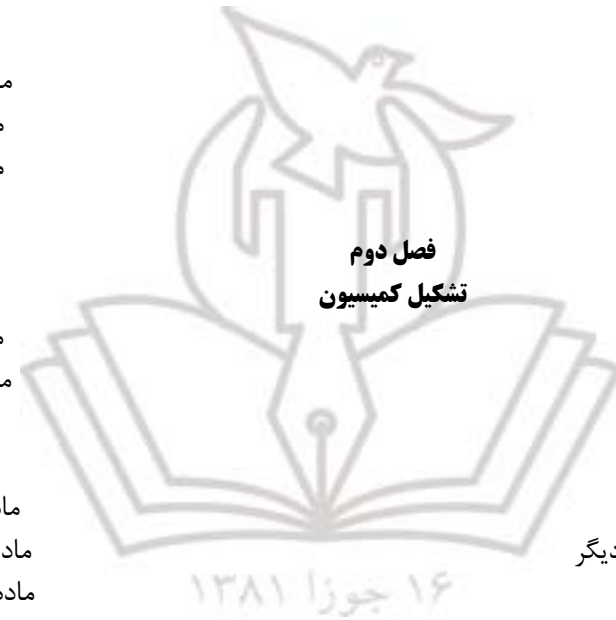
**فصل اول  
احکام عمومی**

**عناوین**

مبنی
تأسیس
نام اختصاری
مفهوم حقوق بشر
اهداف
همکاری ادارات

**فصل دوم  
تشکیل کمیسیون**

ترکیب	ماده هفتم
تسمیه اعضاء	ماده هشتم
انتخاب معاون	ماده نهم
ایجاد بورد مسلکی	ماده دهم
شرایط عضویت کمیسیون	ماده یازدهم
عدم اشتغال اعضاء به امور دیگر	ماده دوازدهم
تعلیق عضو جدید	ماده سیزدهم
حالات سبک‌دوشی اعضاء	ماده چهاردهم
استعفاء	ماده پانزدهم
مصونیت از تعقیب عدلی	ماده شانزدهم
حالات تعقیب عدلی	ماده هفدهم
موقعیت دفتر مرکزی و تأسیس دفاتر ساحوی	ماده هجدهم
دارالانشاء	ماده نوزدهم
جلسات	ماده بیستم



**همکاری ادارات:**

ماده ششم: ارگان‌های عدلی و قضایی، وزارت‌ها، ادارات و مؤسسات دولتی و غیردولتی و سایر اتباع کشور مکلف‌اند در تحقق اهداف مندرج این قانون با کمیسیون همکاری نمایند.

## فصل اول احکام عمومی

**مبنی:**

**ماده اول:** این قانون به تأسی از حکم ماده پنجاه و هشتم قانون اساسی افغانستان و قطعنامه شماره ۱۳۴ مورخ ۲۰ دسامبر ۱۹۹۳ اسامبله عمومی ملل متحد به منظور نظارت بر رعایت حقوق بشر، بهبود و حمایت از آن و تنظیم امور مربوط به تشکیل، وظایف، صلاحیت‌ها و طرز فعالیت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان وضع گردیده است.

**تأسیس:****ماده دوم:**

۱) کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در چوکات دولت جمهوری اسلامی افغانستان تأسیس و طور مستقل فعالیت می‌نماید.  
۲) کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان در انجام فعالیت‌های خویش احکام قانون اساسی، این قانون و سایر قوانین نافذ کشور را ملاک عمل قرار می‌دهد.

**نام اختصاری:**

**ماده سوم:** کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان من بعد در این قانون به نام کمیسیون یاد می‌گردد.

**مفهوم حقوق بشر:**

**ماده چهارم:** حقوق بشر به مفهوم این قانون عبارت است از حقوق و آزادی‌های اساسی اتباع که در قانون اساسی، اعلامیه‌ها، میثاق‌ها، قراردادها، پروتکل‌ها و سایر اسناد بین‌المللی حقوق بشر که افغانستان به رعایت و تطبیق آنها متعهد است، تسجیل گردیده باشد.  
دسترسی مساوی و عادلانه به بیمه‌ها، تأمینات و خدماتی که دولت ارائه می‌دارد، نیز از جمله حقوق بشری افراد محسوب می‌گردد.

**اهداف:**

**ماده پنجم:** کمیسیون به منظور تحقق اهداف ذیل فعالیت می‌نماید:

۱. نظارت بر رعایت حقوق بشر در کشور.
۲. تعمیم و حمایت از حقوق بشر.
۳. نظارت از وضعیت و چگونگی دسترسی افراد به حقوق و آزادی‌های بشری.
۴. بررسی و تحقیق از تخلفات و موارد نقض حقوق بشر.
۵. اتخاذ تدابیر به منظور بهبود و انکشاف وضعیت حقوق بشر در کشور.



## فصل دوم تشکیل کمیسیون

### ترکیب:

#### ماده هفتم:

۱- کمیسیون مرکب از (۹) عضو که شامل مرد و زن می‌باشد که برای مدت پنج سال از طرف رئیس جمهور تعیین می‌شوند.

۲- رئیس کمیسیون از میان اعضا از طرف رئیس جمهور تعیین می‌گردد.

#### تسمیه اعضا:

ماده هشتم: عضو کمیسیون به نام کمیشنر یاد می‌شود.

#### انتخاب معاون:

#### ماده نهم:

(۱) کمیسیون دارای یک معاون بوده که از میان اعضای آن توسط خود آنها انتخاب می‌گردد.

(۲) حدود وظایف و صلاحیت‌های معاون از طرف رئیس کمیسیون تعیین می‌گردد.

#### ایجاد بورد مسلکی:

ماده دهم: به منظور پیشبرد بهتر وظایف، کمیسیون می‌تواند بورد مسلکی را که تعداد آنها از (۱۰) نفر بیشتر نباشد، ایجاد نماید.

#### شرایط عضویت کمیسیون:

ماده یازدهم: اعضای کمیسیون و بورد مسلکی واجد شرایط ذیل می‌باشند:

۱. داشتن تابعیت افغانستان.

۲. حد اقل اكمال سن (۲۵) سالگی.

۳. عدم حرمان از حقوق مدنی و سیاسی به اساس حکم محکمه باصلاحیت.

۴. داشتن تحصیلات عالی حقوقی یا فقهی و یا داشتن تحصیلات عالی در سایر رشته‌ها توأم با تجربه عملی در امور حمایت و ترویج حقوق بشر.

۵. متهم نبودن به جرم خیانت ملی و سایر جرایم ضدبشری.

۶. داشتن شهرت نیک، استقلالیت متبازر، اعتماد مردمی و متعهد بودن به حقوق بشر.

۷. عدم عضویت در احزاب سیاسی حین تصدی وظیفه.

#### عدم اشتغال اعضا به سایر امور:

ماده دوازدهم: عضو کمیسیون در جریان تصدی وظیفه نمی‌تواند به امور دیگری اشتغال ورزد.

اشتغال به امور تدریسی در مؤسسات تعلیمی و تحصیلی از این حکم مستثنی است.

### تعلیق عضویت:

#### ماده سیزدهم:

(۱) کرسی عضویت کمیسیون در حالات ذیل تعلیق می‌گردد:

۱. فوت، استعفا یا تقاعد.

۲. محکومیت به خیانت ملی، جنایت و جرایم ضد بشری به اساس حکم محکمه باصلاحیت.

۳. ابتلا به امراض صعب‌العلاج جسمی یا دماغی که مانع اجرای وظیفه شود.

۴. توظیف به وظایف دیگر از طرف رئیس جمهور برای مدت بیشتر از شش ماه.

۵. انفکاک از عضویت کمیسیون.

(۲) کمیسیون می‌تواند در حالات مندرج فقره (۱) این ماده الی مدت یکماه شخص واجد شرایط را

غرض احراز کرسی خالی عضویت به رئیس جمهور پیشنهاد نماید.

#### حالات سبک‌دوشی اعضا:

#### ماده چهاردهم:

(۱) عضو کمیسیون در حالات ذیل در صورت موجودیت دلایل مستند و صریح از عضویت کمیسیون

سبک‌دوش می‌گردد:

۱. عدم کفایت در اجرای امور محوله.

۲. افشای اسرار کمیسیون.

۳. تخطی از احکام این قانون.

(۲) انفصال عضو مندرج فقره (۱) این ماده در صورت موجودیت دلایل مستند و صریح به پیشنهاد

دوثلث اعضای کمیسیون و منظوری رئیس جمهور صورت می‌گیرد.

#### استعفا:

ماده پانزدهم: عضو کمیسیون می‌تواند درخواست استعفای خویش را به کمیسیون ارائه نماید.

منظوری استعفا از طرف رئیس جمهور صورت می‌گیرد.

#### مصونیت از تعقیب عدلی:

ماده شانزدهم: اعضاء و سایر مأمورین کمیسیون در اجرای وظایف قانونی خویش مورد تعقیب عدلی

قرار نمی‌گیرند.

#### حالات تعقیب عدلی:

ماده هفدهم: هرگاه عضو کمیسیون به جرم متهم شود، مأمور مسئول از موضوع به کمیسیون اطلاع

می‌دهد و متهم تحت تعقیب عدلی قرار گرفته می‌تواند.

درحالات جرم مشهود، مأمور مسئول می‌تواند متهم را بدون اجازه کمیسیون تحت تعقیب عدلی قرار

داده و گرفتار نماید.

در هر دو حالت هرگاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ايجاب نماید، مأمور مسئول مکلف است موضوع را

بلافاصله به اطلاع کمیسیون برساند و تصویب آن را حاصل نماید.

#### موقعیت دفتر مرکزی و تأسیس دفاتر ساحوی:

#### ماده هژدهم:

دفتر مرکزی کمیسیون در شهر کابل می‌باشد. کمیسیون می‌تواند نظر به ضرورت و به منظور تطبیق

بهبتر اهداف این قانون، دفاتر ساحوی و ولایتی خویش را طور موقت یا دایم تأسیس نماید.

#### دارالانشاء:

#### ماده نوزدهم:

(۱) کمیسیون به منظور پیشبرد امور اداری، دارای دارالانشاء می‌باشد.

در رأس دارالانشاء رئیس اجرائیوی قرار دارد.

دارالانشاء وظایف خود را مطابق به احکام این قانون و طرزالعملی که از طرف کمیسیون تصویب می‌گردد، اجرا می‌نماید.

(۲) رئیس، مأمورین و سایر کارکنان دارالانشاء مطابق احکام قانون کار و قانون مأمورین با نظر داشت اهلیت، کفایت، تخصص فردی، تعهد به امر حقوق بشر و ترکیب عادلانه قومی، جنسی و زبانی استخدام می‌گردند.

#### جلسات:

#### ماده بیستم:

(۱) جلسات عادی کمیسیون هفته یکبار دایر می‌گردد. جلسات فوق‌العاده به تصمیم رئیس کمیسیون یا درخواست یک‌ثلث اعضا دایر شده می‌تواند.

(۲) نصاب جلسات کمیسیون به حضور داشت دوثلث اعضاء تکمیل و تصامیم به اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می‌گردد.

در صورت تساوی آراء، رأی رئیس کمیسیون تعیین‌کننده است.

## فصل سوم وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون

### صلاحیت‌ها و وظایف:

ماده بیست و یکم: کمیسیون به منظور تحقق اهداف مندرج این قانون دارای وظایف و صلاحیت‌های آتی می‌باشد:

۱. نظارت بر وضعیت حقوق بشر.
۲. نظارت از تطبیق احکام قانون اساسی، سایر قوانین، مقررات، لوایح و تعهدات در رابطه به حقوق بشر.
۳. نظارت از اجراءات و عملکردهای سیستم اداری، عدلی و قضایی، نهادها و مؤسسات انتفاعی و غیرانتفاعی ملی و بین‌المللی در کشور که بر وضعیت حقوق بشر مؤثر باشد.
۴. نظارت از اجراءات مراجع و مقامات دولتی و غیردولتی در رابطه به توزیع عادلانه و قابل دسترسی خدمات و تأمینات.
۵. نظارت از وضعیت و چگونگی دسترسی افراد به حقوق و آزادی‌های بشری.
۶. بازدید از محلات سلب آزادی و نظارت از تطبیق قوانین مربوط به رفتار با محبوسین و محجوزین مطابق احکام قانون مربوط.
۷. بررسی تخلفات و موارد نقض حقوق بشری.
۸. جمع‌آوری اسناد، مدارک، شواهد و معلومات در موارد نقض حقوق بشر.
۹. ارجاع نتایج بررسی‌ها جهت حل و جلوگیری از تخلف و نقض حقوق بشر به مراجع مربوط و تعقیب اجراءات در زمینه.
۱۰. طرح و تطبیق برنامه ملی آموزش و آگاهی حقوق بشر.
۱۱. همکاری با ادارات مربوطه در زمینه رعایت موازین حقوق بشر در نصاب تعلیمی.
۱۲. طرح و تطبیق برنامه‌ها در جهت تأمین و حمایت از جریان رسیدگی به جرایم، جنایات و موارد نقض حقوق بشر که شامل پروسه عدالت انتقالی می‌گردد.
۱۳. ابراز نظر و ارائه مشوره به شورای ملی و حکومت به منظور طرح، تصویب یا تعدیل و لغو قوانین و مقررات در رابطه به حمایت، بهبود و انکشاف حقوق بشر.
۱۴. ارائه مشوره‌های لازم به شورای ملی و حکومت به منظور امضاء، تصویب و یا الحاق افغانستان به معاهدات بین‌المللی حقوق بشر.
۱۵. ارائه مشوره به حکومت غرض تطبیق بهتر تعهدات افغانستان در قبال عهدنامه‌های بین‌المللی



- حقوق بشر.
۱۶. انجام تحقیقات علمی به منظور دریافت شیوه‌های مؤثر جهت هماهنگی پرنسپب‌ها و مکانیزم‌های بین‌المللی حقوق بشر با عقاید، فرهنگ و عنعنات ملی و تهیه طرح در زمینه.
۱۷. ارائه مشوره و تهیه مواد و معلومات لازم به منظور راپوردهی دولت مبنی بر تعهدات حقوق بشری افغانستان.
۱۸. همکاری با مراجع دولتی و غیردولتی و سایر مؤسسات به منظور تطبیق بهتر موازین حقوق بشر و بلند بردن درجه رعایت حقوق بشر در عرصه‌های مربوط.
۱۹. همکاری در جهت تطبیق اصلاحات اداری به منظور تأمین، حمایت، بهبود و انکشاف حقوق بشر.
۲۰. همکاری با سازمان ملل متحد و سایر مؤسسات منطقوی و بین‌المللی در جهت اهداف و وظایف در حدود صلاحیت.
۲۱. انجام مشوره‌های ملی و نظرخواهی عمومی به منظور دریافت شیوه‌های عملی، بهبود، حمایت و انکشاف حقوق بشر و تهیه طرح در زمینه.
۲۲. ارائه نظریات، پیشنهادات و راپورها به مقامات مسئول، مراجع و شوراهای ملی، ولایتی، ولسوالی‌ها و قریه‌ها غرض بهبود، حمایت و انکشاف حقوق بشر.
۲۳. ارتقای ظرفیت‌های کاری نهادهای محلی حقوق بشر و حمایت از نقش و وظایف آنها.
۲۴. پخش و نشر اعلامیه‌های عمومی و بیانات رسمی درباره وضعیت حقوق بشر.
۲۵. مطالبه توضیحات راجع به علل عدم رعایت اصول و موازین حقوق بشر از مسئولین امور.
۲۶. تبلیغ و ترویج حقوق بشر غرض آگاهی اتباع کشور.
۲۷. ارائه گزارش سالانه از وضعیت حقوق بشر به رئیس جمهور.
۲۸. ارائه و نشر راپور و گزارشات در رابطه به وضعیت حقوق بشر.
۲۹. ارائه مشوره در موارد چگونگی رسیدگی به تخلفات از موازین حقوق بشر به رئیس جمهور.
۳۰. اداره و رهبری امور دفتر مرکزی، دفاتر ساحوی و ولایتی و مراقبت از اجراات و فعالیت‌ها و سلوک فردی مأمورین و کارکنان مربوط.
۳۱. تأمین روابط به سطح ملی و بین‌المللی در عرصه فعالیت‌های حقوق بشر و تطبیق بهتر احکام این قانون.
۳۲. تأمین امکانات و تسهیلات مادی لازم جهت پیشبرد فعالیت‌های کمیسیون.
۳۳. تنظیم امور گزارش‌دهی و احصائیه در رابطه به وضعیت حقوق بشر غرض استفاده علمی و عملی.
۳۴. وضع لوايح جهت تنظیم امور مربوط به حقوق، وجایب، مکلفیت‌ها، امتیازات و بیمه‌های اعضاء، مأمورین و سایر کارکنان کمیسیون.
۳۵. مسئولیت از تطبیق این قانون.
- اشتراک در جلسات سالانه کمیساری عالی سازمان ملل متحد:**
- ماده بیست و دوم: رئیس یا نماینده باصلاحیت وی می‌تواند در جلسات سالانه کمیساری عالی سازمان ملل متحد در امور حقوق بشر و سایر گردهمایی‌های منطقوی و بین‌المللی مشابه طبق قانون اشتراک نماید.

### بررسی شکایات:

#### ماده بیست و سوم:

- (۱) کمیسیون، شکایات واصله از نقض حقوق بشر را بررسی می‌نماید.
- (۲) کمیسیون، شکایات واصله را تحلیل و ارزیابی نموده، اسناد، شواهد و معلومات لازم را جمع‌آوری و در رفع آن با مراجع مربوط همکاری می‌نماید.
- کمیسیون می‌تواند عنداللزوم موضوع را با نظر داشت جزء (۹) ماده بیست و یکم این قانون به مراجع مسؤول محول نماید.

#### صلاحیت کمیسیون در جمع‌آوری دلایل اثبات:

ماده بیست و چهارم: کمیسیون می‌تواند در جریان بررسی شکایات، اسناد و شواهد را از اشخاص و مراجع مربوط مطالبه نماید.

#### عدم اجبار در نشر و افشای اسناد و مدارک:

ماده بیست و پنجم: کمیسیون به افشاء و نشر اسناد، مدارک و شواهد که در اختیار دارد، مجبور شده نمی‌تواند.

#### وضعیت حقوق بشری زنان، اطفال، معیوبین و معلولین:

ماده بیست و ششم: کمیسیون مکلف است به منظور حمایت و بهبود وضعیت حقوق بشری زنان، اطفال، معیوبین و معلولین وسایراقشار و گروه‌های آسیب‌پذیر و ارائه خدمات و تأمینات و مواظبت بیشتر از حقوق‌شان، طرح‌های مورد نظر را به مراجع دولتی و نهادهای جامعه مدنی پیشنهاد نماید.

#### وظایف و صلاحیت‌های رئیس کمیسیون:

ماده بیست و هفتم: رئیس کمیسیون دارای وظایف و صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:

- (۱) رهبری عمومی فعالیت‌های کمیسیون.
- (۲) ریاست از جلسات کمیسیون.
- (۳) نظارت از تطبیق بودجه.
- (۴) صدور اوامر و هدایات در جهت تطبیق احکام این قانون.

#### مسئولیت فردی و جمعی:

ماده بیست و هشتم: رئیس و اعضاء کمیسیون در پیشبرد فعالیت‌های ساحات مربوط، مسئولیت فردی و در رابطه به تضامیم و اجراات عمومی کمیسیون مسئولیت جمعی دارند.

**نشریه، آرم و مهر:**

مادهٔ سی و چهارم: کمیسیون دارای نشریه، آرم و مهر مخصوص می‌باشد.

**تاریخ انفاذ:**

مادهٔ سی و پنجم: این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریدهٔ رسمی نشر گردد.

## فصل چهارم احکام متفرقه

**بودجه:****مادهٔ بیست و نهم:**

۱) کمیسیون بودجهٔ خویش را ترتیب نموده، غرض طی مراحل از راه بودجهٔ ملی به شورای وزیران ارائه می‌نماید.

۲) کمیسیون بودجهٔ خویش را طور مستقلانه مطابق به قوانین مربوط تطبیق می‌نماید.

**دریافت کمکهای مالی و تخنیکی:**

مادهٔ سی‌ام: کمیسیون می‌تواند به منظور تنظیم بهتر فعالیت‌ها، مؤثریت اجراءات و تطبیق برنامه‌های توسعه‌ی خویش در چوکات این قانون و قوانین مربوط از سازمان ملل متحد و سایر مؤسسات تمویل‌کنندهٔ بین‌المللی کمکهای مالی و تخنیکی دریافت نماید.

**ایجاد سیستم شفاف مالی:**

مادهٔ سی و یکم: کمیسیون مکلف است به منظور تطبیق بهتر بودجه، سیستم شفاف مالی را در رابطه با ادارهٔ امور مالی، تعمیرات، وسایل و لوازم مورد ضرورت و نظارت بر امور عواید و مصارف را ایجاد نماید.

**ارائه گزارش:****مادهٔ سی و دوم:**

۱) کمیسیون راپور عمومی سالانه به شمول مصارف مالی خود را در ظرف یکماه بعد از افتتاح جلسات سالانهٔ شورای ملی به ولسی جرگه تقدیم می‌نماید.

راپور شامل تمام اجراءات و فعالیت‌های انجام‌شده، گزارش وضعیت عمومی حقوق بشر توأم با نظریات و پیشنهادات در موارد مربوط به حقوق بشر می‌باشد.

۲) کمیسیون می‌تواند گزارشهای جداگانه را توأم با نظریات و پیشنهادات در موارد مربوط به نظارت، حمایت، بهبود و انکشاف حقوق بشر به ولسی جرگه ارائه نماید.

۳) رئیس و اعضای کمیسیون بنا بر تقاضای ولسی جرگه هنگام بررسی راپور عمومی سالانه در جلسه مربوط اشتراک می‌نمایند.

**مصونیت امنیتی:**

مادهٔ سی و سوم: وزارت امور داخله و سایر مراجع ذی‌ربط امنیتی برای تأمین امنیت و حفاظت اعضای کمیسیون و دفاتر مربوط آن تدابیر لازم را اتخاذ می‌نماید.



## فهرست

### صفحه

۵۰

۵۳

۵۶

۶۰

### عنوان

فصل اول: احکام عمومی

فصل دوم: تدابیر وقایوی و حمایتی

فصل سوم: احکام جزایی

فصل چهارم: احکام نهایی



۱۶ جوزا ۱۳۸۱

## قانون منع خشونت علیه زن

۱. شخصی که زن را به نام بد دادن به نکاح بدهد یا بگیرد، مرتکب حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.
۲. در حالت مندرج فقره ۱ این ماده اشخاص ذی‌دخل (شاهد، وکیل، مصلح و عاقد)، هر یک حسب احوال به حبس متوسط، محکوم و عقد نکاح در صورت مطالبه زن [به] بد داده شده مطابق احکام قانون فسخ می‌گردد.

۱۶ جوزا ۱۳۸۱

ماده بیست و پنجم

۹- تدابیر وقایوی: اقدامات عملی است که به منظور امحای عوامل خشونت و جلوگیری از وقوع آن اتخاذ می‌گردد.

۱۰- تدابیر حمایتی: اقدامات عملی است که به منظور حمایت از مجنی‌علیها (متضرر خشونت) اتخاذ می‌گردد.

### منع خشونت

**ماده چهارم:** خشونت جرم بوده، هیچ‌کس حق ندارد در محل سکونت، اداره‌ی دولتی یا غیر دولتی، مؤسسات، محلات عامه، وسایط نقلیه یا سایر محلات، مرتکب آن گردد، در صورت ارتکاب مطابق احکام این قانون مجازات می‌گردد.

### موارد خشونت

**ماده پنجم:** ارتکاب اعمال ذیل علیه زن، خشونت شناخته می‌شود:

- ۱- تجاوز جنسی.
- ۲- مجبور نمودن به فحشاء.
- ۳- ضبط و ثبت هویت مجنی‌علیها و نشر آن به‌نحوی که به شخصیت وی صدمه برساند.
- ۴- آتش‌زدن یا استعمال مواد کیمیایی، زهری و یا سایر مواد ضررناک.
- ۵- مجبور نمودن به خودسوزی یا خودکشی و یا استعمال مواد زهری یا سایر مواد ضررناک.
- ۶- مجروح یا معلول نمودن.
- ۷- لت‌وکوب.
- ۸- خرید و فروش به منظور یا بهانه ازدواج.
- ۹- بد دادن.
- ۱۰- نکاح اجباری.
- ۱۱- ممانعت از حق ازدواج و یا حق انتخاب زوج.
- ۱۲- نکاح قبل از اكمال سن قانونی.
- ۱۳- دشنام، تحقیر و تخویف.
- ۱۴- آزاروآذیت.
- ۱۵- انزوای اجباری.
- ۱۶- اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر.
- ۱۷- منع تصرف در ارث.
- ۱۸- منع تصرف اموال شخصی.
- ۱۹- ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به خدمات صحی.
- ۲۰- کار اجباری.
- ۲۱- ازدواج با بیش از یک زن بدون رعایت حکم مندرج ماده‌ی ۸۶ قانون مدنی.
- ۲۲- نفی قرابت.

### حقوق مجنی‌علیها

**ماده‌ی ششم:** مجنی‌علیهای خشونت دارای حقوق ذیل می‌باشد:

- ۱- تعقیب عدلی مرتکب خشونت مطابق احکام قانون.

## فصل اول احکام عمومی

### مبنی

**ماده اول:** این قانون در روشنی احکام مواد بیست و چهارم و پنجاه و چهارم قانون اساسی افغانستان وضع گردیده است.

### اهداف

**ماده دوم:** اهداف این قانون عبارت‌اند از:

- ۱- تأمین حقوق شرعی و قانونی و حفظ کرامت انسانی زن.
- ۲- حفظ سلامت خانواده و مبارزه علیه رسوم، عرف و عادات مغایر احکام دین مقدس اسلام مسبب خشونت علیه زن.
- ۳- حمایت مجنی‌علیهای خشونت (زن متضرر) یا معروض به خشونت.
- ۴- جلوگیری از خشونت علیه زن.
- ۵- تأمین آگاهی و آموزش عامه در مورد خشونت علیه زن.
- ۶- تعقیب عدلی مرتکب جرم خشونت علیه زن.

### اصطلاحات

**ماده‌ی سوم:** اصطلاحات آتی در این قانون مفاهیم ذیل را افاده می‌نماید:

- ۱- زن: عبارت از اناث بالغ و نابالغ می‌باشد.
- ۲- خشونت: ارتکاب اعمال مندرج ماده پنجم این قانون است که موجب صدمه به شخصیت، جسم، مال یا روان زن می‌گردد.
- ۳- تجاوز جنسی: ارتکاب فعل زنا یا لواط با زن بالغ توأم با اجبار و اکراه یا ارتکاب آن با زن نا بالغ و یا تجاوز بر عفت و ناموس زن است.
- ۴- بد دادن: به شوهر دادن زن است در بدل دیت یا صلح به ارتباط قتل، تجاوز جنسی یا سایر احوال به پیروی از رسوم، عرف و عادات ناپسند.
- ۵- تحقیر: ارتکاب اعمال و حرکات یا استعمال الفاظ است که موجب اهانت (کوچک‌ساختن) شخصیت زن گردد.
- ۶- تخویف: ارتکاب اعمال و حرکات یا استعمال الفاظ است که موجب ایجاد رعب و ترس زن گردد.
- ۷- آزاروآذیت: ارتکاب اعمال و حرکات یا استعمال الفاظ یا به هر وسیله یا به هر نحوی است که موجب صدمه به شخصیت، جسم و روان گردد.
- ۸- انزوای اجباری: ممانعت از دید و بازدید زن با محارم شرعی می‌باشد.

- ۲- دسترسی به مرکز حمایتی یا خانه‌ی امن یا سایر محلات مصون به موافقه وی.  
 ۳- دسترسی به خدمات صحتی عاجل طور رایگان.  
 ۴- داشتن وکیل مدافع یا مساعد حقوقی.  
 ۵- جبران خساره ناشی از عمل جرمی.  
 ۶- محرمانه بودن موضوع نسبتی.  
 ۷- سایر حقوق که در اسناد تقنینی پیشینی گردیده است.

#### مراجعه به ادارات

- ماده‌ی هفتم:** ۱. مجنی‌علیه‌های خشونت، خود یا اقارب وی می‌توانند به ادارات پولیس و حقوق، محاکم یا سایر مراجع ذی‌ربط طور کتبی شکایت نمایند.  
 ۲. ادارات مندرج فقره ۱ این ماده مکلف‌اند، شکایت واصله را ثبت و مطابق احکام قانون آن‌را رسیدگی نموده و وزارت امور زنان را طور کتبی مطلع سازند.  
 ۳. وزارت امور زنان مکلف است بعد از کسب اطلاع کتبی یا شکایت مستقیم مجنی‌علیه‌های خشونت یا اقارب جهت تأمین ارتباط با مجنی‌علیه‌های خشونت تدابیر لازم را اتخاذ و عملی نماید.  
 ۴. سارنوالی و محکمه مکلف‌اند، قضیه خشونت را در اولویت قرار داده و به اسرع وقت رسیدگی نمایند.  
 ۵. مسؤولین مراجع مندرج فقره ۱ این ماده مکلف‌اند، حین رسیدگی شکایت واصله طرز‌العمل سلوک خاص را که بدین منظور از طرف کمیسیون منع خشونت وضع می‌شود، رعایت نمایند.



۱۶ جوزا ۱۳۸۱

## فصل دوم تدابیر وقایوی و حمایتی

### مکلفیت وزارت امور زنان

- ماده هشتم:** وزارت امور زنان مکلف است به منظور جلوگیری از خشونت علیه زنان، به همکاری سایر وزارت‌ها و ادارات دولتی و غیردولتی و مؤسسات ذی‌ربط، تدابیر وقایوی و حمایتی ذیل را اتخاذ نماید:
- ۱- انسجام فعالیت‌های ادارات دولتی و غیردولتی و مؤسسات عرضه‌کننده خدمات در عرصه‌ی جلوگیری از خشونت و تأمین هماهنگی میان آنها.
  - ۲- بلندبردن سطح آگاهی مرد و زن از حقوق و وجایب شرعی و قانونی آنها.
  - ۳- فراهم‌نمودن زمینه حفاظت و نگهداری مجنی‌علیه‌های خشونت یا معروض به آن در مرکز حمایتی یا در صورت عدم موجودیت در سایر محلات مصون مربوط، نظارت و واریسی از آن.
  - ۴- تدویر سیمینارها، ورکشاپ‌ها، کنفرانس‌ها و سایر برنامه‌های آموزشی جهت بلندبردن سطح آگاهی عامه و شناسایی موارد خشونت و عواقب ناشی از آن برای کارکنان ادارات دولتی و غیردولتی، مؤسسات، ساکنین محلات و روستاها و دریافت راه‌حل‌ها.
  - ۵- توضیح و تشریح عوامل خشونت و عواقب ناشی از آن مستند به احکام شرع و قانون از طریق نشرات مربوط.
  - ۶- حصول اطمینان از تطبیق برنامه‌های آموزشی و ظرفیت‌کاری ادارات غیردولتی مؤسسات ذی‌ربط. مکلف وزارت ارشاد، حج و اوقاف.

### ماده نهم: وزارت ارشاد، حج و اوقاف مکلف است به‌منظور جلوگیری از خشونت، تدابیر وقایوی ذیل را اتخاذ نماید:

- ۱- ترتیب برنامه‌های منظم جهت ایراد موعظه‌ها و خطابه‌ها در رابطه به حقوق و وجایب شرعی مردان و زنان و اجرای آن توسط ملامامان، خطبا و واعظان مساجد و تکایا (حسینیه‌ها) و حصول اطمینان از تطبیق آن.
- ۲- تدویر سیمینارها، ورکشاپ‌ها و کنفرانس‌ها برای ملامامان، خطبا و واعظان.
- ۳- توضیح و تشریح عوامل خشونت و عواقب ناشی از آن مستند به احکام شرع و قانون از طریق نشرات مربوط.

### مکلفیت وزارت‌های معارف و تحصیلات عالی

- ماده دهم:** وزارت‌های معارف و تحصیلات عالی مکلف‌اند، به‌منظور جلوگیری از خشونت تدابیر وقایوی ذیل را اتخاذ نمایند:
- ۱- گنجاندن موضوعات مربوط به خشونت و عواقب ناشی از آن و چگونگی جلوگیری از خشونت در

- نصاب درسی و تحصیلی مربوط.
- ۲- تدویر سیمینارها، ورکشاپ‌ها و کنفرانس‌ها برای کارکنان، متعلمین و محصلین مربوط.
- ۳- اتخاذ تدابیر لازم به منظور جلوگیری از وقوع خشونت در محیط تعلیمی و تحصیلی مربوط.
- ۴- توضیح و تشریح عوامل خشونت و عواقب ناشی از آن مستند به احکام شرع و قانون از طریق نشرات مربوط.

#### مکلفیت وزارت اطلاعات و فرهنگ

**ماده یازدهم: وزارت اطلاعات و فرهنگ مکلف است به منظور جلوگیری از خشونت تدابیر وقایوی ذیل را اتخاذ نماید:**

- ۱- تنظیم و نشر برنامه‌های رادیویی و تلویزیونی در مورد عوامل خشونت و عواقب ناشی از آن و نشر مطالب مربوط در روزنامه‌ها، اخبار و جراید.
- ۲- فراهم نمودن زمینه برای وزارت‌ها و ادارات دولتی و سایر اشخاص حقیقی یا حکمی جهت پخش و نشر مطالب مربوط به منع خشونت از طریق رسانه‌های تحت اثر.
- ۳- جلوگیری از نشر و پخش برنامه‌های ترویج‌کننده خشونت از طریق رسانه‌های همگانی.

#### مکلفیت وزارت عدلیه

**ماده دوازدهم: وزارت عدلیه مکلف است به منظور جلوگیری از خشونت تدابیر وقایوی و حمایتی ذیل را اتخاذ نماید:**

- ۱- بلندبردن سطح آگاهی زن و مرد از حقوق و وجایب شرعی و قانونی آنها.
- ۲- فراهم نمودن زمینه توضیح و تشریح مطالب مربوط به عوامل خشونت و عواقب ناشی از آن برای مردان و زنان تحت توقیف، حجز و حبس از طریق مسؤولین مربوط و سایر سازمان‌های اجتماعی ذی‌ربط.
- ۳- تدویر سیمینارها و ورکشاپ‌ها جهت آگاهی کارکنان ادارات حقوق و مساعدت‌های حقوقی از احکام این قانون و فراهم نمودن زمینه‌ی تطبیق بهتر آن.
- ۴- توظیف مساعد حقوقی در صورت تقاضای مجنی‌علیه‌های خشونت.

مکلفیت وزارت امور داخله

ماده سیزدهم:

وزارت امور داخله مکلف است به منظور جلوگیری از خشونت در تمام محلات عامه تدابیر وقایوی و حمایتی را اتخاذ و عملی نماید.

#### مکلفیت وزارت صحت عامه

**ماده چهاردهم: وزارت صحت عامه مکلف است به منظور معالجه و تداوی عاجل و رایگان مجنی‌علیه‌های خشونت در مراکز صحتی مربوط، تدابیر مؤثر و عملی را اتخاذ و از چگونگی آن به وزارت امور زنان گزارش دهد.**

#### کمیسیون عالی منع خشونت

**ماده پانزدهم: به منظور مبارزه مؤثر علیه جرایم خشونت و تأمین هماهنگی میان ادارات دولتی و غیردولتی و مؤسسات ذی‌ربط در زمینه، کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن تحت ریاست وزیر امور زنان به ترکیب ذیل ایجاد می‌گردد:**

- ۱- مرستیال لوی سارنوالی.
- ۲- معین وزارت امور داخله.
- ۳- معین وزارت عدلیه.
- ۴- معین وزارت صحت عامه.
- ۵- معین وزارت اطلاعات و فرهنگ.
- ۶- معین وزارت معارف.
- ۷- معین وزارت تحصیلات عالی.
- ۸- معین وزارت کار و امور اجتماعی، شهداء و معلولین.
- ۹- معین وزارت ارشاد، حج و اوقاف.
- ۱۰- عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.
- ۱۱- رئیس محکمه اختصاصی فامیلی ولایت کابل.
- ۱۲- رئیس انجمن مستقل وکلای مدافع.

#### وظایف و صلاحیت‌های کمیسیون

**ماده شانزدهم: کمیسیون عالی منع خشونت علیه زن دارای وظایف و صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:**

- ۱- مطالعه و ارزیابی عوامل ارتکاب خشونت در کشور و اتخاذ تدابیر وقایوی جهت رفع آن.
- ۲- طرح پروگرام‌های تبلیغاتی و آگاهی عامه به منظور جلوگیری از ارتکاب خشونت.
- ۳- تأمین هماهنگی فعالیت‌های ادارات دولتی و غیردولتی ذی‌ربط در امر مبارزه علیه خشونت.
- ۴- جمع‌آوری احصائیه و ارقام جرایم خشونت.
- ۵- ارائه پیشنهاد مبنی بر تعدیل احکام این قانون.
- ۶- پیشنهاد مقرر و وضع لوایح و طرز‌العمل‌های مربوط به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون.
- ۷- مطالبه‌ی معلومات در مورد قضایای خشونت از پولیس، خرنوالی و محکمه.
- ۸- ترتیب گزارش سالانه‌ی اجراءات در مورد خشونت و ارائه آن به شورای وزیران.
- ۹- سایر وظایفی که از طرف حکومت محول می‌شود.
- ۱۰- طرز فعالیت کمیسیون توسط لایحه‌ای که از طرف کمیسیون تصویب می‌شود، تنظیم می‌گردد.

جامعه به منظور حرمان زنان از حقوق مدنی باشد یا منجر به مرگ مجنی‌علیها گردد، مرتکب حسب احوال به حبس دوام یا اعدام محکوم می‌گردد.

#### خودسوزی و خودکشی

**ماده بیست و یکم:** هرگاه زن به اثر خشونت مجبور به خودسوزی یا خودکشی یا استعمال مواد کیمیاوی یا زهری یا سایر مواد ضررناک به خود گردد، عامل خشونت در صورت مجروحیت و معلولیت مجنی‌علیها به حبس متوسط و در صورت مرگ مجنی‌علیها، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

#### جراحت و معلولیت

**ماده بیست و دوم:** ۱. شخصی که زن را مورد ضرب و جرح قرار دهد، حسب احوال و با نظر داشت شدت و خفت جرم مطابق احکام مندرج مواد ۴۰۷ الی ۴۱۰ قانون جزا مجازات می‌گردد.

۲. هرگاه اعمال مندرج فقره ۱ این ماده منجر به مرگ مجنی‌علیها گردد، مرتکب حسب احوال به جزای پیش‌بینی شده مندرج مواد ۳۹۵ الی ۳۹۹ قانون جزا محکوم می‌گردد.

#### لت و کوب

**ماده بیست و سوم:** شخصی که زن را مورد لت و کوب قرار دهد ولی منجر به جراحت یا معلولیت وی نگردد، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

#### خرید و فروش زن به منظور یا بهانه ازدواج

**ماده بیست و چهارم:** شخصی که زن را به منظور یا بهانه ازدواج به فروش رساند یا خریداری یا در آنها وساطت نماید، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

#### بد دادن

**ماده بیست و پنجم:** ۱. شخصی که زن را به نام بد دادن به نکاح بدهد یا بگیرد، مرتکب حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

۲. در حالت مندرج فقره ۱ این ماده اشخاص ذی‌دخل (شاهد، وکیل، مصلح و عاقد)، هر یک حسب احوال به حبس متوسط، محکوم و عقد نکاح در صورت مطالبه زن [به] بد داده شده مطابق احکام قانون فسخ می‌گردد.

#### نکاح اجباری

**ماده بیست و ششم:** هرگاه شخص، زنی را که سن قانونی ازدواج را تکمیل نموده بدون رضایت وی نامزد یا به عقد نکاح درآورد، حسب احوال به حبس متوسط، که از دو سال کمتر نباشد محکوم، نامزدی نکاح مطابق احکام قانون فسخ می‌گردد.

#### ممانعت از حق ازدواج

**ماده بیست و هفتم:** هرگاه شخص مانع ازدواج زن گردد یا حق انتخاب زوج را از وی سلب نماید، حسب احوال به حبس قصیر محکوم می‌گردد.

#### نکاح قبل از اكمال سن قانونی

**ماده بیست و هشتم:** هرگاه شخص زن را که سن قانونی ازدواج را تکمیل ننموده و بدون رعایت حکم مندرج ماده ۷۱ قانون مدنی به عقد نکاح درآورد، حسب احوال به حبس متوسط که از دو سال کمتر نباشد، محکوم و نکاح در صورت مطالبه‌ی زن، مطابق احکام قانون فسخ می‌گردد.

## فصل سوم احکام جزایی

### تجاوز جنسی

**ماده هفدهم:** ۱. شخصی که مرتکب تجاوز جنسی بر زن بالغ گردد، با نظر داشت حکم مندرج ماده ۴۲۶ قانون جزا به حبس دوام و در صورت فوت مجنی‌علیها به اعدام محکوم می‌گردد.

۲. شخصی که مرتکب تجاوز جنسی بر زن نابالغ گردد، بانظر داشت حکم مندرج ماده ۴۲۶ قانون جزا، به حداکثر حبس دوام و در صورت فوت مجنی‌علیها به اعدام محکوم می‌گردد.

۳. در حالات مندرج فقره‌های ۱ و ۲ این ماده، مرتکب به پرداخت وجه معادل مهر مثل به حیث جبران خسارت به مجنی‌علیها نیز محکوم می‌گردد.

۴. شخصی که مرتکب تجاوز به عفت و ناموس زن گردد، ولی تجاوز وی منجر به فعل زنا یا لواط نگردد (تفخیز، مساحقه یا امثال آن را مرتکب گردد)، حسب احوال به حبس طویل که از هفت سال بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

۵. هرگاه مجنی‌علیهای جرم مندرج فقره ۴ این ماده به سن ۱۸ سالگی نرسیده یا مرتکب جرم، اقارب تا درجه سوم، مربی، معلم، مستخدم یا طبیب مجنی‌علیها بوده یا به نحوی بالای مجنی‌علیها نفوذ و اختیار داشته باشد، فاعل حسب احوال به حبس طویل که از ده سال بیشتر نباشد محکوم می‌گردد.

### مجبور نمودن به فحشا

**ماده هجدهم:** ۱. شخصی که زن بالغ را مجبور به فحشا نماید، حسب احوال به حبس طویل که از هفت سال کمتر نباشد، محکوم می‌گردد.

۲. هرگاه مجنی‌علیهای جرم مندرج فقره ۱ این ماده زن نابالغ باشد، مرتکب حسب احوال به حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد، محکوم می‌گردد.

### ضبط و ثبت هویت مجنی‌علیها و نشر آن

**ماده نوزدهم:** شخصی که هویت مجنی‌علیهای جرایم تجاوز جنسی و اجبار به فحشا را ضبط و ثبت یا بدون حکم قانون افشا یا تصاویر آن را نشر نماید، به نحوی که به شخصیت وی صدمه برساند، حسب احوال به حبس متوسط که از سه سال کمتر نباشد، محکوم می‌گردد.

### آتش زدن یا استعمال مواد کیمیاوی

**ماده بیستم:** ۱. شخصی که زن را آتش بزند یا بر بدن وی مواد کیمیاوی یا زهری و یا سایر مواد ضررناک را که موجب جراحت یا معلولیت گردد، استعمال نماید یا مواد زهری را به وی بخوراند یا در بدن وی زرق نماید، حسب احوال به حبس طویل که از ده سال کمتر نباشد، محکوم می‌گردد.

۲. در حالت مندرج فقره ۱ این ماده هرگاه هدف از ارتکاب اعمال مذکور، ایجاد رعب و وحشت در

**دشنام، تحقیر یا تخویف**

**ماده بیست و نهم:** شخصی که زن را دشنام دهد یا تحقیر و یا تخویف نماید، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه کمتر نباشد، محکوم می‌گردد.

**آزاروادیت**

**ماده سی‌ام:** ۱. شخصی که مرتکب آزاروادیت زن گردد، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه کمتر نباشد، محکوم می‌گردد.

۲. هرگاه جرم مندرج فقره ۱ این ماده با استفاده از موقف و مقام ارتکاب یابد، مرتکب حسب احوال به حبس قصیر که از شش ماه کمتر نباشد، محکوم می‌گردد.

**انزوای اجباری**

**ماده سی و یکم:** شخصی که زن را به انزوا مجبور نماید، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

**اجبار زن به اعتیاد به مواد مخدر**

**ماده سی و دوم:** شخصی که زن را مجبور به اعتیاد به مواد مخدر نماید، به حبس قصیر که از سه ماه بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

**منع تصرف در ارث**

**ماده سی و سوم:** شخصی که مانع تصرف زن در متروکه مورث وی گردد، بر علاوه واگذاری سهم شرعی وی، حسب احوال به حبس قصیر که از یک ماه بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

**منع تصرف در اموال**

**ماده سی و چهارم:** شخصی که اموال شخصی زن را تصرف یا او را از تصرف در آن منع نماید، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه بیشتر نباشد، محکوم و مال به تصرف زن گذاشته می‌شود.

ممانعت از حق تعلیم، تحصیل، کار و دسترسی به

**خدمات صحی**

**ماده سی و پنجم:** شخصی که زن را از حق تعلیم، تحصیل، کار، دسترسی به خدمات صحی یا استفاده از سایر حقوق مندرج قوانین مانع گردد، حسب احوال به حبس قصیر که از شش ماه بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

**کار اجباری**

**ماده سی و ششم:** شخصی که زن را به کار اجباری وادار نماید، علاوه بر جبران خسارت، حسب احوال به حبس قصیر که از شش ماه بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

**ازدواج با بیش از یک زن**

**ماده سی و هفتم:** شخصی که بدون رعایت احکام مندرج مواد ۸۶ و ۸۹ قانون مدنی با بیش از زن ازدواج نماید، حسب احوال به حبس قصیر که از سه ماه کمتر نباشد، محکوم می‌گردد.

**نفی قرابت**

**ماده سی و هشتم:** شخصی که از قرابت زن به مقصد محروم ساختن از حق میراث یا اتلاف سایر حقوق شرعی و قانونی وی انکار، ولی قرابت وی به حکم محکمه ثابت گردد، حسب احوال به حبس قصیر که از شش ماه بیشتر نباشد، محکوم می‌گردد.

**تعقیب عدلی**

**ماده سی و نهم:** ۱. رسیدگی به دعاوی مربوط و تعقیب عدلی مرتکبین جرایم مندرج مواد ۲۲ الی ۳۹ این قانون به اساس شکایت مجنی‌علیها یا وکیل وی صورت می‌گیرد.

۲. مجنی‌علیها می‌تواند در موارد مندرج فقره ۱ این ماده در هر مرحله از تعقیب عدلی (کشف) تحقیق، محاکمه یا محکومیت) از شکایت خویش منصرف گردد، در این صورت رسیدگی به دعوی و تطبیق جزا متوقف می‌گردد.

**اشتراک در جرم**

**ماده چهلم:** شخصی که در ارتکاب جرایم مندرج این فصل با شخصی دیگری اشتراک نماید، حسب احوال مطابق احکام مندرج مواد ۳۹ و ۴۱ الی ۴۸ قانون جزا مجازات می‌گردد.

**جبران خسارت**

**ماده چهل و یکم:** مرتکبین جرایم مندرج این قانون بر علاوه جزاهای پیش‌بینی‌شده، حسب احوال به جبران خسارت وارده نیز محکوم می‌گردند.



۱۶ جوزا ۱۳۸۱



## فصل چهارم احکام نهایی

**عدم تعلیق، عفو و تخفیف مجازات**

ماده چهل و دوم: مجازات محکومین جرایم خشونت تعلیق، عفو یا تخفیف شده نمی تواند.

**ارجحیت**

ماده چهل و سوم: هرگاه حکم این قانون با حکمی از احکام سایر قوانین نافذ در مغایرت واقع گردد،

حکم این قانون مرجح دانسته می شود.

**انفاذ**

ماده چهل و چهارم: این قانون از تاریخ نشر در جریده رسمی نافذ می گردد.

## قانون رسیدگی به تخلفات اطفال

- (۱) شخصی که سن دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جرم مسؤولیت جزایی به او راجع نمی شود.
- (۲) هرگاه جرم مرتکبه مندرج فقره (۱) این ماده، ناشی از غفلت والدین بوده و موجب ضرر مادی شود، والدین به جبران آن مکلف می گردند.

ماده پنجم

۱۶ جوزا ۱۳۸۱



۱۶ جوزا ۱۳۸۱

## فهرست

صفحه	عنوان
۶۵	فصل اول: احکام عمومی
۶۷	فصل دوم: کشف و تحقیق جرایم اطفال
۷۲	فصل سوم: طرز محاکمه اطفال
۷۷	فصل چهارم: وظایف مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی
۷۸	فصل پنجم: طرز برخورد با اطفال دارای روش و سلوک غیر عادی
۸۰	فصل ششم: کمک به اطفال نیازمند مراقبت و حفاظت و طرز رسیدگی به آن
۸۲	فصل هفتم: سرپرستی اطفال
۸۴	فصل هشتم: احکام نهائی

## گزارش پیرامون قانون طرز رسیدگی به جرایم اطفال متخلف از قانون

قبلاً طرح قانون اطفال ذریعه مکتوب شماره (۹۸۵) مورخ ۱۳۸۲/۱۷/۱۴، دار الانشای کمیسیون محترم مستقل اصلاحات عدلی و قضایی به همکاری مستقیم مؤسسه UNICEF، غرض تدقیق و طی مراحل قانونی، به وزارت محترم عدلیه مواصلت ورزیده بود. ابتداً قانون مذکور توسط اعضای مسلکی ریاست عمومی تقنین مورد تدقیق قرار گرفت، بعداً به منظور غور و تدقیق مزید و رعایت حکم ماده (۲۲)، مقرر طرز العمل تهیه و پیشنهاد اسناد تقنینی منتشره جریده رسمی شماره (۷۸۷) سال ۱۴۲۰ هـ.ق، ذریعه مکاتیب (۱۹۵۳ و ۱۹۵۴) مورخ ۱۳۸۲/۱۷/۲۹ خویش از نمایندگان باصلاحیت مقام محترم ستره محکمه و کمیسیون محترم مستقل اصلاحات عدلی و قضایی دعوت به عمل آورده و در جلسه تاریخ ۱۳۸۲/۸/۱، در ریاست عمومی تقنین، مورد تدقیق قرار گرفت و تصمیم اتخاذ گردید که نمایندگان لوی حارنوالی دولت انتقالی اسلامی افغانستان، وزارت امور داخله و مؤسسه یونیسف نیز در جلسات تدقیق قانون مذکور اشتراک نمایند.

بعداً ذریعه مکاتیب شماره (۲۷۹۶ الی ۲۸۰۰) مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۱۹ خویش از نمایندگان باصلاحیت مقام محترم ستره محکمه، لوی حارنوالی، کمیسیون مستقل اصلاحات عدلی و قضایی دعوت به عمل آورده در جلسه تاریخ ۱۳۸۲/۱۱/۲۳ در ریاست عمومی تقنین مورد غور و تدقیق قرار گرفت و مقام محترم لوی حارنوالی ذریعه مکتوب شماره (۹۶۱۹) مورخ ۱۳۸۲/۱۱/۳۰ ریاست تحریرات دار الانشاء خویش دلایل و نظریات نماینده لوی حارنوالی را ارسال نمودند. به اساس مکاتیب شماره (۲۹۵۶) الی (۲۹۶۰) مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۷، مجدداً از نمایندگان ادارات فوق الذکر دعوت به عمل آمد تا در جلسه تاریخ ۱۳۸۲/۱۲/۱۴، قانون مذکور اشتراک نمایند که در این جلسه ذریعه مکتوب شماره (۲۹۵۵) مورخ ۱۳۸۲/۱۲/۷ به منظور مطابقت مواد قانون مذکور با احکام شریعت اسلامی یک نفر عضو ریاست محترم دار الافتاء ستره محکمه نیز دعوت گردیده بود بعداً به تعقیب مکاتیب فوق الذکر ذریعه مکاتیب شماره (۲۰۳ الی ۲۱۱) مورخ ۱۳۸۳/۱/۲۶ از نمایندگان مقام محترم ستره محکمه، لوی حارنوالی کمیسیون مستقل اصلاحات عدلی و قضایی، وزارت امور داخله و مؤسسه یونیسف، دفتر پروژه قضات سفارت ایتالیا، ریاست محکمه اختصاصی اطفال، وزارت محترم معارف و ریاست مراکز اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان دعوت به عمل آمده و طی جلسات متعدد طرح قانون طرز رسیدگی به جرایم اطفال متخلف از قانون مورد تدقیق قرار گرفته و زمانی که طرح متذکره غرض طی مراحل قانونی به اداره امور سپرده می شد، از طرف دفتر یونسف به دفتر پروژه قضات ایتالیا ارسال شد که دفتر پروژه قضات ایتالیا در زمینه نظریات جدیدی را ارائه نمودند که به منظور منعکس نمودن نظریات ذریعه مکاتیب شماره (۲۰۳۷ الی ۲۰۴۵) مورخ ۱۳۸۳/۶/۱۶ از نمایندگان وزارت های محترم امور داخله، وزارت



معارف، مقام محترم ستره محکمه،

لوی حارنوالی، کمیسیون مستقل اصلاحات عدلی و قضایی دفتر پروژہ قضات ایتالیا، ریاست محکمه اختصاصی اطفال، اداره محترم یونسف و ریاست مراکز اصلاح و تربیت اطفال و نوجوانان دعوت به عمل آمد و بالاخره بعد از مدت تقریباً یکسال طی جلسات متعدد طرح قانون مذکور به داخل (۸) فصل و (۶۶) ماده مورد تدقیق قرار گرفته و در زمینه به طی مراحل آن ابراز موافقت صورت گرفت.

با احترام



## فصل اول احکام عمومی

### مبنی:

**ماده اول:** این قانون با در نظر داشت ارزش‌های مندرج ماده پنجاه و چهارم قانون اساسی و رعایت کنوانسیون‌های بین‌المللی حمایه حقوق بشر و به خصوص منافع اطفال، به منظور طرز رسیدگی به جرایم اطفال متخلف از قانون، اطفال در معرض خطر و اطفال نیازمند مراقبت و حفاظت و تأمین حقوق آنها در جریان تحقیق و محاکمه وضع گردیده است.

### اهداف:

**ماده دوم:** اهداف این قانون عبارت است از:

- ۱- اصلاح و تربیت مجدد اطفال متخلف از قانون.
- ۲- محترم شمردن نقش اساسی اطفال در اعمار جامعه و حمایت جسمی، اخلاقی، معنوی و رفاه اجتماعی آنها.
- ۳- مشخص نمودن مسؤولیت والدین، سرپرست یا وکیل قانونی اطفال.
- ۴- رعایت کنوانسیون حقوق طفل در جریان تحقیق و بعد از محاکمه.
- ۵- استماع بیانات و نظریات اطفال حین تحقیق و محاکمه، توسط خود و یا ممثل قانونی آنها.
- ۶- تشویق به نظارت مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی غیر دولتی، به منظور جلوگیری از تخلفات اطفال.
- ۷- حفاظت از اطفالی که در معرض خطر قرار داشته و نیازمند مراقبت و محافظت باشند.

### طرز برخورد:

**ماده سوم:** طفلی که مورد اتهام قرار گیرد، مرتکب تخلف از قانون شود یا اعمال غیر عادی را از خود نشان دهد و یا اینکه نیازمند مراقبت و حفاظت باشد، مطابق احکام این قانون با وی برخورد صورت می‌گیرد.

### اصطلاحات:

**ماده چهارم:** اصطلاحات آتی در این قانون معانی ذیل را دارد:

- ۱- طفل: شخصی است که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد.
- ۲- طفل غیر ممیز: شخصی است که سن هفت سالگی را تکمیل نکرده باشد.
- ۳- طفل ممیز: شخصی است که سن هفت سالگی را تکمیل و دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد.
- ۴- طفل نوجوان: شخصی است که سن دوازده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد.
- ۵- حجز: عبارت است از تحدید آزادی طفل محکوم در مراکز اصلاح و تربیت اطفال.

۶- حجز در منزل: عبارت است از مقید نمودن طفل در خانه، محل خصوصی یا عمومی و یا در یکی از مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی برای مدت معین.

۷- ممثل قانونی: عبارت است از والدین، اولیا، اوصیا، اقارب، قیم، وکیل یا سرپرست قانونی طفل.

#### عدم مسؤولیت:

**ماده پنجم:** (۱) شخصی که سن دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جرم مسؤولیت جزایی به او راجع نمی‌شود.

(۲) هرگاه جرم مرتکبه مندرج فقره (۱) این ماده، ناشی از غفلت والدین بوده و موجب ضرر مادی شود، والدین به جبران آن مکلف می‌گردند.

#### تثبیت سن:

**ماده ششم:** (۱) سن طفل در جریان تحقیق و محاکمه به اساس تذکره تابعیت وی تثبیت می‌گردد. (۲) هرگاه طفل تذکره نداشته باشد یا حالت ظاهری وی با سن مندرج تذکره تابعیت عدم مطابقت را نشان دهد، نظریه طب عدلی در زمینه خواسته می‌شود.

(۳) در مواردی که تعیین سن به اساس نظر داکتر طب عدلی و یا طبیب دیگر با سوابق قضیه و حالات ظاهری طفل مغایر باشد، موضوع تعیین مجدد سن به هیئت طبی که کمتر از سه نفر داکتر نباشد، راجع می‌گردد.

(۴) تعیین و تثبیت سن طفل به اعتبار تاریخ وقوع جرم صورت می‌گیرد.

#### مجازات شدید:

**ماده هفتم:** مجازات طفل حتی به منظور اصلاح و تربیت به‌طور شدید وحقارت‌آمیز جواز ندارد.

#### تعیین حداقل مدت حجز:

**ماده هشتم:** حجز طفل به عنوان آخرین راه حل اصلاح و تربیت وی تلقی می‌شود. محکمه در تعیین مدت حجز حداقل مدت ممکنه آن را مطابق احکام این قانون در نظر می‌گیرد.

## فصل دوم کشف و تحقیق جرایم اطفال

### حارنوال اختصاصی:

**ماده نهم:** (۱) کشف جرایم اطفال توسط پولیس و بررسی، تحقیق و تعقیب آن توسط حارنوالی اختصاصی اطفال صورت می‌گیرد، بدین منظور، حارنوالی اختصاصی اطفال در مرکز و ولایات ایجاد می‌گردد.

(۲) حارنوالی اختصاصی اطفال، متشکل از رئیس و اعضای مسلکی و اداری می‌باشد که در مورد جرایم مربوط به اطفال مطابق احکام این قانون اجراءات می‌نمایند.

(۳) اعضای مسلکی حارنوالی اختصاصی اطفال بر علاوه داشتن شرایط مندرج قانون مربوط، دارای استعداد، آموزش مسلکی و تجربه خاص در مسایل اطفال نیز می‌باشند.

(۴) حارنوالی اختصاصی اطفال نمی‌تواند مستقیماً اقدامات قانونی علیه اطفالی که مرتکب جرم شده‌اند، آغاز نماید، مگر اینکه شخص یا مرجعی در این رابطه به حارنوال شکایت تحریری را ارائه نماید.

### حالات دستگیری:

**ماده دهم:** (۱) در صورت وجود شواهد علنی مبنی بر ارتکاب جرم جنحه یا جنایت، پولیس صلاحیت دارد طفل را در یکی از حالات ذیل دستگیر نماید:

۱- در صورت امکان خطر فرار طفل.

۲- در صورت خطر از بین رفتن اسناد و شواهد جرم.

۳- در صورت امکان خطر تکرار جرم جدید.

(۲) شخص کمتر از هجده سال دستبند (ولچک) زده نمی‌شوند، مگر اینکه امکان وقوع فرار یا صدمه زدن به خودشان و یا دیگران موجود باشد.

(۳) محکمه اختصاصی اطفال صلاحیت دارد، حین صدور حکم توقیف قبل از محاکمه، عوض توقیف نمودن طفل راه‌های حل مناسب دیگری را مطالعه نماید.

(۴) اطفال تحت توقیف جدا از بزرگسالان نگهداری می‌شوند.

### اطلاع دستگیری:

**ماده یازدهم:** (۱) پولیس مکلف است موضوع دستگیری و محل مراقبت طفل را در مدت بیست و چهار ساعت از زمان دستگیری به ممثل قانونی طفل و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی اطلاع دهد، در صورت عدم اطلاع در مدت مذکور، پولیس مکلف است راپور کتبی موضوع را با ارائه دلایل تأخیر به حارنوالی مربوط توضیح نماید. هرگاه پولیس قادر به ارائه عذر معقول نباشد، موضوع قابل

تعقیب عدلی پنداشته می‌شود.

(۲) ممثل قانونی می‌تواند بلافاصله بعد از دستگیری طفل، رهایی وی را به قید ضمانت تقاضا نماید. پولیس و حارنوالی مکلف است در مدت بیست و چهار ساعت در مورد درخواست رهایی طفل تصمیم خویش را اتخاذ و اعلام نماید. در صورت عدم اتخاذ تصمیم، ممثل قانونی می‌تواند، به حارنوالی مافوق، شکایت نماید.

(۳) حارنوال و قاضی می‌توانند طفل را به قید ضمانت بدون تضمین مالی رها کنند، مگر اینکه حالت وی ایجاب توقیف را نماید.

(۴) ممثل قانونی می‌تواند رهایی طفل توقیف‌شده را به قید ضمانت و یا تمدید آن را در طول جریان تحقیق یا محاکمه تقاضا نماید. در صورتی که محکمه توقیف بیشتر طفل را لازم نداند، می‌تواند حکم رهایی طفل را بدون ضمانت صادر نماید.

#### محل نگهداری:

**ماده دوازدهم:** طفل مظنون دستگیرشده، در یک محل خاص موقتاً تحت توقیف قرار می‌گیرد. اداره توقیف، مکلف است برای طفل تحت توقیف زمینه دسترسی به خدمات اجتماعی، تعلیمی، حرفه‌ای، روحی و صحتی را با در نظر داشت اقتضای سن و جنس وی مساعد سازد.

#### ترتیب محضر:

**ماده سیزدهم:** (۱) پولیس مکلف است از تاریخ کشف در مدت بیست و چهار ساعت، اوراقی را که حاوی محضر و تمام معلومات لازم مربوط به طفل مظنون باشد، ترتیب و به حارنوالی اختصاصی اطفال جهت تکمیل تحقیق رجعت دهد.

(۲) در صورتی که اوراق حاوی محضر و تمام معلومات لازم مربوط در مدت بیست و چهار ساعت تکمیل شده نتواند، حارنوالی اختصاصی اطفال صلاحیت دارد، بعد از تقاضای کتبی پولیس میعاد تسلیمی اوراق و معلومات لازم را برای مدت چهل و هشت ساعت تمدید نماید. همچنان حارنوالی صلاحیت دارد طفل را به ممثل قانونی وی تسلیم نماید.

#### میعاد اكمال تحقیق:

**ماده چهاردهم:** (۱) حارنوالی اختصاصی اطفال مکلف است تحقیق را بعد از مواصلت دوسیه در مدت یک هفته تکمیل نماید. در صورتی که تحقیق در مدت مذکور تکمیل شده نتواند، حارنوالی مکلف است تمدید مدت را برای سه هفته دیگر از محکمه مربوط مطالبه نماید.

محکمه اطفال مکلف است در مدت بیست و چهار ساعت تصمیم خویش را مبنی بر توقیف یا عدم آن ابلاغ نماید.

(۲) طفل یا ممثل قانونی یا وکیل مدافع وی می‌تواند در هر زمان از حکم توقیف قبل از محاکمه به محکمه شکایت نماید.

#### میعاد ترتیب صورت دعوی:

**ماده پانزدهم:** حارنوالی اختصاصی اطفال مکلف است، بعد از تکمیل تحقیق و جمع‌آوری سوابق مندرج ماده هفدهم این قانون در مدت یک هفته صورت دعوی را ترتیب و رسماً به محکمه ارائه نماید. در صورتی که ارائه صورت دعوی در مدت متذکره ممکن نگردد، حارنوالی می‌تواند از محکمه مربوط برای مدت سه هفته تقاضای تمدید را نماید، مشروط بر اینکه طفل تحت توقیف قرار نداشته

باشد.

#### حفظ دوسیه:

**ماده شانزدهم:** در صورت عدم موجودیت دلایل الزام جهت محاکمه طفل، حارنوالی دوسیه را حفظ و جریان را در مدت یک هفته برای مجنی‌علیه و مدعی حق‌العبد ابلاغ می‌نماید. مدعی حق‌العبد می‌تواند در خواست جبران خساره خویش را به محکمه مدنی مربوط طی مدت سی روز تقدیم نماید.

#### معلومات غرض تهیه دلایل الزام:

**ماده هفدهم:** (۱) حارنوالی اختصاصی اطفال مکلف است حین تحقیق جرایم مربوط اطفال نکات ذیل را غرض تهیه دلایل الزام در نظر گیرد:

۱- سن، روز، ماه و سال تولد.

۲- سطح انکشاف روحی.

۳- شخصیت و لیاقت.

۴- علل و انگیزه‌های ارتکاب جرم.

۵- سطح تعلیمی حین ارتکاب جرم.

۶- شرایط محیط زنده‌گی حین ارتکاب جرم.

۷- خفت و شدت جرم.

۸- سابقه جرمی.

۹- طرز سلوک حین ارتکاب جرم و بعد از آن.

۱۰- نوع، شواهد، وسائل، قصد، زمان و مکان جرم.

۱۱- میزان خطرات وارده به شخص متضرر.

۱۲- وجود شرکاء، عاملین و محرکین جرم.

۱۳- سایر حالاتی که در تعیین جزاء مؤثر پنداشته شود.

(۲) حارنوالی مکلف است حین تحقیق جرایم اطفال و تثبیت فضایی آنها از پولیس، والدین، مربی، معلم، اهل خبره و سایر اشخاصی که راجع به آنها اطلاعات دارند، معلومات حاصل نماید.

(۳) حارنوالی مکلف است سوابق و جزئیات تحقیق را به صورت محرمانه نگهداری نماید، صرف محاکم مربوط و وکیل مدافع وی می‌تواند به سوابق جرمی دسترسی داشته باشند.

#### ارجاع قضیه متهم بلندتر از هجده سال به مراجع مربوط:

**ماده هجدهم:** (۱) در صورتی که نزد حارنوالی یا محکمه اطفال بعد از شروع تحقیق یا محاکمه ثابت شود که سن متهم حین ارتکاب جرم بیشتر از هجده سال بوده، آنها مکلفاند قضیه را به مراجع مربوط آن محول نمایند.

(۲) در صورتی که متهم به تصمیم مندرج فقره (۱) این ماده قناعت نداشته باشد، می‌تواند به مقامات فوقانی استیناف طلب گردد، مقامات فوقانی موضوع را به هیئت طبی مندرج فقره (۳) ماده ششم این قانون محول نموده و صدور فیصله نهایی معطل می‌گردد. هرگاه متهم تحت توقیف قرارداشته باشد، هیئت طبی مکلف است در مدت یک هفته، نظر خویش را ارائه نماید.

#### انخاذ تدابیر موقت حفاظتی:

**ماده نوزدهم:** (۱) محکمه اختصاصی اطفال می‌تواند، در مورد اطفال متهمی که رفتار غیر عادی دارند،

به اساس تقاضای حارنوالی یا ممثل قانونی وی تدابیر موقت حفاظتی را اتخاذ نماید.  
(۲) طفل متهم مصاب به امراض روانی، جهت تداوی به مؤسسات صحت روانی معرفی می‌گردد، در این صورت مدت اقامت وی در مؤسسه صحتی از طرف قاضی با نظر داشت توصیه متخصصین طبی تعیین می‌شود.

#### سپردن طفل به ممثل قانونی:

**ماده بیستم:** (۱) طفل صاحب عقل و درایت که سن دوازده سالگی را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جرم جنحه یا جنایت جهت تکمیل تحقیق تحت حجز قرار داده نشده، حارنوالی وی را جهت مراقبت به، ممثل قانونی یا اقارب با رعایت درجات و اخذ ضمانت سپرده می‌تواند.  
(۲) طفلی که سن دوازده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جرم جنحه جهت تکمیل تحقیق به پیشنهاد حارنوالی مربوط بعد از استیذان محکمه ذی‌صلاح به ممثل قانونی یا اقارب شان با رعایت درجات و اخذ ضمانت سپرده می‌شوند.  
(۳) هرگاه اطفال مندرج فقره‌های (۱ و ۲) این ماده، ممثل قانونی یا اقارب نداشته باشند، جهت مراقبت به مراکز اصلاح و تربیت اطفال یا سایر مؤسسات آموزشی و پرورشی تسلیم داده می‌شوند.  
(۴) طفلی که سن دوازده سالگی را تکمیل و هجده سالگی را تکمیل نکرده باشند، در صورت ارتکاب جرم جنایت جهت تکمیل تحقیق به پیشنهاد حارنوالی مربوط و استیذان محکمه ذی‌صلاح جهت حجز به مراکز اصلاح و تربیت اطفال سپرده می‌شوند.  
(۵) حارنوالی اطفال مکلف است قبل از اتخاذ تصمیم قانونی علیه طفل مندرج فقره (۳) این ماده، موضوع را با مراکز اصلاح و تربیت اطفال یا مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مربوط در میان بگذارد.

(۶) مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مربوط مکلف‌اند، معلومات مکمل اضافی را در مورد شرایط زندگی، رفتار و سلوک طفل توأم با پیشنهادات در زمینه به حارنوالی و محکمه مربوط ارائه نمایند.

#### توصیه و تشویق به مصالحه:

**ماده بیست و یکم:** (۱) حارنوالی می‌تواند آمرین مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی را دعوت نماید تا ممثل قانونی طفل و متضرر را به مصالحه یکه خلاف قانون نباشد، توصیه و تشویق نماید، مشروط بر اینکه طفل مرتکب جرم جنحه یا جنایت نگردیده باشد. در سایر موارد حارنوالی مکلف است طبق حکم ماده چهاردهم این قانون تحقیق را تکمیل و دوسیه را به محکمه مربوط احاله نماید.

(۲) در صورت موافقت ممثل قانونی طفل و متضرر به مصالحه و پرداخت غرامت، حارنوالی می‌تواند به حفظ دوسیه اقدام نماید.

#### حق داشتن وکیل مدافع:

**ماده بیست و دوم:** (۱) طفل در تمام مراحل تحقیق و محاکمه حق داشتن وکیل مدافع و مطالبه ترجمان را دارد. در صورت عدم توانایی مالی والدین و یا ممثل قانونی طفل مبنی بر استخدام وکیل مدافع یا ترجمان، محکمه اختصاصی اطفال، وکیل مدافع یا ترجمان را به مصرف دولت برای طفل موظف می‌نماید.

(۲) ممثل قانونی، وکیل مدافع یا ترجمان طفل حق دارد از کلیه مراحل اجراءات قانونی‌ای که توسط حارنوالی یا محکمه عملی می‌گردد، آگاه و در آن اشتراک نماید.

(۳) عدم اشتراک ممثل قانونی طفل حین تحقیق، مانع جریان تحقیق نمی‌گردد، مگر اینکه حارنوالی حضور وی را حتمی بداند.

#### بررسی شکایت ممثل قانونی:

**ماده بیست و سوم:** ممثل قانونی طفل حق دارد بعد از حصول معلومات از جریان تحقیق، به حارنوالی فوقانی شکایت نماید. حارنوالی فوقانی مکلف است، شکایت را طور عاجل بررسی نموده، در مورد تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.

#### جمع‌آوری فورم‌ها:

**ماده بیست و چهارم:** (۱) حارنوالی مکلف است غرض تکمیل دوسیه نسبتی طفل متهم فورم‌های مخصوصی که حاوی معلومات دقیق مندرج ماده هفدهم این قانون می‌باشد، جمع‌آوری نماید.

(۲) در صورتی که طفل با شخص بالاتر از هجده سال مشترکاً مرتکب جرم شده باشد، اقدامات قانونی علیه وی به صورت مجزا طبق احکام این قانون صورت می‌گیرد.

#### احضار طفل:

**ماده بیست و پنجم:** (۱) طفل متهم جهت تحقیق یا محاکمه از طریق ممثل قانونی وی احضار می‌گردد. در صورتی که ممثل قانونی طفل را حین احضار همراهی نکنند، به حکم محکمه مبلغ پنجصد افغانی جریمه می‌گردد.

(۲) هرگاه طفل در مراکز اصلاح و تربیت اطفال تحت توقیف باشد، در صورت ضرورت جهت اكمال تحقیق و یا محاکمه جلب آنها از طریق مراکز مذکور صورت می‌گیرد.

(۳) ممثل قانونی طفل، مسؤولین مراکز اصلاح و تربیت اطفال یا سایر مؤسسات آموزشی و پرورشی مکلف‌اند در صورت ضرورت طفلی که تحت مراقبت یا توقیف‌شان قرار دارد، جهت اكمال تحقیق یا محاکمه در وقت معینه حاضر نمایند.

قانونی متهم اطلاع دهد.

(۲) حارنوالی مکلف است، طی مدت یک هفته نواقص را رفع و دوسیه را مجدداً به محکمه مربوط احاله نماید.

(۳) محکمه اختصاصی اطفال مکلف است، بعد از مواصت مجدد دوسیه در مدت ده روز حکم خود را در زمینه صادر نماید.

#### ارائه گزارش دوسیه‌های لاجراء:

ماده سی و یکم: هیئت قضایی یا قضاات محکمه اختصاصی اطفال مکلفاند در هر پانزده روز گزارش دوسیه‌های لاجراً را توأم با دلایل آن به رئیس محکمه ارائه نمایند. رئیس محکمه مکلف است هرچه زودتر تدابیر لازم را در زمینه اتخاذ نماید.

#### محریت رسیدگی:

ماده سی و دوم: (۱) رسیدگی به تخلفات قانونی اطفال طور سری و ابلاغ حکم در هر حالت به صورت علنی صورت می‌گیرد.

(۲) نشر اسناد جریان جلسات محاکمه اطفال به شمول شهادت شهود و نظر اهل خبره در رسانه‌های جمعی جواز ندارد.

(۳) افشای معلومات در مورد شخصیت طفل و یا اطلاعاتی که منجر به کشف هویت طفل گردد، تحت هیچ عنوان جواز ندارد.

(۴) گزارش جریان جلسه محاکمه ثبت و نگهداری می‌شود.

#### ابلاغ فیصله:

ماده سی و سوم: (۱) قضاات محکمه اختصاصی اطفال بعد از استماع اظهارات و استدلال طفل، شاهدان، ممثل قانونی، حارنوالی، وکیل مدافع، کارمندان مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی و نظریات اهل خبره، فیصله خویش را در حضور طفل ابلاغ می‌نماید.

(۲) هرگاه نزد محکمه ثابت گردد که اتهامات وارده علیه طفل تحت توقیف وارد نیست، محکمه به رهایی وی حکم می‌نماید. این حکم مانع ادعای حق‌العبدی مجنی‌علیه و متضرر نمی‌گردد. حارنوالی می‌تواند علیه این حکم استیناف‌خواهی نماید.

(۳) هرگاه موضوعات مورد بحث در جریان محاکمه، طفل را روحاً متضرر سازد، محکمه در غیاب طفل جلسه محاکمه را ادامه داده می‌تواند، مشروط بر اینکه خلص جریان محاکمه را بعداً برای وی توضیح نماید.

#### اشتراک در جلسات محاکمه:

ماده سی و چهارم: (۱) طفل، ممثل قانونی، وکیل مدافع، مساعد حقوقی، شاهدان، هیئت قضایی، مجنی‌علیه و حارنوالی در جلسه محاکمه شرکت کرده می‌توانند. هرگاه حضور ممثل قانونی به مصلحت طفل نبوده یا موجب اخلاص جریان محاکمه گردد، محکمه می‌تواند امر خروج وی را از جلسه محاکمه بدهد.

(۲) محکمه می‌تواند اشخاص مسلکی و اهل خبره در امور تربیه و رفاه طفل را غرض ریسرج و مطالعه اجازه دهد تا در جلسه محاکمه شرکت ورزند.

(۳) محکمه نمی‌تواند هیچ شخص را از ادای شهادت مبنی بر ارائه معلومات راجع به انکشاف وضعیت

## فصل سوم طرز محاکمه اطفال

### محکمه اختصاصی:

ماده بیست و ششم: (۱) رسیدگی به جرایم اطفال توسط محکمه اختصاصی اطفال صورت می‌گیرد. بدین‌منظور در مراکز ولایات محاکم ابتدائیه اختصاصی اطفال ایجاد می‌گردد.

(۲) محکمه ابتدائیه اختصاصی اطفال متشکل از رئیس، اعضاء و کارمندان اداری می‌باشد.

(۳) قضاات محکمه اختصاصی اطفال بر علاوه داشتن شرایط مندرج در قانون تشکیلات و صلاحیت محاکم دارای استعداد، آموزش مسلکی و تجربه خاص در مسائل مربوط به محاکمه اطفال نیز می‌باشند.

### مراحل رسیدگی:

ماده بیست و هفتم: به منظور تأمین بهتر عدالت، قضایای مربوط به اطفال متخلف از قانون، در سه مرحله (ابتدائیه، استیناف و فرجام) مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

### صلاحیت حوزه‌وی:

ماده بیست و هشتم: (۱) محکمه اختصاصی اطفال جرایم مرتکبه توسط اطفال حوزه ولایت مربوط را رسیدگی می‌نماید.

(۲) هرگاه محل ارتکاب جرم مشخص نباشد، موضوع توسط محکمه‌ای که طفل در آن حوزه اقامت دارد، مورد رسیدگی قرار می‌گیرد. در صورت عدم امکان تثبیت محل اقامت طفل، موضوع توسط محکمه‌ای که طفل در آن حوزه دستگیر یا توقیف شده است، رسیدگی می‌گردد.

### قضایای قابل رسیدگی:

ماده بیست و نهم: محکمه اختصاصی اطفال، قضایای ذیل را که مطابق احکام این قانون در پیشگاه آن اقامه می‌شود، رسیدگی می‌نماید:

۱- جرایم اطفال.

۲- رفتار غیر عادی اطفالی که توسط والدین یا شخصی که بر نفس آنها حق ولایت دارند و یا با اتخاذ تدابیر مروج تربیوی، قابل اصلاح نباشند.

۳- قضایای مربوط به اطفالی که در معرض خطر قرار داشته و نیازمند مواظبت و حمایت باشند.

### میعاد صدور حکم:

ماده سی‌ام: (۱) محکمه اختصاصی اطفال دوسیه را از تاریخ مواصت آن در مدت سه روز مطالعه می‌نماید. در صورتی که نواقص در دوسیه ملاحظه گردد، آن را غرض تکمیل تحقیقات و رفع نواقص به حارنوالی اختصاصی اطفال مسترد می‌نماید. حارنوالی مکلف است بلافاصله از موضوع به ممثل

روحي طفل، شخصيت و محيط زيست وي در محكمه مانع شود.

#### اتخاذ تصميم:

**ماده سي و پنجم:** محكمه، صلاحيت دارد در مورد طفل متهم با نظر داشت حالات يكي از تصاميم ذيل را اتخاذ نمايد:

- ۱- مكلف نمودن به انجام خدمات اجتماعي.
- ۲- فرستادن به مؤسسات اختصاصي خدمات اجتماعي.
- ۳- صدور اخطار به.
- ۴- تعويق محاكمه.
- ۵- تعليق مشروط مجازات.
- ۶- حجز در منزل.
- ۷- تسليم نمودن به يكي از والدين يا شخصي كه حق سرپرستي وي را دارد.
- ۸- اعزام به مراكز اصلاح و تربيت اطفال غرض تحت حجز قراردادن.

رعایت معلومات حين صدور حکم:

ماده و سي و ششم:

قضات محكمه اختصاصي اطفال مكلفاند حين صدور حكم نكات مندرج ماده هفدهم اين قانون را در نظر گيرند.

#### اخذ تعهد کتبی:

**ماده سي و هفتم:** (۱) در صورتي كه طفل بالاثر حكم محكمه به ممثل قانوني سپرده شود، وي مكلف است از حسن سلوك و رفتار طفل مراقبت نمايد و حارنوالي تعهد كتبي را در اين زمينه اخذ مي نمايد.

(۲) هرگاه ممثل قانوني طفل وظيف خود را مطابق تعهد مندرج فقرة (۱) اين ماده بصورت درست ايفا ننمايد، محكمه صلاحيت دارد ممثل ديگري را طور موقت تعيين نمايد.

(۳) حكم مندرج فقره‌های (۱ و ۲) اين ماده با تکميل سن هجده سالگي طفل ساقط مي گردد.

#### معرفی طفل به مؤسسات صحت روانی:

**ماده سي و هشتم:** هرگاه طفل حين رسيدگي قضيه غير عادي به نظر آيد، حارنوالي و محكمه مي توانند با صدور قرار، وي را جهت تشخيص و معالجه به مؤسسات مربوط صحت رواني معرفي نمايد.

#### مجازات:

**ماده سي و نهم:** (۱) حين تعيين جزاي طفل متهم مراتب ذيل مد نظر گرفته مي شود:

۱- مجازات طفلي كه سن دوازده سالگي را تكميل و شانزده سالگي را تكميل نكرده باشد، از يك سوم (۳/۱) حداكثر مجازاتي كه براي عين جرم ارتكاب شده توسط اشخاص بلندتر از سن هجده سالگي در قانون جزاء پيشبيني گرديده است، بيشتر بوده نمي تواند.

۲- مجازات طفلي كه سن شانزده سالگي را تكميل و هجده سالگي را تكميل نكرده باشند، از نصف (۲/۱) حد اكثر مجازاتي كه براي عين جرم توسط اشخاص بلندتر از سن هجده سالگي در قانون جزاء پيشبيني گرديده است، بيشتر بوده نمي تواند.

۳- طفل به جزاي حبس دوام يا اعدام محكوم شده نمي تواند.

(۲) مدتي را كه طفل در توقيف به سر مي برد از مدت حجز محكوم بها كاسته مي شود.

#### حجز تعلیقي و تنفيذی:

**ماده چهلیم:** (۱) در صورتي كه مدت حجز طفل از دو سال بيشتر نباشد، محكمه مي تواند غرض سپري نمودن مدت حجز محكوم بها، وي را به يكي از مؤسسات اختصاصي خدمات اجتماعي معرفي نمايد. علاوه بر محكمه مي تواند به يكي و يا بيشتر از يكي از قيود آتي نيز حكم نمايد:

- اقامت در اوقات معينه.

- انجام كارهاي معينه.

- تعليم و تربيه.

- گشت و گذار در محلات خاص.

- ثبت نام در يكي از مؤسسات داراي پروگرام هاي احياي مجدد به جامعه.

- وادار ساختن به عذرخواهي و جبران خساره متضرر.

- تسليم نمودن طفل به يكي از والدين و يا شخصي كه قانوناً حق سرپرستي وي را دارا باشد، در اين صورت، محكمه هدايات لازم را مبني بر مواظبت طفل نيز صادر مي نمايد، در صورت عدم ايفاي تعهدات و وجايب توسط آنها، محكمه مي تواند طفل را به يكي از مؤسسات اختصاصي خدمات اجتماعي تسليم نمايد.

- در صورت اصلاح ناپذيري، صدور اخطار مبني بر تعيين مجازات شديدتر از جزاي اصلي.

(۲) در صورتي كه طفل مرتكب جرمي شده باشد كه مجازات آن از دو سال حجز بيشتر و از سه سال كمتر باشد، محكمه مي تواند به حجز تعلیقي وي حكم نمايد. هرگاه طفل در خلال مدت تعلیق تنفيذ حكم مرتكب جرم ديگري نگردد، آثار حكم از بين رفته، چنان پنداشته مي شود كه اصلاً حكم صادر نگردیده است.

الغای حكم تعلیق تنفيذ، از طرف محكمه ای صادر می گردد كه حكم تعلیق تنفيذ را صادر نموده است. هرگاه طفل قبل از ختم ميعاد تعلیق به نحوی شرایط حكم تعلیق را نقض و مجدداً مرتكب جرم گردد، محكمه مي تواند طفل را در طول مدت مجازات حجز تعلیقي، تحت نظارت مؤسسات اختصاصي خدمات اجتماعي غرض انجام كارهاي خيري معرفي نمايد.

(۳) محكمه صلاحيت دارد بعد از استماع دعوي، جريان محاكمه را غرض بررسي بيشتر شخصيت طفل به تعويق اندازد. حداكثر مدت تعويق محاكمه در صورت ارتكاب جرم جنائت سه سال و در جرم جنحه يك سال مي باشد، در اين صورت طفل به يكي از مؤسسات اختصاصي خدمات اجتماعي غرض مشاهدات، معالجه و حمايت تسليم مي گردد.

محكمه صلاحيت دارد جهت اصلاح عواقب جرم و تشويق به مصالحه با متضرر يا مجني عليه، مكلفيت هاي اضافي را نيز در حكم خويش تصريح نمايد. تعويق محاكمه در صورت نقض مكرر شرایط آن باطل مي گردد.

#### مدت حجز تعلیقي:

**ماده چهل و يكم:** (۱) محكمه صلاحيت دارد حكم تنفيذی را در مورد طفل ای كه مرتكب جرم جنحه گرديده، الي مدت يك سال و در مورد جنائت الي مدت سه سال با قيد شرط يا بدون آن تعلیق نمايد.



(۲) حکم تعلیق در صورت عدم موجودیت پروگرام‌های تربیوی خاص یا خدمات اجتماعی، صادر شده نمی‌تواند. حکم تعلیق قبل از ختم محاکمه صادر می‌گردد. حارنوالی می‌تواند بعد از ابلاغ حکم، در مدت سه روز استیناف‌خواهی نموده و ممثل قانونی طفل را از موضوع مطلع سازد.

#### استیناف‌طلبی:

**ماده چهل و دوم:** (۱) طفل محکوم‌علیه، ممثل قانونی وی یا حارنوالی می‌تواند علیه فیصله محکمه ابتدائیه، استیناف‌طلبی نماید.

(۲) مرجع باصلاحیت استیناف‌خواهی، ریاست محکمه استیناف می‌باشد.

درخواست استیناف‌خواهی، به دفتر تحریرات محکمه صادرکننده حکم یا به دفتر تحریرات محکمه استیناف مربوط در مدت بیست و یک روز تسلیم داده می‌شود. این مدت با در نظرداشت حالات ذیل محاسبه می‌گردد:

۱- در صورتی که محکمه متن فیصله و دلایل آن را در ختم جلسه محاکمه و در حضور طفل متهم و یا وکیل مدافع وی قرائت نموده باشد.

۲- در صورتی که محکمه دلائل اصدار حکم را با حکم یکجا قرائت ننموده و به طفل متهم یا وکیل مدافع وی مجدداً ابلاغ نماید، در این حالت آغاز میعاد از تاریخ ابلاغیه دوم محاسبه می‌گردد.

۳- در صورتی که در عین فیصله بیشتر از یک طفل محاکمه گردیده باشد، آغاز میعاد از تاریخ آخرین ابلاغیه محاسبه می‌گردد.

(۳) در صورت عدم قناعت، طفل، ممثل قانونی وی و یا حارنوال می‌تواند در مدت بیست و یک روز از تاریخ صدور، علیه فیصله محکمه اختصاصی اطفال استیناف‌طلبی نموده و از موضوع جانب مقابل را مطلع سازد.

(۴) طفل نمی‌تواند بدون موافقت ممثل قانونی از حق استیناف‌خواهی انصراف ورزد.

(۵) در صورتی که طفل یا ممثل قانونی وی علیه فیصله صادره محکمه، استیناف‌خواهی کند، جزای مندرج فیصله محکمه فوقانی شدیدتر از فیصله محکمه ابتدائیه بوده نمی‌تواند.

(۶) در صورت عدم قناعت، طفل، ممثل قانونی وی و یا حارنوالی، می‌تواند در مدت سی روز از تاریخ صدور علیه فیصله محکمه استیناف به ستره محکمه فرجام‌خواهی نماید. درخواست فرجام‌خواهی به دفتر تحریرات محکمه استیناف صادرکننده حکم یا به دفتر تحریرات دیوان مربوط ستره محکمه تسلیم داده می‌شود.

۱۶ جوزا ۱۳۸۱

## فصل چهارم

### وظایف مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی

#### ارائه گزارش:

**ماده چهل و سوم:** ادارات مراکز اصلاح و تربیت اطفال و مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مکلف‌اند، حین تطبیق مجازات اطفال تحت حجزشان، در هر سه ماه و یا عندالمطالبه به حارنوالی و محکمه مربوط گزارش ارائه نمایند. حارنوالی و قاضی اختصاصی اطفال حداقل ماه یکبار از محل تحت حجز اطفال دیدن می‌نمایند.

#### مراقبت از تطبیق حکم:

**ماده چهل و چهارم:** مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مکلف‌اند از تطبیق حکم حجز در مراکز اصلاح و تربیت اطفال

و سایر هدیاتی که از طرف محکمه اختصاصی اطفال در زمینه صادر گردیده است، مراقبت نموده و گزارشی مبنی بر اصلاح‌پذیری طفل را در هر سه ماه یا طبق دستور قاضی، به محکمه مربوط ارائه نمایند.

#### تجدید نظر پروگرام‌های اصلاحی:

**ماده چهل و پنجم:** ممثل قانونی طفل، رئیس مرکز اصلاح و تربیت اطفال یا رئیس مؤسسه اختصاصی خدمات اجتماعی که طفل نزد آنها تحت حجز قرار دارد، می‌تواند هر زمان از محکمه اختصاصی اطفال تقاضای تجدید نظر پروگرام‌های اصلاحی یا تدابیر توصیه‌شده دیگر را نمایند.

#### ملاقات در محلات تحت حجز:

**ماده چهل و ششم:** ممثل قانونی طفل حق دارد وی را در محلات تحت حجز ملاقات نماید، مشروط بر اینکه مقررات آن محلات رعایت گردد.

(۲) مؤسسه اختصاصی خدمات اجتماعی مکلف است از تطبیق دساتیر توصیه شده محکمه در مورد طفل مراقبت نموده و در هر ماه یا عندالمطالبه گزارشی را به محکمه اختصاصی اطفال ارائه نماید.

#### تعدیل حکم:

ماده پنجاهم: محکمه اختصاصی اطفال صلاحیت دارد، به منظور حفظ منافع طفل مبنی بر تربیه و بازگشت مجدد آن به جامعه حکم خویش را عندالاقضا تعدیل نماید.

#### مصارف نگهداری طفل:

ماده پنجاه و یکم: مصارف طفل حین اقامت در مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی و مؤسسات تربیوی یا صحتی به دوش ممثل قانونی وی می باشد. در صورتی که ممثل قانونی توانائی پرداخت آن را نداشته باشد، این مصارف از بودجه دولت تمویل می گردد.



## فصل پنجم طرز برخورد با اطفال دارای روش و سلوک غیر عادی

#### ارائه حقایق:

ماده چهل و هفتم: (۱) هرگاه طفل رفتار غیر عادی از خود نشان بدهد، حارنوالی اختصاصی اطفال، ممثل قانونی یا مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی می توانند حقایق موضوع را به محکمه مربوط ارائه نمایند.

(۲) محکمه اختصاصی اطفال با رعایت حکم فقره (۱) این ماده معلومات لازم به شمول معلومات مربوط مندرج ماده هفدهم این قانون را در مورد شخصیت طفل تکمیل نموده و یکی از تصامیم ذیل را اتخاذ می نماید:

- ۱- صدور هدایت مبنی بر تسلیم نمودن وی در یکی از مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی.
- ۲- صدور هدایت مبنی بر شامل نمودن وی در یکی از مؤسسات تربیوی یا صحتی دولتی.

#### تصمیم محکمه:

ماده چهل و هشتم: (۱) هیئت قضایی محکمه اختصاصی اطفال تصامیم مندرج فقره (۲) ماده چهل و هفتم این قانون را با حضورداشت طفل یا ممثل قانونی وی بانظرداشت نظر حارنوالی در جلسه سری اتخاذ می نماید.

(۲) هرگاه محکمه تصمیم مبنی بر تسلیم نمودن طفل را به یکی از مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی اتخاذ نماید، در این صورت شرح جزئیات و شرایط تعلیم، تربیه مسلکی، استخدام، مشغولیت در ساحات بیکاری و تداوی صحتی طفل نیز در تصمیم مد نظر گرفته می شود.

(۳) مؤسسه اختصاصی خدمات اجتماعی مکلف است سلوک و رفتار طفل را مراقبت و تسهیلات لازم را به منظور برگشت طفل به زندگی عادی اجتماعی فراهم نموده و در زمینه تماس های دوامدار را با فامیل طفل تأمین و از موضوع وقتاً فوقتاً گزارشی مبنی بر اصلاح پذیری طفل و تطبیق دساتیر توصیه شده را به محکمه مربوط ارائه نماید.

(۴) مؤسسه اختصاصی خدمات اجتماعی می تواند نظریات و پیشنهادات لازم مبنی بر تعدیلات جزئی در حکم محکمه که در اصلاح پذیری و بازگشت مجدد طفل به جامعه مؤثر واقع گردد، به محکمه ارائه نماید.

#### فراهم آوری تسهیلات:

ماده چهل و نهم: (۱) مؤسسه اختصاصی خدمات اجتماعی مکلف است، تسهیلات لازم را جهت ملاقات طفل با خانواده و محیط اش فراهم نماید.

تربییوی مسلکی مراجعه نماید.

۳- طفل از محیط فعلی اش جدا و تحت مراقبت سرپرست قانونی قرار گیرد، تا در صورت حکم محکمه طفل را به مؤسسات صحی، تعلیمی یا تربییوی مسلکی بفرستد.

(۲) مؤسسات صحی تعلیمی و تربییوی مسلکی و سرپرست قانونی طفل مندرج فقره (۱) این ماده مکلفاند از روش و سلوک طفل مراقبت نموده و در مورد اصلاح پذیری وی گزارش کتبی را مطابق هدایت، به محکمه ارائه نماید.

(۳) در حالات مندرج اجزای (۱ و ۲) فقره (۱) این ماده، سرپرست قانونی مکلف است طفل را تا زمان حکم ثانی محکمه اختصاصی اطفال مبنی بر عزل سرپرستی وی یا جدایی طفل از محیط فعلی اش نگهداری نماید.

(۴) در حالت مندرج جزء (۳) فقره (۱) این ماده سرپرست قانونی مکلف است طفل را الی حکم ثانی محکمه مبنی بر عزل سرپرستی یا بازگشت طفل به فامیلش، نگهداری نماید.

(۵) طفل با نظرداشت حالات مندرج فقره (۱) این ماده هر زمان می تواند از محکمه اختصاصی اطفال تقاضا نماید تا با والدین و سرپرست قانونی خویش ملاقات نماید.

#### تجدید نظر بر تدابیر اتخاذشده:

ماده پنجاه و ششم: (۱) محکمه اختصاصی اطفال صلاحیت دارد تدابیر اتخاذشده مندرج فقره (۱) ماده پنجاه پنجم این قانون را با در نظرداشت روش، سلوک و حالات اصلاح پذیری طفل عنداللزوم مورد تجدید نظر قرار دهد.

(۲) محکمه اختصاصی اطفال صلاحیت دارد تدابیر اتخاذشده مندرج فقره (۱) ماده پنجاه و پنجم این قانون را حسب تقاضای والدین، سرپرست قانونی، یا مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی در هر شش ماه تجدید نظر نماید.

### فصل ششم

## کمک به اطفال نیازمند مراقبت و حفاظت و طرز رسیدگی به آن

#### طفل نیازمند به مراقبت و حفاظت:

ماده پنجاه و دوم: (۱) طفل نیازمند به مراقبت و حفاظت عبارت از شخصی است که:

۱- سلامت جسمی، روحی، عاطفی و حفاظتی وی در معرض خطر قرار داشته باشد.

۲- منافع و شرایط تعلیمی وی مورد مخاطره قرار گرفته باشد.

۳- مورد تجاوز کلان سال و یا شخصی که بالای وی تسلط دارد، قرار گرفته باشد.

۴- والدین، وی را رها نموده باشند.

(۲) محکمه اختصاصی اطفال در صورت درخواست طفل، ممثل قانونی، حارنوالی یا سایر مراجع باصلاحیت می تواند در موارد مندرج فقره (۱) این ماده تصامیم لازم را اتخاذ نماید.

#### استماع اظهارات:

ماده پنجاه و سوم: (۱) محکمه اختصاصی اطفال اظهارات طفل را استماع می نماید، مگر اینکه جلسه قضائی موجب ضرر به وضعیت روحی یا جسمی طفل از لحاظ سن، صحت و یا توانایی عقلانی وی گردد.

(۲) محکمه اختصاصی اطفال اظهارات ممثل قانونی طفل را استماع و آن را مورد غور قرار می دهد.

(۳) ممثل قانونی می تواند از محکمه مربوط تقاضا نماید تا از نظریات متخصصین و اهل خبره راجع به طفلی که مورد تجاوز جنسی، فزیکی یا روحی قرار گرفته است، استفاده نماید.

(۴) محکمه اختصاصی اطفال می تواند متخصصین و اهل خبره را جهت ارائه معلومات در مورد وضعیت طفل به محکمه احضار نماید.

#### مراقبت از دساتیر صادره محاکم:

ماده پنجاه و چهارم: مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مکلفند، دساتیر صادره محاکم اختصاصی اطفال را مراقبت نموده و گزارش اصلاح پذیری طفل را ماهانه به محاکم مربوط ارائه نمایند.

#### اتخاذ تدابیر کمکی و تربییوی:

ماده پنجاه و پنجم: (۱) محکمه اختصاصی اطفال صلاحیت دارد در مورد طفل مندرج فقره (۱) ماده پنجاه و دوم این قانون یکی از تدابیر کمکی تربییوی ذیل را نیز اتخاذ نماید:

۱- طفل در محیط فعلی اش باقی بماند. در این حالت محکمه مکلف است، سرپرست قانونی برای وی تعیین نماید تا در صورت حکم محکمه، طفل را به مؤسسات تعلیمی باز بفرستد.

۲- طفل در محیط فعلی اش به شرطی باقی بماند که به طور دوامدار به مؤسسات صحی، تعلیمی یا

آتی نیز می‌باشد:

- ۱- مواظبت از دارایی منقول و غیر منقول شخصی طفل و اتخاذ تدابیر لازم حفاظتی در زمینه.
  - ۲- عدم فروش اموال منقول و غیر منقول طفل مگر اینکه محکمه به فروش آن تجویز اتخاذ نماید.
  - ۳- دریافت پول یا اجناسی که برای نفقه طفل عنوانی والدین، ولی یا وکیل قانونی وی ارسال گردیده، مشروط بر اینکه سرپرست قانونی، پول یا اجناس دریافت شده را صرف برای رفع ضروریات فعلی طفل مبنی بر نفقه، تعلیم یا مواظبت از وی مصرف و پول اضافی را برای آینده آن ذخیره نماید.
  - ۴- عدم استفاده شخصی از پول و دارایی طفل مگر اینکه محکمه در مقابل انجام خدمات وی مبلغی را تعیین نموده باشد.
  - ۵- اتخاذ اقدامات قانونی علیه اشخاصی که متعهد به ایفای تعهدات قانونی یا بهبود رفاه اجتماعی طفل باشد.
  - ۶- اتخاذ اقدامات قانونی در رابطه به فراهم نمودن تسهیلات تحصیلی، اجتماعی و سایر فعالیت‌های طفل.
  - ۷- اطلاع تغییر آدرس الی مدت چهارده روز به محکمه.
  - ۸- ارائه گزارش رفتار، سلوک و حالات اصلاح‌پذیری طفل با تمام جزئیات آن در هر سه ماه به محکمه اختصاصی اطفال.
- گزارش باید حاوی انکشافات روانی و صحتی طفل باشد.

#### بررسی موضوع سرپرستی:

#### ماده شصت و یکم:

- (۱) محکمه موضوع سرپرستی قانونی اطفال کمتر از سن دوازده‌سالگی را ماه یکبار و بلندتر از سن دوازده‌سالگی را در هر سه ماه بررسی می‌نماید.
- (۲) محکمه حین بررسی موضوع سرپرستی اطفال مندرج فقره (۱) این ماده نکات ذیل را رعایت می‌نماید:
  - ۱- فراهم‌آوری تسهیلات لازم برای رفاه اجتماعی طفل توسط سرپرست.
  - ۲- ضرورت ادامه سرپرستی.
  - ۳- اشتیاق و توانایی سرپرست قانونی مبنی بر ادامه فراهم‌آوری رفاه اجتماعی طفل.
  - ۴- تأثیر ادامه سرپرستی بالای رفاه اجتماعی طفل توسط سرپرست.
  - ۵- سایر عوامل مورد نظر محکمه در قسمت سرپرستی.
- (۳) مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی مکلفاند مطابق هدایت محکمه مطالعات لازم را در مورد مطالب مندرج فقره (۲) این ماده انجام داده و گزارش خویشرا در زمینه به محکمه مربوط ارائه نمایند.
- (۴) محکمه اختصاصی اطفال می‌تواند بعد از تکمیل بررسی‌های مندرج فقره‌های (۲) و (۳) این ماده در مورد ادامه یا لغو سرپرستی تصمیم اتخاذ نماید.

#### لغو حکم سرپرستی:

#### ماده شصت و دوم:

هرگاه والدین یا یکی از آنها هدیایات محکمه را مبنی بر جاگزینی سرپرستی کاملاً رعایت نموده باشد در این صورت محکمه می‌تواند سرپرستی را لغو و حکم بازگشت مجدد طفل را به والد یا والدینش، شش ماه قبل از میعاد سرپرستی، صادر نماید.

## فصل هفتم سرپرستی اطفال

### سرپرست قانونی:

- ماده پنجاه هفتم:** (۱) طفلی که سن هجده‌سالگی را تکمیل نکرده باشد، والدین، سرپرست قانونی وی شمرده می‌شوند.
- (۲) در صورتی که طفل ممثل قانونی نداشته باشد، محکمه برای وی سرپرست تعیین می‌نماید.
- (۳) حوزه صلاحیت قضایی برای تعیین سرپرست قانونی، قلمروی شمرده می‌شود که طفل در آن اقامت داشته و یا محلی که طفل در آنجا حاضر و علیه آن اقدامات قانونی آغاز گردیده باشد.

### در خواست سرپرستی:

**ماده پنجاه و هشتم:** (۱) شخصی که علاقمند به رفاه طفل بوده، می‌تواند درخواست سرپرستی را که حاوی معلومات ذیل باشد، به محکمه مربوط ارائه نماید:

- ۱- شهرت و آدرس مکمل.
  - ۲- اسم، سن، محل سکونت و آدرس طفل.
  - ۳- چگونگی رابطه و علائق با طفل.
  - ۴- شهرت و آدرس اصول، فروع، واقارب نزدیک طفل.
  - ۵- دلایل شایستگی مبنی بر سرپرستی بهتر طفل.
  - ۶- نوع و حدود سرپرستی.
- (۲) محکمه اختصاصی اطفال درخواست سرپرستی مندرج فقره (۱) این ماده را غرض انجام تحقیقات لازم و ارائه معلومات به مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی ارسال و مؤسسات مربوط مکلفاند گزارش تحقیقات را به محکمه ارائه نمایند.
- (۳) محکمه اختصاصی اطفال باحضورداشت طفل، والدین، شخص درخواست‌دهنده و نماینده مؤسسات اختصاصی خدمات اجتماعی در مورد تعیین سرپرست قانونی تصمیم لازم اتخاذ می‌نماید.

### صلاحیت سرپرست:

**ماده پنجاه و نهم:** (۱) شخصی که به حیث سرپرست قانونی تعیین گردیده است، الی صدور حکم مجدد صلاحیت دارد از طفل نگهداری نماید.

- (۲) سرپرست قانونی دارای کلیه صلاحیت‌ها و مسؤولیت‌های والدین طفل می‌باشد.
- تهیه نفقه برای طفل وجبران خساره ضرر وارده به شخص سوم از این حکم مستثنی است.

### مسؤولیت سرپرست:

**ماده شصتم:** سرپرست قانونی طفل بر علاوه مکلفیت‌های مندرج در قانون مدنی دارای مسؤولیت‌های

## فصل هشتم احکام نهایی

### تنفیذ حکم:

**ماده شصت و سوم:** احکام نهایی وقطعی محاکم در رابطه به اطفال واجبالتنفیذ بوده، هر شخصی که بطور مستقیم یا غیر مستقیم از آن اطاعت ننماید یا در تطبیق آن موانع ایجاد و یا در اجراءات قانونی آن مداخله کند، مطابق احکام قانون مجازات می‌گردد.

### رعایت احکام سایر قوانین نافذه:

**ماده شصت و چهارم:** در صورتی که حکمی در مورد رسیدگی به قضایای اطفال در این قانون پیشبینی نگردیده باشد، موضوع مطابق احکام قوانین نافذه مورد رسیدگی قرار می‌گیرد.

### وکیل مدافع موقت:

**ماده شصت و پنجم:** از آن جایی که در حال حاضر در کشور وکلای مدافع به تعداد کافی وجود ندارند، طفل مظنون یا متهم می‌تواند به اشخاص تحصیل یافته که به قضایای حقوقی عالم باشند، مراجعه نماید.

به این منظور رئیس هر محکمه لیست اشخاص واجد شرایط را که در مرکز از طرف وزارت عدلیه و در ولایات از طرف ادارات قضایای دولت به محاکم استیناف معرفی می‌شوند، ترتیب می‌نماید.

### تاریخ انفاذ:

**ماده شصت و ششم:** این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر گردد و با انفاذ آن احکام مغایر ملغی می‌گردد.

## قانون حقوق و امتیازات معلولین

وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین به همکاری مؤسسات ذی‌ربط زمینه آموزش فنی و حرفوی را برای معلولین با نظر داشت استعداد و توانایی آنها فراهم می‌نماید.

ماده بیستم

۱۶ جوزا ۱۳۸۱

۱۶ جوزا ۱۳۸۱

به منشاء، ماهیت و جدی و شدید بودن نقص‌ها و ناتوانی‌های خود از حقوق بنیادی مشابه سایر شهروندان هم سن خود برخوردارند که مقدم بر همه متضمن حق برخورداری از زندگی شرافتمندانه و با منزلت است که تا حد امکان عادی و کامل باشد.

۴- معلولان دارای حقوق مدنی و سیاسی مشابه سایر انسان‌ها هستند؛ پاراگراف ۷ اعلامیه حقوق عقب‌ماندگان روانی و ذهنی درباره هر محدودیت احتمالی یا جلوگیری از تحقق حقوق فوق برای معلولان ذهنی صدق می‌کند.

۵- معلولان حق دارند از تدابیری که طراحی شده تا بتوانند تا حد امکان متکی به خود باشند، برخوردار شوند.

۶- معلولان حق دارند از درمان پزشکی، روانشناسی و کارکردی، از جمله اندام‌های مصنوعی و وسایل orthotic، تا توانبخشی دارویی و اجتماعی، آموزش و پرورش، آموزش حرفه‌ای و توانبخشی، کمک، مشاوره، خدمات تعیین شغل و خدمات دیگری برخوردار باشند که آنان را قادر می‌سازد توانایی‌ها و مهارت‌های خود را به حداکثر برسانند و سرعت فرآیندهای الحاق یا پیوستن دوباره آنان را به اجتماع بیشتر کند.

۷- معلولان حق دارند از امنیت اقتصادی و اجتماعی و سطح زندگی محترمانه و مطلوب برخوردار باشند. آنان حق دارند، براساس توانایی‌های خود، شاغل باشند و شغل خود را حفظ کنند یا در حرفه‌ای مفید، مولد و سازنده، پول ساز مشغول باشند و به اتحادیه‌های صنفی و کارگری بپیوندند.

۸- معلولان حق دارند به نیازهای ویژه آنان در کلیه مراحل برنامه‌ریزی اقتصادی و اجتماعی توجه و رسیدگی شود.

۹- معلولان حق دارند با خانواده‌ها یا والدین رضاعی خود زندگی و در کلیه فعالیت‌های اجتماعی، خلاقه یا تفریحی شرکت کنند. هیچ فرد معلولی نباید، تا آنجا که به محل اقامتش مربوط می‌شود، در معرض رفتار متفاوت غیر از آنچه شرایط او ایجاب می‌کند یا بهبودی و تسهیلاتی که ممکن است از آن نصیب وی شود، قرار گیرد. اگر اقامت معلولی در اقامتگاهی ویژه و تخصصی اجتناب‌ناپذیر باشد، محیط و شرایط زندگی در آنجا باید تا حد امکان مشابه شرایط و محیط زندگی عادی اشخاص همسن او باشد.

۱۰- از معلولان باید در برابر کلیه اشکال استثمار و بهره‌کشی، کلیه مقررات و رفتارهای تبعیض‌آمیز و دارای ماهیت توهین‌آمیز و موهن محافظت به عمل آید.

۱۱- معلولان باید بتوانند وقتی استفاده از کمک‌های حقوقی برای محافظت از خود و اموال‌شان اجتناب‌ناپذیر باشد از کمک‌های حقوقی واجد شرایط بهره‌مند شوند. اگر فرآیند قضایی علیه آنان شکل گرفته، فرآیند حقوقی اعمال شده باید شرایط جسمی و روانی آنان را به طور کامل در نظر بگیرد.

۱۲- با سازمان‌های ویژه معلولان باید در کلیه مسائل مربوط به حقوق معلولان به نحوی مفید مشورت شود.

۱۳- کلیه حقوق تصریح‌شده در این اعلامیه باید با کلیه وسایل و امکانات مناسب به طور کامل به معلولان، خانواده‌ها و انجمن‌های آنان اطلاع داده شود.

## اعلامیه حقوق اشخاص دارای معلولیت اعلام‌شده در قطعنامه ۳۴۴۷ مورخ ۹ دسامبر ۱۹۷۵ مجمع عمومی سازمان ملل متحد مجمع عمومی،

با آگاهی از قول کشورهای عضو براساس منشور ملل متحد برای انجام اقدام مشترک و جداگانه با همکاری سازمان ملل متحد به منظور کمک به ایجاد معیارهای بهتر زندگی، اشتغال کامل و شرایط پیشرفت و توسعه اقتصادی و اجتماعی، با تأیید دوباره ایمان خود به حقوق بشر و آزادی‌های بنیادی و به اصول صلح، منزلت و ارزش شخص انسان و عدالت اجتماعی اعلام‌شده در منشور، با یادآوری اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق‌های بین‌المللی درباره حقوق بشر، اعلامیه حقوق کودک و اعلامیه حقوق عقب‌ماندگان ذهنی و نیز ضوابط و معیارهایی که از قبل برای پیشرفت اجتماعی در قانون اساسی کشورها، کنوانسیون‌ها، توصیه‌ها و قطعنامه‌های سازمان بین‌المللی کار، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی ملل متحد، سازمان جهانی بهداشت و صندوق کودکان ملل متحد و سایر سازمان‌های مربوطه پیش‌بینی‌شده، همچنین با یادآوری قطعنامه (پنجاه و هشت) ۱۹۲۱ مورخ ۶ مه ۱۹۷۵ شورای اقتصادی و اجتماعی، درباره پیشگیری از ناتوانی و توانبخشی معلولان، با تأکید بر این که اعلامیه پیشرفت و توسعه اجتماعی ضرورت حمایت از حقوق و تضمین رفاه و توانبخشی آسیب‌دیدگان جسمی و روانی را اعلام کرده، با توجه به ضرورت پیشگیری از ناتوانی‌های جسمی و روانی و کمک به افراد معلول برای ایجاد توانایی‌ها در متنوع‌ترین زمینه‌های فعالیت‌ها و حداکثر کمک ممکن به آنان برای برخورداری از زندگی عادی، با آگاهی از این که بعضی از کشورها، در مرحله کنونی توسعه خود، می‌توانند فقط تلاش‌ها و منابع محدودی را به این منظور اختصاص دهند، این اعلامیه درباره حقوق افراد معلول را اعلام می‌دارد و خواهان اقدام ملی و بین‌المللی برای تضمین این امر است که از این اعلامیه به عنوان مبنا و چارچوب اقدام مشترک برای حمایت از این حقوق استفاده شود:

۱- عبارت «شخص معلول» یعنی هر شخصی که نمی‌تواند به‌تنهایی، تمام یا بخشی از نیازهای فرد عادی یا زندگی اجتماعی عادی را به علت نارسایی، اعم از مادرزادی یا غیر مادرزادی، توانایی‌های جسمی یا روانی خود تأمین کند.

۲- معلولان باید از همه حقوق تصریح‌شده در این اعلامیه برخوردار باشند. این حقوق باید بدون هیچ‌گونه استثنا و بدون تمایز یا تبعیض بر مبنای نژاد، رنگ پوست، جنسیت، زبان، دین، عقیده سیاسی یا عقاید دیگر، خاستگاه ملی یا اجتماعی، وضع مالی و ثروت، محل تولد یا هر موقعیت دیگر که درباره شخص معلول یا خانواده‌اش صدق می‌کند، اعطا شود.

۳- معلولان از حق ذاتی احترام برای منزلت انسانی خود برخوردارند. اشخاص معلول بدون توجه

## فهرست

## عنوان

## صفحه

فصل اول: احکام عمومی  
فصل دوم: حقوق و امتیازات معلولین  
فصل سوم: احکام متفرقه

۸۹  
۹۰  
۹۶

فصل اول  
احکام عمومی

## مبنی

**ماده اول:** این قانون به تأسی از حکم ماده پنجاه و سوم قانون اساسی افغانستان به منظور حمایت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، تعلیمی، تربیتی، تفریحی و ورزشی و بازتوانی معلولین (اعم از زن، مرد و طفل) جهت سهم‌گیری فعال‌شان در جامعه و تأمین حقوق و امتیازات آنها، وضع گردیده است.

## اصطلاحات

**ماده دوم:** اصطلاحات آتی در این قانون مفاهیم ذیل را افاده می‌نماید:

۱- معلول: شخصی است که بنابر ضایعه جسمی، حسی، ذهنی و روانی یا توأم، به تشخیص کمیسیون صحت، سلامت و کارآیی خود را طوری از دست بدهد که موجب کاهش توانمندی او در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی گردد.

۲- معلول کلی: شخصی است که درجه معلولیت یا کاهش توانمندی وی از طرف کمیسیون صحت تثبیت معلولیت، بالاتر از (۶۰) فی صد تثبیت شده باشد.

۳- معلول قسمی دائمی: شخصی است که درجه معلولیت یا کاهش توانمندی وی از طرف کمیسیون صحت تثبیت معلولیت، حسب احوال از ۳۰ الی ۶۰ فی صد تثبیت شده باشد.

## حمایت از معلولین

**ماده سوم:** وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین به همکاری ادارات ذی‌ربط، زمینه حمایت اجتماعی و بازتوانی معلولین را جهت سهم‌گیری فعال‌شان در جامعه مطابق احکام این قانون فراهم می‌نماید.



۱۶ جوزا ۱۳۸۱

- ۲- شخصی که در جریان جنگ‌ها و درگیری‌های مسلحانه سه دهه اخیر، معلول شده باشد.
- ۳- شخصی که به خاطر دفاع از تمامیت ارضی کشور و حراست از حاکمیت قانون، حین انجام خدمت بالفعل یا به ارتباط وظیفه دولتی، معلول شده باشد.
- ۴- شخصی که به اثر اعمال تروریستی و ضد دولتی از قبیل فیر سلاح‌های ثقیله و خفیفه، و یا فیر سلاح نیروهای دولتی معلول شده باشند.

### معاش معلول

**ماده هشتم:** (۱) اشخاص مندرج ماده هفتم این قانون که معلول کلی تثبیت گردیده‌اند، به ترتیب ذیل مستحق معاش شناخته می‌شوند:

- ۱- منسوبین نظامی و کارکنان ادارات دولتی و مختلط (۳۵) فی صد معاش (مزد) آخرین معاش ماهوار با اجزاء و ضمایم، بدون در نظر داشت مدت خدمت.
- ۲- اشخاص بدون رتبه یا درجه و اشخاصی که معاش ثابت نداشته و یا بدون معاش باشند، ماهوار مستحق (۳۰) فی صد معاش قدم اول بست هشتم قانون کارکنان خدمات ملکی شناخته می‌شوند.
- (۲) اشخاصی که توسط کمیسیون صحتی تثبیت معلولیت، معلول قسمی تثبیت گردیده‌اند، حسب احوال مستحق نصف معاش مندرج اجزای فقره (۱) این ماده شناخته می‌شوند.
- (۳) در صورتی که حقوق تقاعد اشخاص مندرج فقره (۲) این ماده بیشتر از نصف معاش مندرج فقره (۱) این ماده باشد، می‌توانند تقاعد خویش را مطالبه نمایند.

### وفات معلول

- ماده نهم:** (۱) هرگاه معلول با سابقه کار رسمی وفات نماید، معاش معلولیت به حیث حقوق تقاعد بدون وضع سهمیه متوفی، برای بازماندگان وی پرداخت می‌شود.
- (۲) بازماندگان معلول متوفی به مفهوم این قانون عبارتند از:
- ۱- زوج، زوجه، دختر بدون شوهر، پسری که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده، معلول یا مصروف تعلیم یا تحصیل و یا انجام خدمت مکلفیت عمومی عسکری باشد.
- ۲- پدر، مادر، خواهر بدون شوهر، برادری که سن هجده سالگی را تکمیل نکرده، معلول یا مصروف تعلیم یا تحصیل و یا انجام خدمت مکلفیت عمومی عسکری باشد، مشروط بر اینکه معلول قبل از وفات متکفل معیشت آنها بوده باشد.
- ۳- طفل صلبی معلول که بعد از فوت وی از زوجه حامله او تولد شود.
- (۳) تثبیت بازماندگان معلول توسط وثیقه شرعی صورت می‌گیرد.

### حقوق و امتیازات معلولین ثبت‌ناشده

**ماده دهم:** آن‌عده از مجاهدین و اشخاصی که از ۷ ثور ۱۳۵۷ به بعد معلول و معلولیت آنها از طرف مراجع ذیصلاح وقت تثبیت نگردیده و نظر به شرایط زمان کارت معلولیت برای‌شان توزیع نشده باشد، از تاریخ انفاذ این قانون مستحق حقوق و امتیازات معلولیت بوده، شرایط تثبیت معلولیت و پرداخت حقوق و امتیازات آنها حسب احوال طبق طرزالعمل جداگانه که از طرف وزارت مالیه و وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین ترتیب می‌شود، تنظیم می‌گردد.

### قطع معاش

**ماده یازدهم:** (۱) معاش معلول در حالات آتی قطع می‌گردد:

## فصل دوم حقوق و امتیازات معلولین

### مساعادت مالی

**ماده چهارم:** اشخاصی که مطابق احکام این قانون از طرف کمیسیون صحتی تثبیت معلولیت، معلول تثبیت می‌گردند، از تاریخ تثبیت معلولیت صرف برای یک مرتبه به ترتیب ذیل مستحق مساعادت مالی شناخته می‌شوند:

- ۱- منسوبین نظامی و کارکنان ادارات دولتی، مختلط و خصوصی معادل (۱۰) ماهه معاش (مزد) به اساس آخرین معاش ماهوار با اجزاء و ضمایم آن.
- ۲- اشخاص بدون رتبه یا درجه و اشخاصی که معاش ثابت نداشته و یا بدون معاش باشند، پنج‌ماهه معاش (مزد) قدم اول بست هشتم قانون کارکنان خدمات ملکی.

### تثبیت معلولیت

**ماده پنجم:** (۱) معلولیت شخص از طرف کمیسیون صحتی تثبیت معلولیت، طبق مقرر مرسوم، در فورم (م ۱۱) ضمیمه شماره (۲) این قانون تثبیت می‌گردد.

(۲) شخصی که در اثر جراحت معلول می‌گردد، بعد از تداوی یا سپری نمودن دوره مراقبت و معاینات صحتی، جهت تثبیت معلولیت به کمیسیون صحتی تثبیت معلولیت مندرج این قانون معرفی می‌شود.

### کمیسیون صحتی تثبیت معلولیت

**ماده ششم:** (۱) کمیسیون صحتی تثبیت معلولیت، در مرکز متشکل است از:

- ۱- متخصص طبیبی وزارت صحت عامه به حیث رئیس.
- ۲- متخصص طبیبی وزارت دفاع ملی به حیث عضو.
- ۳- متخصص طبیبی وزارت امور داخله به حیث عضو.
- ۴- متخصص طبیبی ریاست عمومی امنیت ملی به حیث عضو.
- ۵- نماینده مسلکی وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین به حیث عضو.
- (۲) کمیسیون صحتی تثبیت معلولیت در ولایات متشکل از نمایندگان ذیصلاح ادارات مندرج فقره (۱) این ماده می‌باشد.

### حقوق و امتیازات

**ماده هفتم:** اشخاص ذیل از حقوق و امتیازات این قانون مستفید شده می‌توانند:

- ۱- شخصی که به خاطر اعلاکلمه الله و دفاع از استقلال و آزادی کشور در دوران جهاد معلول گردیده باشد.



۱- ترک دائمی کشور.

۲- ترک تابعیت.

۳- محکومیت به ارتکاب جرم خیانت ملی به اساس صدور حکم قطعی محکمه ذیصلاح.

۴- در حالت تحقق حکم مندرج ماده سی و یکم این قانون.

۵- عدم موجودیت بازماندگان، بعد از فوت.

۶- صحت یابی.

۷- سایر حالات مندرج در اسناد تقنینی.

(۲) در صورت فوت معلول بدون رتبه یا درجه، معاش ماهوار وی قطع و معاشات یکساله او طور

یکبارگی به بازماندگانش پرداخته می‌شود.

#### قطع حقوق بازماندگان معلول

ماده دوازدهم: (۱) حقوق بازماندگان معلول متوفی در حالات ذیل قطع می‌گردد:

۱- وفات.

۲- ترک دائمی کشور.

۳- ترک تابعیت.

۴- محکومیت به ارتکاب جرم خیانت ملی به اساس صدور حکم قطعی محکمه ذیصلاح.

۵- پسر و برادری که سن (۱۸) سالگی را تکمیل یا از معلولیت شفا یابد یا تعلیم، تحصیل و یا خدمت

مکلفیت عمومی عسکری را ختم نموده باشد.

۶- ازدواج زوجه، دختر یا خواهر معلول متوفی.

(۲) سهمی که مطابق حکم مندرج فقره (۱) این ماده قطع می‌گردد، به سهم سایر بازماندگان افزود

نمی‌گردد.

#### تقسیم حقوق تقاعد بین بازماندگان

ماده سیزدهم: (۱) حقوق تقاعد بدون وضع سهم معلول متوفی بین بازماندگان وی مساویانه تقسیم

می‌گردد.

(۲) بازماندگانی که از چند معلول مستحق معاش معلولیت باشند، کلیه حقوق مذکور را اخذ می‌نمایند.

#### حقوق تقاعد

ماده چهاردهم: شخصی که قدرت کار را کاملاً از دست می‌دهد، از تاریخ تثبیت معلولیت، مطابق

حکم مندرج فقره (۱) ماده هشتم این قانون، حقوق معلولیت وی به حیث حقوق تقاعد پرداخته

می‌شود.

#### عدم تبعیض

ماده پانزدهم: معلولین، حق سهم‌گیری مساوی را در عرصه‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی،

فرهنگی، تعلیمی و تربیتی، تفریحی و ورزشی، بدون تبعیض، دارا می‌باشند.

#### حقوق طفل معلول

ماده شانزدهم: (۱) اطفال معلول در استفاده از حقوق و آزادی‌های اساسی مانند سایر اطفال، دارای

حقوق مساوی می‌باشد.

(۲) وزارت‌ها و ادارات دولتی ذی‌ربط، به منظور دسترسی اطفال معلول، به تفریح و ورزش، مکان‌ها و

محلات اختصاصی و قابل دسترس را ایجاد و با وسایل لازمه آنها را تجهیز می‌نمایند.

#### معلول طبیعی یا مادرزاد

ماده هفدهم: معلول طبیعی یا مادرزاد به استثنای مواد چهارم و هشتم این قانون از سایر حقوق و

امتیازات آن مستفید می‌شوند.

#### اطلاع ولادت طفل معلول

ماده هجدهم: وزارت صحت عامه و سایر مؤسسات خصوصی عرضه خدمات صحتی، ولادت طفل

معلول را به وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین کتباً اطلاع می‌دهند.

#### تعلیمات و تحصیلات عالی

ماده نوزدهم: (۱) وزارت‌های معارف و تحصیلات عالی، زمینه تعلیم و تربیه فراگیر و اختصاصی را

برای معلولین فراهم می‌نمایند.

(۲) حکومت از مجموع سهمیه بورس‌های تحصیلی خارجی که مصارف آن به‌دوش دولت‌ها و مؤسسات

کمک‌کننده باشد (۵٪) آن را برای معلولین واجد شرایط تخصیص می‌دهد.

(۳) مؤسسات تعلیمی و تحصیلی خصوصی، خدمات مربوط را برای معلولین، (۲۵) فی صد نازل‌تر

نسبت به سایر اشخاص عرضه می‌نمایند.

#### آموزش فنی و حرفوی

ماده بیستم: وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین به همکاری مؤسسات ذی‌ربط زمینه

آموزش فنی و حرفوی را برای معلولین با نظر داشت استعداد و توانایی آنها فراهم می‌نماید.

#### خدمات صحتی

ماده بیست و یکم: (۱) وزارت صحت عامه، به منظور دسترسی اشخاص معلول به هر نوع خدمات

صحتی، تداوی و بازتوانی جسمی، حسی، ذهنی و روانی، تدابیر لازم را اتخاذ می‌نماید.

(۲) طبق تأیید کمیسیون طبی وزارت صحت عامه در صورتی که تداوی معلول در داخل ممکن

نباشد، اعزام وی به خارج از کشور جهت تداوی به مصرف دولت.

#### حق کار

ماده بیست و دوم: حکومت حداقل سه فی صد سهمیه استخدام معلولین واجد شرایط را در صورت

تقاضای خود آنها مطابق احکام قانون، در وزارت‌ها و ادارات دولتی در نظر می‌گیرد.

#### ایجاد مراکز بازتوانی

ماده بیست و سوم: (۱) وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین به همکاری وزارت‌های صحت

عامه و انکشاف شهری و شاروالی‌ها و ریاست کمیته ملی المپیک، مراکز بازتوانی معلولین را در مرکز

و ولایات کشور در حدود امکانات مالی تأسیس و تجهیز می‌نماید.

(۲) والیان و سایر ادارات ذی‌ربط، به منظور تحقق هدف مندرج فقره (۱) این ماده با مراجع مربوط

همکاری می‌نمایند.

#### اختصاص نمرات زمین و آپارتمان‌های رهائشی

ماده بیست و چهارم: (۱) شاروالی‌ها حین توزیع نمرات زمین در مرکز و ولایات با تخفیف (۵۰٪)

در قیمت آن برای معلولین بی‌سرپناه سهمیه جداگانه را اختصاص می‌دهد.

(۲) وزارت انکشاف شهری و سایر ادارات ذی‌ربط، حین توزیع آپارتمان‌های رهائشی سهمیه جداگانه

را با تخفیف (۲۰٪) در قیمت آن، برای معلولین بی‌سرپناه اختصاص می‌دهند.  
(۳) معلولین بی‌سرپناه که وظیفه رسمی دارند، در صورتی که در عین شرایط با دیگر کارکنان قرار داشته باشند، حین تعیین سهمیه نمرات زمین و آپارتمان‌های رهایی برای‌شان، حق اولویت داده می‌شود.

#### طراحی ساختمان‌ها، ترانسپورت و تکنالوژی

**ماده بیست و پنجم:** وزارت‌ها، ادارات دولتی و سایر مراجع، حین طراحی ساختمان‌ها، اماکن، تفریحگاه‌ها، ورزشگاه‌ها و معابر عمومی، ترانسپورت و تکنالوژی سهولت‌های لازم را غرض استفاده معلولین فراهم می‌نمایند.

#### ثبت معلولیت

**ماده بیست و ششم:** اداره احصائیه مرکزی، حین سرشماری‌های عمومی، معلولین را با تفکیک نوع معلولیت آنها ثبت نموده، در مورد به وزارت کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین کتبا اطلاع می‌دهد.

#### بازاریابی

**ماده بیست و هفتم:** وزارت تجارت و صنایع، جهت بازاریابی اموال تولیدشده توسط معلولین، تدابیر لازم اتخاذ می‌نماید.

#### معافیت از خدمت مکلفیت عمومی عسکری

**ماده بیست و هشتم:** شخصی که متکفل معلول کلی بوده، از خدمت مکلفیت عمومی عسکری معاف می‌باشد.

#### اخذ جواز رانندگی

**ماده بیست و نهم:** معلول قسمی با داشتن سند فراغت از کورس رانندگی ترافیک و کسب موفقیت در امتحان رانندگی ترافیک می‌تواند، طبق اسناد تقنینی مربوط، جواز رانندگی به دست آورد.

#### کارت معلولیت

**ماده سی‌ام:** برای معلولین از طرف وزارت کار و امور اجتماعی، شهداء و معلولین، کارت اخذ حقوق معلولیت طبق ضمیمه شماره (۱) این قانون اعطا می‌گردد.

#### امتناع از اشغال وظیفه

**ماده سی و یکم:** (۱) هرگاه معلول قسمی از اشغال وظیفه مناسب بدون عذر موجه امتناع ورزد، از حقوق و امتیازات مندرج این قانون محروم می‌گردد.  
(۲) هرگاه معلول قسمی دوباره شامل وظیفه رسمی گردد، از حقوق مندرج ماده هشتم این قانون، مستفید شده نمی‌تواند.

#### ترانسپورت

**ماده سی و دوم:** وزارت ترانسپورت و هوانوردی در تفاهم با کمپنی‌های ترانسپورتی دولتی و خصوصی تدابیر لازم را به منظور رعایت تخفیف در قیمت تکت سفرهای هوایی و زمینی برای معلولین در نظر می‌گیرد.

#### حج و زیارت

**ماده سی و سوم:** (۱) حکومت موظف است از سهمیه حج‌جایی که رسماً به حیث مهمان با قبول مصارف از طرف کشورها و مؤسسات اسلامی جهت ادای فریضه حج دعوت می‌شوند، (۵٪) آن را برای

معلولین واجد شرایط در نظر بگیرد.

(۲) به معلولین که غرض ادای فریضه حج امکانات مالی داشته باشند، حق اولویت داده می‌شود.



**تاریخ انفاذ**

ماده چهارم: این قانون از تاریخ توشیح نافذ بوده، در جریده رسمی نشر گردد و با انفاذ آن قانون حقوق و امتیازات مجروحین، معلولین، مفقودین و بازماندگان شهدای انقلاب اسلامی و سایر اتباع امارت اسلامی افغانستان منتشره جریده رسمی شماره (۷۸۹) سال (۱۴۲۰) هجری قمری و سایر احکام مغایر آن ملغی پنداشته می شود.

**فصل سوم  
احکام متفرقه****مراجع تصدیق معلولیت**

ماده سی و چهارم: معلولیت اشخاص توسط مراجع ذی صلاح ذیل تصدیق می گردد:

- ۱- معلولیت منسوبین نظامی و کارکنان ادارات دولتی، مختلط و خصوصی در مرکز از طرف کمیسیون های وزارت ها و ادارات مربوط.
- ۲- معلولیت منسوبین نظامی در ولایات از طریق قطعات و جزواتام های مربوط و از کارکنان ادارات دولتی، مختلط و خصوصی از طرف قوماندانان امنیه، مسئولین امنیت ملی و مهر و امضاء مقام ولایات مربوط.
- ۳- معلولیت کارکنان ادارات دولتی، مختلط و خصوصی در ولسوالی ها از طرف قوماندانان امنیه، مسئولین امنیت ملی، تأیید ولسوال مربوط و مهر و امضاء مقام ولایت مربوط.
- ۴- معلولیت اشخاصی که وظیفه رسمی دولتی نداشته باشند از طرف قوماندانان امنیه و مسئولین امنیت ملی محل واقعه و مهر و امضای مقام ولایت مربوط.

**مراجع پرداخت مساعدت**

ماده سی و پنجم: مساعدت مالی مندرج ماده چهارم این قانون برای منسوبین نظامی و کارکنان ادارات دولتی، مختلط و خصوصی، از آخرین محل کار و خدمت و برای اشخاص بدون رتبه یا درجه و اشخاصی که معاش ثابت نداشته باشند، توسط کمیسیون یاهیتت موظف از طرف رئیس جمهور پرداخته می شود.

**مراجع پرداخت حقوق تقاعد**

ماده سی و ششم: حقوق تقاعد و سایر امتیازات برای معلولین در مرکز و ولایات از طرف وزارت کار و امور اجتماعی، شهداء و معلولین پرداخته می شود.

**آگاهی از معلولیت**

ماده سی و هفتم: وزارت اطلاعات و فرهنگ و سایر وزارت ها و ادارات دولتی و غیردولتی ذی ربط به منظور بلند بردن سطح آگاهی مردم از معلولیت و حقوق معلولین، تدابیر لازم اتخاذ می نمایند.

**افزودی معاش**

ماده سی و هشتم: معاش معلولین حین افزودی عمومی معاشات متناسباً افزود می گردد.

**وضع طرز العمل**

ماده سی و نهم: وزارت کار و امور اجتماعی، شهداء و معلولین می تواند، به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون طرز العمل های جداگانه وضع نماید.



فہرست

صفحہ

عنوان

۱۰۰	فصل اول: احکام عمومی
۱۰۱	فصل دوم: وظایف و ساحہ فعالیت پولیس
۱۰۳	فصل سوم: اقدام پولیس
۱۰۸	فصل چہارم: احکام متفرقہ

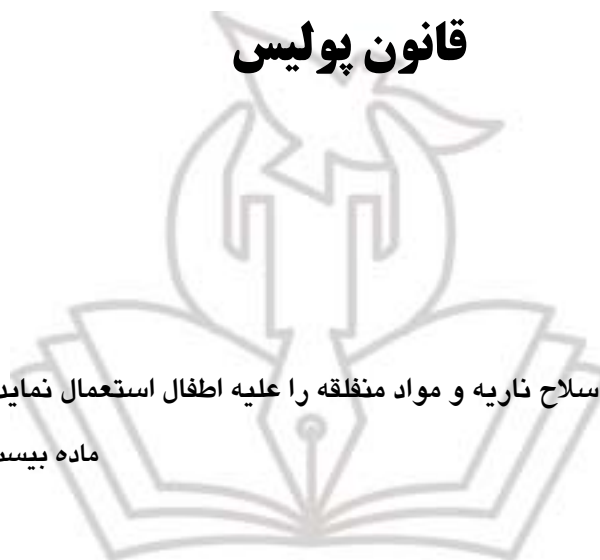


۱۶ جوزا ۱۳۸۱

قانون پولیس

پولیس نمی تواند سلاح نارپیہ و مواد منفلقہ را علیہ اطفال استعمال نماید.

مادہ بیست و سوم



۱۶ جوزا ۱۳۸۱

## فصل اول احکام عمومی

### مبنی

**ماده اول:** این قانون با رعایت احکام مندرج مواد پنجاه و ششم، جز (۳) ماده هفتاد و پنجم و یکصد و سی و چهارم قانون اساسی افغانستان، به منظور تنظیم امور مربوط به وظایف و صلاحیت‌های پولیس جهت تأمین نظم و امن عامه وضع گردیده است.

### اصطلاحات

**ماده دوم:** اصطلاحات آتی در این قانون، مفاهیم ذیل را افاده می‌نماید:

پولیس: شامل افسر ساتنمن و ساتونکی بوده که در تشکیل وزارت امور داخله استخدام و جهت تأمین نظم و امن عامه، طبق احکام قانون فعالیت می‌نماید.

نظم عامه: آرامش اجتماعی است که طبق احکام قانون توسط پولیس، تأمین می‌گردد.

امن عامه: حالتی است که در آن نظام حقوقی دولت، آزادی، کرامت انسانی، سلامت جسمی و مالی مردم حفظ می‌گردد.

خطر: حالتی است که در آن نظم و امن عامه تحت تهدید حوادث اخلاقی قرار می‌گیرد.

اتخاذ تدابیر: اقداماتی است که پولیس به منظور تأمین نظم و امن عامه طبق احکام قانون اتخاذ می‌نماید.

سنجش مشروعیت اقدام: اقدام پولیس به منظور تأمین نظم و امن عامه در احوالی مشروع پنداشته می‌شود که شرایط آتی در آن تکمیل شده باشد:

۱. قانونی باشد؛

۲. متناسب به حالت خطر باشد؛

۳. ضروری باشد.

اقداماتی پولیس: تدابیر و عملی است که پولیس بر اساس سنجش مشروعیت اقدام، جهت تأمین اهداف قانونی به آن متوسل می‌شود.

محلات عامه: شاهراه، پارک عمومی، باغ، کنار و بستر دریا، پل عمومی، سرک پیاده‌رو، محوطه، کوچه، خیابان، معبر به شکل کوچه، تنگی باز یا مسدود و یا هر میدان سرباز و ساحه مماثل را احتوا می‌کند که هر شخص در آن، حق ورود داشته باشد.

### تشکیل

**ماده سوم:** پولیس جزء تشکیل وزارت امور داخله است که در قطعات، جز و تام‌ها و ادارات مرکز، ولایات و ولسوالی‌ها شامل می‌باشد. وزارت امور داخله می‌تواند در تشکیل پولیس، بنا بر ایجاب احوال و شرایط کشور طبق احکام قانون تزئید یا تنقیص وارد نماید.

## فصل دوم وظایف و ساحه فعالیت پولیس

### ارتباط وظیفوی

**ماده چهارم:** پولیس وظایف خود را در مرکز تحت رهبری وزارت امور داخله و در ولایات و ولسوالی‌ها تحت اثر والی و ولسوال مربوط انجام می‌دهند. پولیس سرحدی و پولیس امنیت شاهراه در مرکز و ولایات وظایف خویش را تحت رهبری وزیر امور داخله انجام می‌دهد.

### وظایف و مکلفیت‌ها

**ماده پنجم:** پولیس مکلف به اجرای وظایف ذیل می‌باشد:

۱. تأمین و حفظ نظم و امن عامه؛
۲. تأمین امنیت فرد و اجتماع و حراست از حقوق و آزادی‌های قانونی آنها؛
۳. اتخاذ تدابیر و قیووی جهت جلوگیری از وقوع جرایم؛
۴. کشف به موقع جرایم و گرفتاری مظنونین و مرتکبین مطابق احکام قانون؛
۵. مبارزه با انحرافات اخلاقی مفسد اجتماعی و اعمالی که آسایش عامه را اخلاقی می‌نماید؛
۶. محافظت از ملکیت و دارایی‌های دولتی و خصوصی، مؤسسات و سازمانهای داخلی و خارجی و بین‌المللی؛
۷. مبارزه علیه زرع کوکنار و بنگ، قاچاق و ترافیک مواد مخدر، تولید، توزیع استعمال مسکرات و جلوگیری از آن؛
۸. مبارزه علیه جرایم سازمان‌یافته و تروریزم مطابق احکام قانون؛
۹. همکاری با ادارات دولتی در پیشبرد وظایف آنها در حدود صلاحیت، مطابق به احکام قانون؛
۱۰. تنظیم امور ترافیکی مطابق احکام قانون؛
۱۱. اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم برای مبارزه با حوادث و حالات غیر مترقبه؛
۱۲. کمک و مساعدت لازم به آسیب‌دیدگان حوادث غیر مترقبه و آفات طبیعی به منظور نجات اشخاص و اموال آنها؛
۱۳. اتخاذ تدابیر و اقدامات لازم در حالات اضطراری به منظور نظم و امن عامه مطابق به احکام قانون؛
۱۴. جلب همکاری عامه در فعالیت‌های وقایوی و مجادلوی؛
۱۵. حفاظت و مراقبت سرحدات؛
۱۶. کنترل از دخول و خروج اشخاص در سرحدات و میدان‌های هوایی بین‌المللی کشور مطابق به احکام قانون؛
۱۷. جلوگیری از قاچاق اموال؛

۱۸. اقدام مناسب و ضروری حین وقوع تحرکات مغایر حاکمیت ملی در سرحدات؛  
 ۱۹. مراقبت ترافیک سرحدی و کنترل اسناد آن؛  
 ۲۰. همکاری و تأمین ارتباط با پولیس سرحدی دول همسایه با نظرداشت معاهدات بین‌الدول؛  
 ۲۱. همکاری و تأمین ارتباط با پولیس کشورهای خارجی با نظرداشت اساسنامه انترپول.

**منطقه معینه**

**ماده ششم:** پولیس وظایف محوله در حدود منطقه معینه مطابق احکام قانون انجام می‌دهد.

**انجام وظیفه در منطقه‌ای دیگر**

**ماده هفتم:** (۱) پولیس یک منطقه می‌تواند در حالات آتی در منطقه‌ای دیگر داخل اقدام گردد:

۱. در صورتی که پولیس یک منطقه همکاری منطقه دیگر را مطالبه نماید؛

۲. در صورتی که در منطقه، پولیس موظف موجود نباشد؛

۳. در صورتی که گرفتاری یا تعقیب مظنون، متهم یا مجرم اقدام عاجل ایجاب نماید؛

۴. در صورتی که پولیس منطقه از محل واقعه دور بوده و متضرر، طالب معاونت گردد؛

۵. در صورت صدور قرار محکمه یا خارنوال؛

(۲) در حالات مندرج اجزای (۳، ۲ و ۴) این ماده پولیسی که خارج از منطقه فعالیت و وظیفوی، متوسل به اقدامات در منطقه‌ای دیگر می‌گردد، مکلف است به اسراع وقت ممکنه پولیس منطقه را در جریان قرار دهد.

**توظیف موقت**

**ماده هشتم:** پولیس محل به پیشنهاد قوماندان امنیه و موافقه والی ولایت موقتاً به محل دیگر توظیف شده می‌تواند. قطعات پولیس مربوط به یک ولایت، از طرف وزیر امور داخله موقتاً به ولایت دیگر توظیف شده می‌تواند. اقدامات مندرج ماده هفتم این قانون از این مستثنی است.

**فصل سوم  
اقدام پولیس****توسل به اقدام**

**ماده نهم:** پولیس طبق احکام قانون و حسب احوال به اقدامات ذیل متوسل شده می‌تواند:

۱. ابلاغ و اخطار؛

۲. متوقف نمودن اشخاص به منظور تثبیت هویت آنها؛

۳. امر به ترک محل؛

۴. جلب و احضار؛

۵. تنبیه مالی؛

۶. تحت نظارت قراردادن اشخاص؛

۷. تلاشی اشخاص، اشیا و منزل؛

۸. تحت حفاظت قرار دادن اشیا.

**ابلاغ و اخطار**

**ماده دهم:** (۱) پولیس می‌تواند به منظور حفظ نظم عامه، به اهالی ابلاغیه تحریری یا شفاهی و یا اشارات مبنی بر اجرا یا ترک عملی را صادر نماید.

(۲) پولیس می‌تواند به منظور تطبیق حکم مندرج فقره (۱) این ماده و تعمیم ابلاغیه‌ها، به افراد یا اجتماعات اخطار دهد.

(۳) افراد یا اجتماعاتی که ابلاغ یا اخطار پولیس را رعایت ننمایند، طبق احکام قانون مورد تعقیب عدلی قرار می‌گیرند.

**توقف اشخاص به منظور تثبیت هویت**

**ماده یازدهم:** (۱) پولیس می‌تواند در موارد آتی به توقف و تثبیت هویت اشخاص اقدام نماید:

۱. به منظور دفع خطر و جلوگیری از ارتکاب جرم؛

۲. به منظور کنترل اسناد عبوری در سرحدات، بنادر و میدان‌های هوایی بین‌المللی کشور؛

۳. به منظور کشف جرم و گرفتاری مظنون و متهم؛

(۲) هرگاه شخص نتواند اسناد لازم مبنی بر تثبیت هویت خود را ارائه نماید، پولیس می‌تواند وی را به اداره مربوط احضار نماید.

**امر به ترک محل**

**ماده دوازدهم:** پولیس می‌تواند در احوال آتی اشخاص را به ترک محل مکلف سازد:

۱. جهت دفع خطر؛

۲. جهت جلوگیری از ارتکاب اعمال جرمی و کشف آن؛  
 ۳. جهت تکمیل احکام قانون.

### جلب و احضار

**ماده سیزدهم:** (۱) پولیس می‌تواند در حالات آتی به جلب و احضار اشخاص اقدام نماید:

۱. به منظور کشف جرم و دریافت معلومات در یک قضیه معین؛
  ۲. به منظور احقاق حق اشخاص مطابق احکام قانون؛
  ۳. به منظور تکمیل احکام قانون؛
- (۲) شخصی که مطابق به حکم قانون بنا بر درخواست اشخاص و مراجع ذی‌صلاح حاضر نگردد، پولیس به جلب و احضار وی اقدام می‌کند.
- (۳) در تعیین وقت احضار، مکلفیت‌های مسلکی، حرفوی و سایر موارد ضروری شخص تحت جلب رعایت می‌گردد.

### تنبه مالی

**ماده چهاردهم:** پولیس ترافیک می‌تواند در حالاتی که قصور فاعل و نتایج و فعل جزئی بوده علاقه عامه به تعقیب آن موجود نباشد، طبق سند تقنینی مربوط به تنبیه مالی مختلف به شکل جزای نقدی اقدام نماید. هرگاه متخلف به جزای نقدی موافقت ننماید، می‌تواند به محکمه مراجعه کند. حکم محکمه در مورد قطعی می‌باشد.

### تحت نظارت قرار دادن اشخاص

**ماده پانزدهم:** پولیس می‌تواند در حالات آتی شخص را تحت نظارت و قایوی قرار بدهد:

۱. در صورتی که حیات یا سلامت شخص مواجه به خطر بوده به طریق دیگر حمایت شده نتواند، در این صورت پولیس مکلف است در مدت مندرج جزء (۴) این ماده به اقداماتی متوسل گردد که حتی‌المقدور خطر متذکره مرفوع شده بتواند؛
۲. در صورتی که تثبیت هویت شخص به طریق دیگر ممکن نباش؛
۳. در صورتی که شخص قصد انتحار داشته باشد. در این صورت پولیس مکلف است شخص را در مدت مندرج جزء (۴) این ماده به نزدیک‌ترین شفاخانه محل انتقال دهد؛
۴. در سایر احوالی که قانون حکم نموده باشد. مدت دوام نظارت در حالات فوق از (۷۲) ساعت بیشتر بوده نمی‌تواند. پولیس مکلف است به مجرد تحت نظارت قرار دادن شخص، وی را از علت و موضوع آگاه سازد.

### تلاشی اشخاص

**ماده شانزدهم:** (۱) پولیس می‌تواند در احوال آتی به تلاشی شخص اقدام نماید:

۱. در صورتی که شخص مطابق حکم ماده پانزدهم این قانون گرفتار و تحت نظارت قرار داشته باشد؛
۲. در صورت موجودیت دلایل مبنی بر این امر که شخص گرفتار شده، اشیای قابل حفظ یا ضبط مندرج ماده نوزدهم این قانون را نزد خود داشته باشد؛
۳. در مورد تثبیت هویت شخصی که قادر به ارائه اسناد هویت نبوده، یا نخواهد اسناد مربوط را ارائه نماید؛
۴. در صورت موجودیت دلایل مبنی بر این امر که شخص اشیای و اجناسی را نزد خود دارد که باعث

تولید خطر شده و یا اینکه نگهداری آن غیر قانونی باشد؛

۵. در حالاتی که پولیس در باره هویت شخص متوقف شده، مشکوک باشد؛

۶. در سایر حالاتی که قانون حکم نموده باشد؛

(۲) تلاشی زن توسط پولیس زن و یا زنی که از طرف پولیس موظف گردیده باشد، صورت می‌گیرد.

### تلاشی اشیا

**ماده هفدهم:** پولیس می‌تواند در حالات آتی به تلاشی اشیا اقدام نماید:

۱. در صورتی که اشیا متعلق به شخصی باشد که مطابق حکم ماده پانزدهم این قانون، تحت نظارت قرار گیرد؛
۲. در صورتی که مقصد، دریافت شخص یا شیئی باشد که مطابق به احکام مواد پانزدهم و نوزدهم این قانون، تحت نظارت و ضبط قرار گرفته است؛
۳. سایر احوالی که قانون به تکمیل آن حکم نموده باشد.

### تلاشی منزل

**ماده هجدهم:** (۱) پولیس می‌تواند در احوال آتی به منزل شخص داخل و آن را تلاشی نماید:

۱. در صورتی که حیات شخص یا اشخاص در داخل منزل به خطر مواجه باشد؛
  ۲. در صورتی که منظور دریافت شخص یا شیئی باشد که مطابق به احکام مندرج این قانون تحت نظارت و حفاظت قرار می‌گیرد و قراینی دریافت گردد که شخص و یا شیئی مطلوب، در منزلی که تلاشی می‌گردد، موجود باشد؛
  ۳. سایر احوالی که قانون حکم نماید؛
- (۲) تلاشی منزل مندرج فقره (۱) این ماده مطابق طرز و شکلیاتی صورت گرفته می‌تواند که در قانون پیشبینی شده باشد.

### حفظ اشیا

**ماده نوزدهم:** (۱) پولی برای تأمین مقاصد آتی به حفظ اشیا اقدام می‌نماید:

۱. به منظور دفع خطر قریب‌الوقوع که نظم و امن عامه را تهدید نماید؛
۲. به منظور جلوگیری از اعمال مخل نظم و امن عامه، مشروط بر اینکه جلوگیری چنین اعمال به طریق دیگر ممکن نباشد؛
۳. اشیای شخصی که مطابق حکم ماده پانزدهم این قانون تحت نظارت قرار گرفته باشد، به منظور کشف حقیقت؛

(۲) پولیس در مورد حفظ اشیای مندرج فقره (۱) این ماده مکلف به رعایت مراتب ذیل می‌باشد:

۱. ابلاغ علت حفظ اشیا به مالک یا متصرف، مگر اینکه جریان تحقیق از اثر آن متأثر گردد. در این صورت نقل مصدق اشیای حفظ‌شده به مالک یا متصرف آن سپرده می‌شود؛
۲. نگهداری اشیای حفظ‌شده از خطر اتلاف؛
- (۳) هرگاه اشیای حفظ‌شده سریع‌الفساد بوده، نگهداشت آن فساد یا از بین رفتن شیئی گردد، در مورد طبق احکام قانون مربوط اجراءات صورت می‌گیرد.

### استفاده از وسایل مجبره

**ماده بیستم:** (۱) پولیس می‌تواند با رعایت احکام قانون حسب احوال از وسایل مجبره آتی استفاده

نماید:

۱. برخورد فیزیکی؛
۲. وسایل معاونه برخورد فیزیکی که شامل عراده‌جات پولیس، آپپاش، موانع تخنیکي، ولچک، سگ‌های تعلیمی و انواع اسلحه (ضربه، جارحه، ناربه و مواد منفلقه) می‌باشد؛
- (۲) پولیس مکلف است، حین استفاده از وسایل مجبره مدارجی را که در این قانون پیشبینی گردیده است، رعایت نموده، حتی‌المقدور از اخف آن کار گیرد.

#### استعمال وسایل مجبره

**ماده بیست و یکم:** (۱) پولیس می‌تواند بعد از ابلاغ تصمیم به جانب مقابل استعمال ولچک در موارد آتی متوسل گردد:

۱. دفع تعرض علیه پولیس و سایر اشخاص؛
۲. جلوگیری از فرار شخص دستگیرشده؛
۳. جلوگیری از انتحار؛
۴. دفع خطر از شخصی که می‌خواهد به نفس خود ضرر برساند؛
- (۲) پولیس می‌تواند، بعد از ابلاغ تصمیم به جانب مقابل، به استعمال اسلحه در موارد آتی متوسل گردد:

۱. به مقصد دفع جنایت یا جنحه، مشروط بر اینکه استفاده از سایر وسایل مجبره مندرج این قانون ممکن یا مؤثر نباشد؛
۲. به مقصد تثبیت هویت و گرفتاری شخص یا اشخاصی که اقدام به فرار نماید، مشروط به اینکه:
  - در حالت ارتکاب جنایت یا جنحه باشد؛
  - متهم به ارتکات جنایت یا جنحه بوده یا به جزای جنایت یا جنحه محکوم گردیده باشد؛
  - قرار این قاطعه مبنی بر مظنون بودن به ارتکاب جنایت نزد پولیس موجود باشد؛
  - مظنون یا متهم به جنایت یا جنحه بوده و امر توقیف وی از طرف خازنوالی یا محکمه مربوط صادر گردیده باشد؛
۳. به مقصد جلوگیری از تشبث به فرار توقیف‌شدگان یا محبوسین مشروط بر اینکه:
  - محبوس یا محبوسین، اسلحه یا وسیله خطرناک دیگری را به دست آورده و با وجود تقاضای مکرر موظفین پولیس، آن را تسلیم ننماید؛
  - امنیت محبس به اثر اخلال و تشنج شدیداً به خطر مواجه گردیده باشد؛
۴. نظم و امن عامه به خطر مواجه گردیده باشد؛
۵. در صورتی که قصد پولیس دفاع مشروع باشد.

(۳) پولیس می‌تواند، بعد از ابلاغ تصمیم به جانب مقابل، به استعمال مواد منفلقه در حالات آتی متوسل گردد:

۱. در صورتی که شخص یا اشخاص در مقابل پولیس از استعمال سلاح ناربه یا مواد منفلقه استفاده نماید؛
۲. در صورتی که دفع تعرض شخص یا اشخاص با استعمال سلاح ناربه به مقابل آنها، نتیجه مطلوب نداده باشد؛

۳. در صورتی که قصد پولیس، اقدام مؤثر برای از بین بردن اشیایی باشد که از آن خطر برای امنیت عامه متصور باشد.

#### ابلاغ استعمال سلاح

**ماده بیست و دوم:** (۱) پولیس در استعمال سلاح ناربه یا مواد منفلقه مکلف است، تصمیم مبنی بر استعمال سلاح ناربه یا مواد منفلقه علیه اشخاص را ابلاغ نماید. در این صورت، ابلاغ به اخطار شفوی به آواز بلند و سه فیر اخطاریه، مکمل شناخته می‌شود.

(۲) استعمال سلاح ناربه و مواد منفلقه در صورتی که ضرر آن به اشخاص غیر متصور باشد، جواز ندارد.

#### استعمال سلاح علیه اطفال

**ماده بیست و سوم:** پولیس نمی‌تواند سلاح ناربه و مواد منفلقه را علیه اطفال استعمال نماید.

#### استعمال سلاح علیه جمعیت

**ماده بیست و چهارم:** پولیس در صورتی می‌تواند سلاح ناربه یا مواد منفلقه را علیه جمعیت استفاده کند که جمعیت با استفاده از سلاح به اعمال تهاجمی مخل امنیت دست زده و استعمال سایر وسایل مجبره در مقابل آنها، طور منفرد مؤثر واقع شده نتواند. در این صورت، شرط است تا ابلاغ مشروط به استعمال سلاح ناربه یا مواد منفلقه حد اقل با سه بار اخطار شفوی و بعد سه فیر اخطاریه هوایی صورت گرفته، اقدام در حدود احکام قانون و معقول باشد.



۱۶ جوزا ۱۳۸۱



۱. وضع مصارف حفاظت.

۲. پرداخت (۴۰) فی صد پول ماحصل به یابنده.

#### حفظ اسرار

**ماده سی ام:** (۱) پولیس مکلف است، معلوماتی را که حین اجرای وظیفه یا به علت اجرای آن کسب نموده و افشای آن به حقوق و حیثیت اشخاص یا منافع عامه صدمه وارد نماید، حفظ کند. افشای این معلومات به جز از مواردی که قانون حکم نموده باشد، جواز ندارد. پولیس بعد از انفصال وظیفه نیز حق افشای معلومات متذکره را ندارد. در تمام حالات فوق، افشاکننده مطابق احکام قانون مورد تعقیب عدلی قرار می گیرد.

(۲) مسؤولین پولیس می توانند در مورد واقعات جنایی و اجراءات پولیس، مطابق احکام قانون با نمایندگان رسانه های همگانی مصاحبه نمایند.

#### منع تجارت و سوء استفاده از مسؤولیت

**ماده سی و یکم:** (۱) پولیس نمی تواند حین تصدی وظیفه به شغل تجارت مبادرت ورزد.

(۲) پولیس نمی تواند از صلاحیت وظیفوی در اجرای امور شخصی استفاده نماید.

#### وضع مقررہ

**ماده سی و دوم:** وزارت امور داخله می تواند به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون مقررہای را طرح و طی کند.

#### تعقیب عدلی

**ماده سی و سوم:** متخلف از احکام مندرج این قانون، مورد تعقیب عدلی قرار می گیرد.

#### تاریخ انفاذ

**ماده سی و چهارم:** این قانون بعد از نشر در جریده رسمی نافذ می گردد و با انفاذ آن، احکام قانون پولیس منتشره جریده رسمی شماره (۷۹۳)، مورخ (۲۰) جمادی الاول سال ۱۴۲۱ ه.ق، ملغی شناخته می شود.

## فصل چهارم احکام متفرقه

### مدت انتظار

**ماده بیست و پنجم:** پولیس می تواند، جهت کشف همه جانبه جرم و مجرم، مظنون گرفتار شده را برای مدت الی (۷۲) ساعت تحت نظارت قرار دهد.

### مطالبه همکاری

**ماده بیست و ششم:** پولیس مکلف است به منظور حمایه حقوق اشخاص در موارد آتی همکاری نماید:

۱. در صورتی که شخص همکاری پولیس را مطالبه نماید و در صورت عدم مداخله پولیس، احتمال اتلاف حق شخص موجود باشد؛
۲. در صورتی که شخص قادر به حمایت حقوق خود نباشد.

### عدم مداخله در وظایف پولیس

**ماده بیست و هفتم:** ادارات دولتی و غیردولتی نمی توانند بدون موافقه رسمی پولیس به عملی اقدام نمایند که شامل وظایف مندرج این قانون باشد. حالات خاص از این امر مستثنی می باشد.

### منع گشت و گذار

**ماده بیست و هشتم:** اداره پولیس می تواند از طریق ولایت مربوط به موافقه وزارت امور داخله، در حالاتی که نظم و امن عامه به خطر مواجه باشد، قیود مبنی بر گشت و گذار مردم را در ساحه معین برای مدت الی ۴۸ ساعت، وضع نماید. تمدید این مدت برای ۴۸ ساعت دیگر به موافقه لوی حارنوال و بیشتر از آن به منظوری رئیس جمهور صورت گرفته می تواند.

### اموال یافت شده

**ماده بیست و نهم:** (۱) پولیس در مورد اموال یافت شده اجراءات ذیل را انجام می دهد:

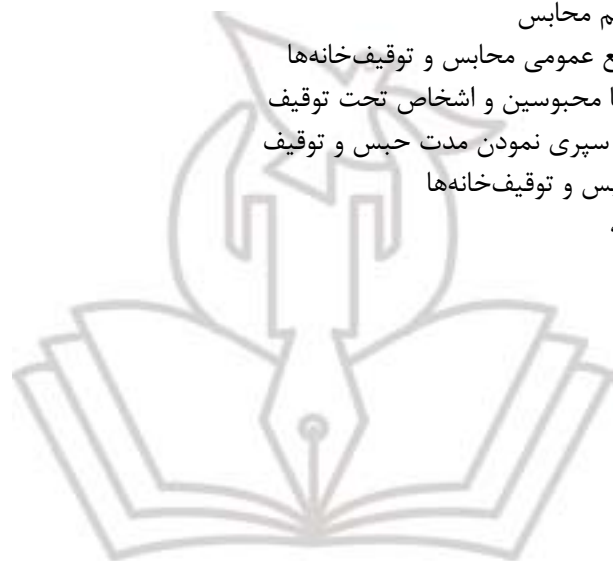
۱. اموال یافت شده را حفظ و به اسم و آدرس یابنده ثبت می نماید؛
۲. نوع اموال یافت شده را در یکی از رسانه های همگانی اعلان می نماید؛
۳. در صورت مراجعه مالک اموال، هویت و ملکیت او را تثبیت و اموال را در مقابل رسید به وی تسلیم می نماید؛

۴. هرگاه مالک اموال در خلال شش ماه بعد از اعلان مراجعه ننماید، به پیشنهاد اداره پولیس و قرار محکمه ذی صلاح، اموال طور مزایده به فروش رسیده، پول آن به حساب واردات دولت تحویل می گردد. کارکنان اداره پولیس نمی توانند در مزایده فروش اموال یافت شده اشتراک نمایند؛

(۲) پولیس در مورد ماحصل مال، مراتب آتی را رعایت می نماید:

فهرست

صفحه	عنوان
۱۱۲	فصل اول: احکام عمومی
۱۱۴	فصل دوم: محلات سلب آزادی
۱۱۶	فصل سوم: تشکیل و تنظیم محابس
۱۱۹	فصل چهارم: شرایط و وضع عمومی محابس و توقیف‌خانه‌ها
۱۲۱	فصل پنجم: طرز برخورد با محبوسین و اشخاص تحت توقیف
۱۲۴	فصل ششم: طرز و شرایط سپری نمودن مدت حبس و توقیف
۱۲۷	فصل هفتم: نظارت از محابس و توقیف‌خانه‌ها
۱۲۸	فصل هشتم: احکام متفرقه



۱۶ جوزا ۱۳۸۱

## قانون محابس و توقیف‌خانه‌ها

ادارات محابس و توقیف‌خانه‌ها مکلف‌اند، کتابخانه‌های مجهز را تأسیس و زمینه مطالعه، عبادت، کار، تعلیم و تربیه، آموزش حرفوی، فعالیت‌های تفریحی و فرهنگی و سایر سهولت‌های لازم را برای محبوسین و اشخاص تحت توقیف فراهم نمایند.

ماده بیست و هشتم



۱۶ جوزا ۱۳۸۱

احتمالی تدابیر احتیاطی مندرج فقره (۱) این ماده را اتخاذ و در مدت (۲۴) ساعت تأیید رئیس عمومی محابس و وزیر عدلیه را رسماً در زمینه اخذ نمایند و به والی گزارش دهند.

(۳) آمرین محابس و توقیف‌خانه‌ها مکلف‌اند، از اجراءات مندرج فقره‌های (۱ و ۲) این ماده به سارنوالی مربوط نیز اطلاع دهند.

(۴) در صورت رفع حالت مندرج فقره (۱) این ماده، حقوق و آزادی‌های مندرج این قانون به محبوس یا شخص تحت توقیف اعاده می‌گردد.

#### برخورد با محبوسین:

**ماده پنجم:** (۱) کارکنان محابس مکلف‌اند با محبوسین طوری برخورد مناسب نمایند که بعد از رهایی، ایشان به حیث شهروندان تابع قانون وارد جامعه گردند.

(۲) مسؤولین محابس و توقیف‌خانه‌ها مکلف‌اند به منظور استفاده بهتر محبوسین و اشخاص تحت توقیف از حقوق قانونی، آنها را به گروه‌های جداگانه نظر به نوعیت جرم، خصوصیات، عادات و احساس مشترک تقسیم نمایند.

(۳) مسؤولین توقیف‌خانه‌ها مکلف‌اند تسهیلات لازم تربیوی و زمینه اشتغال به کارهای جسمانی را به متهمینی که انتظار محاکمه را دارند، فراهم کنند.



## فصل اول احکام عمومی

### هدف:

**ماده اول:** (۱) این قانون به منظور تأمین حقوق محبوسین و اشخاص تحت توقیف و طرز برخورد با آنها در محابس و توقیف‌خانه‌ها وضع گردیده است.

(۲) تطبیق حکم حبس در محابس تنها به منظور اصلاح و آماده ساختن محبوسین به رعایت و احترام قوانین و معیارهای زندگی اجتماعی، اخلاق انسانی، کار مفید اجتماعی و عدم رجوع به ارتکاب جرم صورت می‌گیرد.

### سلب آزادی:

**ماده دوم:** (۱) سلب آزادی متهم در توقیف‌خانه، مطابق احکام قانون تنها بر اساس قرار سارنوال و حکم محکمه صورت می‌گیرد.

(۲) تطبیق جزای حبس در محابس بر اساس حکم نهایی محکمه صورت می‌گیرد.

(۳) وزارت عدلیه مرجع تطبیق قرارها و احکام مندرج فقره‌های (۱ و ۲) این ماده می‌باشد.

### رعایت حقوق بشر:

**ماده سوم:** (۱) کارکنان محابس و توقیف‌خانه‌ها، سارنوالان، قضات و سایر اشخاصی که به نحوی از انحا با محبوسین و اشخاص تحت توقیف سرو کار دارند، مکلف‌اند حین اجرای وظایف، با محبوسین و اشخاص تحت توقیف، حقوق بشر را رعایت نموده، با آنها بدون در نظر داشت قوم، تابعیت، مذهب، دین، نژاد، رنگ، جنس (زن و مرد) زبان، موقف اجتماعی یا سیاسی و سایر ملاحظات تبعیضی، طور بی‌طرفانه برخورد نمایند.

(۲) شرایط معیشتی محبوسین و اشخاص تحت توقیف از طرف ادارات محابس و توقیف‌خانه‌ها طوری فراهم می‌شود که تأثیرات جانبدارانه نداشته باشد و باعث ضیاع حقوق و جلوگیری آزادی آنها در محبس و توقیف‌خانه نگردد.

### محدودیت حقوق:

**ماده چهارم:** (۱) حقوقی که مطابق احکام این قانون برای محبوسین و اشخاص تحت توقیف پیش‌بینی گردیده است از طرف آمرین محابس و توقیف‌خانه‌ها محدود یا سلب شده نمی‌تواند، مگر اینکه نظم، دسپلین و امنیت محبس یا توقیف‌خانه در خطر باشد. در این صورت وزیر عدلیه می‌تواند این حقوق را قسماً برای مدت موقت محدود نماید. دلایل محدودیت حقوق در فایل‌های مربوط درج می‌گردد.

(۲) آمرین محابس و توقیف‌خانه‌ها می‌توانند در حالات استثنایی، به منظور جلوگیری از خطرات

مندرج فقره (۱) این ماده در بخشی از محبس و توقیف‌خانه‌ای که امنیت خوب‌تر داشته باشد، نگهداری می‌شوند.

#### محبوسین معلول و مریض:

ماده یازدهم: محبوسین و اشخاص تحت توقیف مصاب به امراض روانی و جسمی، زنان باردار و معلولین در مراکز صحتی محابس و توقیف‌خانه‌ها نگهداری می‌شوند. در صورت عدم موجودیت مراکز صحتی، چنین اشخاص در قسمت‌های خاص صحتی آن نگهداری می‌شوند.



## فصل دوم محلات سلب آزادی

### مفهوم محلات سلب آزادی:

ماده ششم: محلات سلب آزادی به مفهوم این قانون عبارت‌اند از:

۱- محبس

۲- توقیف‌خانه

### تعریف محلات سلب آزادی:

ماده هفتم: (۱) توقیف‌خانه: محلی است که اشخاص متهم در حال انتظار محاکمه در آن نگهداری می‌شوند.

(۲) محبس: محلی است که در آن اشخاصی که به حکم نهایی محکمه محکوم‌علیه قرار گرفته‌اند، نگهداری می‌شوند.

### نظارت و توقیف اشخاص در داخل محبس:

ماده هشتم: (۱) هرگاه نظارت یا توقیف مظنونین و متهمین بنا بر عوامل امنیتی و مشکلات نظم و دسپلین در نظارتخانه یا توقیف‌خانه ممکن نباشد، چنین اشخاص به اساس پیشنهاد پولیس یا سارنوال با رعایت حکم مندرج ماده نهم این قانون در محابس نگهداری شده می‌توانند.

(۲) مسؤولین محابس مکلف‌اند، اشخاص مندرج فقره (۱) این ماده را جدا از محبوسین نگهداری نمایند.

### جدایی محابس و توقیف‌خانه‌های زنان و مردان:

ماده نهم: (۱) محابس و توقیف‌خانه‌های زنان از مردان جدا می‌باشد.

(۳) محبوسین و متهمینی که سن ایشان از (۱۸) سال بالاتر و از (۲۵) سال کمتر باشد، در محابس و توقیف‌خانه‌های جداگانه نگهداری می‌شوند، در صورت عدم امکان، چنین اشخاص در بخش‌های جداگانه محابس و توقیف‌خانه‌ها نگهداری می‌شوند.

(۴) احکام مندرج فقره‌های (۱) و (۲) این ماده در مورد جدا نگهداشتن اطفال و نوجوانان از بزرگسالان نیز قابل رعایت می‌باشد.

### رعایت نظم و امنیت:

ماده دهم: (۱) در صورتی که محبوسین و متهمین نسبت سلوک و روش نادرست، سبب بروز مشکلات برای سایر محبوسین و متهمین و اداره محابس و توقیف‌خانه‌ها گردند، ایشان در محابس و توقیف‌خانه‌های دارای امنیت خوب‌تر (رژیم خاص) نگهداری می‌شوند.

(۲) هرگاه محابس و توقیف‌خانه‌های دارای امنیت خوب‌تر وجود نداشته باشد، محبوسین و متهمین

جلسات فوق‌العاده به اثر تصمیم رئیس شورا یا پیشنهاد یک‌ثلث اعضاء دایر شده می‌تواند.

(۲) جلسات شورای عالی در غیاب وزیر عدلیه تحت ریاست معین وزارت عدلیه دایر می‌گردد.

#### پیشنهاد تعدیل قانون و وضع مقررہ:

ماده شانزدهم: (۱) شورای عالی می‌تواند تعدیلات لازم را در این قانون پیشنهاد نماید.

(۲) شورای عالی به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون، مقررہ‌ها را پیشنهاد و لوایح و طرز‌العمل‌ها را وضع و تصویب می‌نماید.

#### اداره مرکزی:

ماده هفدهم: (۱) ریاست عمومی محابس و توقیف‌خانه‌ها اداره مرکزی تنظیم کلیه امور محابس و توقیف‌خانه‌ها بوده، از تأسیسات مربوط آنها مراقبت می‌نماید.

(۲) ریاست عمومی محابس و توقیف‌خانه‌ها جزء تشکیل وزارت عدلیه بوده، وظایف خویش را مطابق احکام این قانون، مقررہ، طرز‌العمل و لوایح مربوط و هدایات شورای عالی محابس و توقیف‌خانه‌ها انجام می‌دهد.

#### پولیس محابس:

ماده هجدهم: (۱) پولیس محابس و توقیف‌خانه‌ها تابع وزارت عدلیه و مسؤول نظم و امنیت داخلی و خارجی محابس و توقیف‌خانه‌ها می‌باشند.

(۲) پولیس محابس و توقیف‌خانه‌ها مکلف‌اند امنیت خارجی تأسیسات محابس و توقیف‌خانه‌های مربوط را الی فاصله پنجم متر تأمین نمایند مشروط به اینکه داخل ساحه امنیتی پولیس نباشد.

(۳) پولیس محابس و توقیف‌خانه‌ها حق ندارند، حین اجرای وظیفه در داخل محبس و توقیف‌خانه‌ها با خود اسلحه حمل نمایند. آرمین محابس و توقیف‌خانه‌ها می‌توانند در حالات استثنایی و خطرناک حمل اسلحه را اجازه داده، در زمینه راپور آن را با ذکر دلایل به ریاست عمومی محابس و توقیف‌خانه‌ها ارائه نمایند.

(۴) استخدام، تبدیل، ترفیع، تقاعد، رخصتی، مریضی و سایر امور ذاتی پولیس محابس و توقیف‌خانه‌ها الی انفاذ سند تقنینی خاص آن تابع قانون امور ذاتی افسران می‌باشد.

(۵) در محابس زنانه پولیس زنانه استخدام می‌گردد.

#### سایر موظفین:

ماده نوزدهم: (۱) محابس و توقیف‌خانه‌ها دارای مأمورین ملکی اداری، مبصرین و کارکنان خدمات اجتماعی می‌باشد که وظایف خویش را مطابق لایحه مربوط انجام می‌دهند.

(۲) وزارت‌های معارف، کار و امور اجتماعی، صحت و امور زنان هر یک در قسمت خویش مکلف‌اند در رابطه به توظیف کارکنان مندرج فقره (۱) این ماده با وزارت عدلیه همکاری نمایند.

#### نگهداری مظنونین، متهمین و محبوسین:

ماده بیستم: (۱) مظنونین و متهمین در توقیف‌خانه‌های ولسوالی و یا ولایتی نگهداری می‌شوند که قضایای‌شان تحت رسیدگی عدلی قرار دارند.

(۲) اشخاص محکوم به حبس در محابس نگهداری می‌شوند که به محل سکونت فامیل‌های‌شان نزدیک باشند.

(۳) مسؤولین محابس و توقیف‌خانه‌ها، اشخاص مندرج فقره‌های (۱ و ۲) این ماده را با نظر داشت

## فصل سوم تشکیل و تنظیم محابس

### موقعیت ساحوی محابس:

ماده دوازدهم: (۱) در مرکز هر ولایت یک، یک باب محبس و توقیف‌خانه مردانه و زنانه به صورت جداگانه تأسیس و اعمار می‌گردد.

(۲) در مرکز هر ولسوالی یک باب توقیف‌خانه تأسیس می‌گردد.

(۳) تأسیس، تقسیم‌بندی و مسدود ساختن محابس از صلاحیت وزارت عدلیه می‌باشد.

### شورای عالی محابس:

ماده سیزدهم: به منظور تنظیم مؤثر فعالیت‌های مربوط محابس و توقیف‌خانه‌ها، رهبری امور آن و هماهنگ ساختن فعالیت‌های وزارت‌ها و ادارات ذی‌ربط در زمینه، شورای عالی محابس و توقیف‌خانه‌ها به ترکیب ذیل تشکیل می‌گردد:

۱- وزیر عدلیه به حیث رئیس.

۲- معاون لوی‌سارنوال به حیث عضو.

۳- نماینده باصلاحیت ستره‌محکمه به حیث عضو.

۴- معین وزارت امور داخله به حیث عضو.

۵- معین وزارت صحت عامه به حیث عضو.

۶- معین وزارت معارف به حیث عضو.

۷- معین وزارت کار و امور اجتماعی به حیث عضو.

۸- معین وزارت امور زنان به حیث عضو.

۹- معاون ریاست عمومی امنیت ملی به حیث عضو.

۱۰- نماینده کمیسیون مستقل حقوق بشر به حیث عضو.

۱۱- یک نماینده از جامعه مدنی به تشخیص وزیر عدلیه به حیث عضو.

۱۲- رئیس عمومی محابس و توقیف‌خانه‌ها به حیث منشی.

### رهبری امور محابس:

ماده چهاردهم: شورای عالی محابس و توقیف‌خانه‌ها رهبری کلیه امور محابس و توقیف‌خانه‌ها را در سطح کشور به عهده دارد.

### برگزاری جلسات:

ماده پانزدهم: (۱) شورای عالی محابس و توقیف‌خانه‌ها به صورت عادی در هر سه‌ماه یک‌بار تشکیل جلسه می‌دهد.

احکام قانون تنها به رؤیت اسناد رسمی پذیرفته می‌توانند.  
(۴) متهمی که دوسیه نسبتی اش طبق حکم مندرج فقره (۳) ماده ششم قانون اجراءات جزایی موقت برای محاکم در مدت معینه تکمیل شده نتواند، اداره محبس و یا توقیف‌خانه مکلف است پانزده روز قبل از ختم میعاد معینه به سارنوالی و محکمه مربوطه از تکمیل مدت متذکره کتباً اطلاع دهند. در صورت عدم ارائه جواب، اداره محبس و یا توقیف‌خانه، شخص محبوس یا توقیف‌شده را رها می‌نماید.

#### تبدیل محل حبس:

**ماده بیست و یکم:** مدت حبس محکوم‌بها در یک محبس سپری می‌گردد. در صورتی که فامیل محبوس از یک محل به محل دیگری طور دائمی نقل مکان نماید، در این صورت انتقال محبوس به استثنای حکم مندرج ماده دهم این قانون تنها به اجازه وزیر عدلیه صورت می‌گیرد.

#### نظارت از تطبیق قوانین:

**ماده بیست و دوم:** نظارت از رعایت یکسان قوانین و برخورد مساویانه و مناسب با محبوسین و اشخاص تحت توقیف در محابس و توقیف‌خانه‌ها توسط اداره سارنوالی مربوط صورت می‌گیرد. ادارات محابس و توقیف‌خانه‌ها مکلف‌اند تمام مطالبات سارنوال مبنی بر رعایت احکام قوانین را در اجراءات مربوط عملی نمایند.



## فصل چهارم شرایط و وضع عمومی محابس و توقیف‌خانه‌ها

### خصوصیات ساختمان:

**ماده بیست و سوم:** (۱) محابس و توقیف‌خانه‌ها با رعایت ارزشهای اسلامی و اصول و شرایط معیاری سازمان ملل متحد اعمار می‌گردد.

(۲) وزارت عدلیه مکلف است، ساختمان‌های موجود محابس و توقیف‌خانه‌ها را با رعایت ارزش‌های اسلامی، اصول و شرایط معیاری سازمان ملل متحد عیار نماید.

### خصوصیات معیشت:

**ماده بیست و چهارم:** (۱) ادارات محابس و توقیف‌خانه‌ها مکلف‌اند محابس و توقیف‌خانه‌ها را با وسایل صحی مناسب مجهز و محیط آن را به صورت درست و نظیف نگهداری نمایند.

(۲) ادارات محابس و توقیف‌خانه‌ها برای هر محبوس و شخص تحت توقیف چپرکت و بستر خواب جداگانه را تهیه می‌نمایند.

(۳) وزارت عدلیه به همکاری وزارت صحت در مورد مساحت محل بود و باش، اندازه روشنی اتاق و امور مربوط به تهویه محابس و توقیف‌خانه‌ها تدابیر لازم را اتخاذ می‌نمایند.

### تغذیه:

**ماده بیست و پنجم:** (۱) ادارات محابس و توقیف‌خانه‌ها برای محبوسین و اشخاص تحت توقیف با در نظر داشت سن، حالت صحی به خصوص حالت بارداری و ولادت، کار و موسم، آب و غذای صحی و مناسب تهیه می‌نمایند.

(۲) کمیت و کیفیت غذا توسط وزارت صحت عامه نظارت گردیده و مطابق مینوی منظور شده از طرف شورای وزیران تثبیت می‌گردد.

### تمرینات ورزشی:

**ماده بیست و ششم:** محبوسین حق دارند روزانه برای مدت که حداقل دو ساعت در فضای آزاد گشت و گذار نموده یا تمرینات سپورتی را اجراء نمایند. آمر محبس می‌تواند این مدت را در حالات خاص و استثنایی برای مدت که کمتر از یک‌ساعت نباشد، کاهش دهد. در این صورت آمر محبس مکلف است از اجراءات خویش سارنوالی مربوط را مطلع سازد.

### خدمات صحی:

**ماده بیست و هفتم:** (۱) ادارات محابس و توقیف‌خانه‌ها مکلف‌اند برای محبوسین و اشخاص تحت توقیف خدمات صحی رایگان را به همکاری وزارت صحت عامه فراهم نمایند.

(۲) در صورتی که تداوی و معالجه محبوس یا تحت توقیف مریض در مرکز صحتی داخل محبس یا توقیف‌خانه ناممکن باشد آمر محبس یا توقیف‌خانه می‌تواند به اساس پیشنهاد داکتر موظف، مریض را به شفاخانه مناسب خارج از محبس یا توقیف‌خانه انتقال و سارنوالی مربوط را از اجراءات خویش مطلع سازد.

آمر محبس یا توقیف‌خانه مکلف است با همکاری قوماندانی امنیه تدابیر لازم احتیاطی را غرض تأمین امنیت وی فراهم نماید.

(۳) داکتر موظف قواعد صحتی و حفظ‌الصحة، غذای روزمره را کنترل و حداقل دوبرار در هفته اتاق‌های بود و باش و خدمات محبوسین و اشخاص تحت توقیف را معاینه نماید.

(۴) محبوسین و اشخاص تحت توقیف مشکوک از لحاظ صحتی یا مبتلا به امراض ساری، در قسمت‌های خاص و جداگانه محابس و توقیف‌خانه‌ها نگهداری می‌شوند.

#### کار، تعلیم و تربیه:

**ماده بیست و هشتم:** ادارات محابس و توقیف‌خانه‌ها مکلف‌اند، کتابخانه‌های مجهز را تأسیس و زمینه مطالعه، عبادت، کار، تعلیم و تربیه، آموزش حرفوی، فعالیت‌های تفریحی و فرهنگی و سایر سهولت‌های لازم را برای محبوسین و اشخاص تحت توقیف فراهم نمایند.



### فصل پنجم

## طرز برخورد با محبوسین و اشخاص تحت توقیف

#### ترتیب دوسیه برای محبوسین و اشخاص تحت توقیف:

**ماده بیست و نهم:** (۱) برای محبوسین و اشخاص تحت توقیف دوسیه ترتیب می‌شود که در آن سوابق شخص، موقف قانونی، معاینات و سوابق صحتی و تمامی معلومات مربوط درج می‌گردد.

(۲) موظفین محابس و توقیف‌خانه‌ها مکلف‌اند حین دخول محکوم و متهم به محبس و توقیف‌خانه، غرض ارزیابی مقدماتی در مورد شخصیت، طرز تفکر و مشکلات با وی مصاحبه نمایند.

(۳) محبوس یا متهم به اساس ارزیابی مندرج فقره (۱) این ماده تعیین‌گروپ گردیده و حقایق به دست آمده در دوسیه مربوط وی درج می‌گردد.

#### نقش جامعه مدنی:

**ماده سی‌ام:** (۱) مؤسسات غیرحکومتی و سازمان‌های اجتماعی‌ای که مصروف انجام خدمات اجتماعی‌اند، می‌توانند در که داخل محابس و توقیف‌خانه‌ها فعالیت نمایند، مشروط بر اینکه به نفع محبوسین و اشخاص تحت توقیف بوده، مخالف احکام و عقاید دین مبین اسلام نباشد و اجازه قبلی وزارت عدلیه را حاصل نموده باشند.

(۲) طرز فعالیت مؤسسات مندرج فقره (۱) این ماده از طرف آمرین محابس و توقیف‌خانه‌ها، بعد از مشوره با سارنوالی مربوط تعیین می‌گردد.

#### ارتباط با فامیل:

**ماده سی و یکم:** (۱) محبوسین و اشخاص تحت توقیف حق دارند در محلات خاص تحت کنترل موظفین از طریق ملاقات‌ها، پست و سایر وسایلی که نظم را برهم نزنند، با فامیل خویش در تماس باشند.

(۲) موظفین محابس و توقیف‌خانه‌ها می‌توانند، ملاقات‌های اشخاص مندرج فقره (۱) این ماده را تنها از طریق دیدن مراقبت نمایند طوری که خلاف شرع نباشد و مراسلات ایشان را نیز از نظر بگذرانند.

(۳) آمرین محابس و توقیف‌خانه‌ها می‌توانند، به اساس اجازه کتبی سارنوال یا محکمه مربوط، مراسلات و مکاتبات محبوسین و اشخاص تحت توقیف را کنترل نموده، مورد بازرسی قرار دهند.

#### تعلیم و آموزش حرفوی:

**ماده سی و دوم:** ادارات محابس مکلف‌اند، مطابق پروگرام‌های منظور شده وزارت معارف برای محبوسین، با نظر داشت احوال شخصی آنها، کورس‌های آموزشی تربیوی و حرفوی را به سطح ابتدایی و عالی تنظیم نمایند.

**کار:**

**ماده سی و سوم:** (۱) ادارات محابس می‌توانند فعالیت‌های صنعتی و زراعتی محابس مربوط را از طریق تصدی‌های دولتی و شرکت‌های خصوصی تنظیم نمایند. ساعات کار و رخصتی‌ها مطابق احکام قانون کار عیار می‌گردد.

(۲) محبوسین زراعت پیشه، هنرپیشه و صنعت کار از سایر کارهای معمولی معاف بوده، می‌توانند مطابق حرفه و شغل، کارهای مربوط را انجام دهند.

(۳) محبوسین حق دارند در مقابل کار حق‌الزحمه دریافت نمایند. اندازه حق‌الزحمه از طرف شورای عالی محابس تعیین و تثبیت می‌گردد.

**ادای مناسک دینی و مذهبی:**

**ماده سی و چهارم:** محبوسین و اشخاص تحت توقیف حق دارند، عبادات و مناسک دینی و مذهبی را با رعایت حقوق دیگران، آزادانه اداء و تعلیمات دینی خویش را کسب نمایند.

**مفاهمه ضروری در حالات خاص:**

**ماده سی و پنجم:** (۱) محبوسین و اشخاص تحت توقیف حق دارند از دخول یا انتقال شان به محابس و توقیف‌خانه‌ها، به اقارب مربوط اطلاع دهند.

(۲) مسؤولین محابس و توقیف‌خانه‌ها مکلف‌اند، در صورت دریافت اطلاع، به محبوسین و اشخاص تحت توقیف از وفات و یا مریضی خطرناک اقارب شان بلافاصله اطلاع دهند. اقارب بدین منظور عبارتند از زوج، زوجه، پدر، مادر، فرزند، برادر، خواهر، پدرکلان، مادرکلان، نواسه، خسر و خشو.

(۳) مسؤولین محابس و توقیف‌خانه‌ها مکلف‌اند، از فوت یا مریضی خطرناک محبوسین و اشخاص تحت توقیف به اقارب آنها که خود معرفی نموده‌اند، بلافاصله اطلاع دهند.

**تدفین:**

**ماده سی و ششم:** هرگاه محبوس یا شخص تحت توقیف فوت گردد، جسد میت به اقارب اش تسلیم داده می‌شود در صورت عدم موجودیت اقارب یا امتناع آنها از تسلیمی، بعد از معاینه طب عدلی، میت توسط اداره محبس تکفین و تدفین گردیده و مصارف از طرف ادارات محابس و توقیف‌خانه‌های مربوط پرداخته می‌شود.

**رخصتی:**

**ماده سی و هفتم:** (۱) به منظور حفظ بهتر روابط فامیلی محبوسین با فامیل و محیط بیرون از محبس و تأمین احساس تابعیت از قانون در داخل و خارج محبس برای محبوسین با درنظرداشت حالات الی مدت بیست روز رخصت داده می‌شود. محکومین جرم جنایت از این حکم مستثنی می‌باشد.

طرز استفاده از این رخصتی توسط لایحه جداگانه تنظیم می‌گردد.

(۲) در حالات مندرج فقره (۲) ماده سی و پنجم این قانون، سارنوال مربوط صلاحیت دارد به اساس پیشنهاد آمر محبس، برای محبوسین غرض عیادت یا تکفین و تدفین الی مدت هفت روز اجازه رفتن به خانه را بدهد. طرز استفاده از این اجازه از طرف سارنوال مشخص می‌گردد.

(۳) در صورت تخطی محبوس حین استفاده از حدود رخصتی مندرج فقره (۲) این ماده که توسط سارنوال مشخص گردیده است، مسؤولین محابس صلاحیت دارند، اجازه را لغو و از موضوع به سارنوال

مربوط اطلاع بدهند.

(۴) مدت رخصتی‌های مندرج فقره‌های (۱) و (۲) این ماده در دوره حبس محاسبه می‌گردد.

**دخول به محابس و توقیف‌خانه‌ها:**

**ماده سی و هشتم:** (۱) به استثنای مسؤولین و موظفین مربوط هیچ شخص نمی‌تواند بدون اجازه وزارت عدلیه به محابس و توقیف‌خانه‌ها داخل شود.

(۲) اشخاص ذیل می‌توانند بدون اخذ اجازه قبلی به محابس و توقیف‌خانه‌ها داخل شوند:

۱- رئیس جمهور، معاونین وی و اعضای کابینه.

۲- اعضای ستره‌محکمه مندرج ماده یکصد و هفدهم قانون اساسی.

۳- رؤسای مجلسین شورای ملی و معاونین آنها.

۴- اعضای شورای ملی و والیبیان به محابس ولایت مربوطشان.

۵- لوی‌سارنوال.

۶- رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان.

۷- اعضای شورای عالی محابس و توقیف‌خانه‌ها.





نمایند، با نظر داشت حالات از طرف مسؤولین محابس و توقیف‌خانه‌ها ذیلاً تأدیب می‌گردند:

- ۱- هشدار به شکل انفرادی.
  - ۲- هشدار در محضر عام.
  - ۳- محروم نمودن از کار و سایر فعالیت‌های معمولی حداکثر الی مدت پانزده روز.
  - ۴- لغو اجازه رخصتی.
- (۲) زن‌های حامله و مادران شیرده صرف با نظر داشت احکام مندرج اجزاء (۱ و ۲) فقره (۱) این ماده تأدیب می‌گردند.
- (۳) مدت تأدیب مندرج اجزاء (۳ و ۴) فقره (۱) این ماده در مورد زنها و مردهایی که بین سن (۱۸ الی ۲۵) سالگی قرار دارند، از نصف بیشتر بوده نمی‌تواند.

#### تفید مکافات و تأدیب:

- ماده چهل و چهارم:** (۱) اعطاء مکافات و تطبیق تأدیب از طرف آمرین محابس و توقیف‌خانه‌ها صورت می‌گیرد.
- (۲) مکافات و تأدیب مندرج مواد چهل و دوم و چهل و سوم این قانون در دوسیه‌های مربوط محبوسین و اشخاص تحت توقیف درج می‌گردد.

#### شکایات:

- ماده چهل و پنجم:** (۱) محبوسین و اشخاص تحت توقیف حق دارند، به آمرین محابس و توقیف‌خانه‌ها، رئیس عمومی محابس، سارنوال، وزیر عدلیه، کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان و شورای ملی شکایات شفاهی و کتبی خویش را تقدیم نمایند.
- شکایات کتبی قبل از رسیدگی در دفتر مربوط ثبت می‌گردد.
- (۲) شکایات و عرایضی که به سارنوالی، محاکم یا سایر ادارات دولتی راجع است، توسط اداره محبس و توقیف‌خانه در مدت (۲۴) ساعت طور محرمانه به مراجع مربوط ارسال می‌گردد.
- (۳) مراجع مندرج فقره‌های (۱ و ۲) این ماده مکلف‌اند، در مورد رفع شکایات در حدود احکام قانون تصامیم لازم اتخاذ نمایند.

#### استعمال قوه:

- ماده چهل و ششم:** (۱) استعمال قوه فزیکه علیه محبوسین یا اشخاص تحت توقیف جواز ندارد، مگر اینکه محبوس یا شخص تحت توقیف در حالت فرار، مقاومت یا تجاوز بر دیگران بوده و یا هم موجب بی‌نظمی گردد که جلوگیری از آن به طریق دیگری ممکن نباشد.
- (۲) در صورت استعمال قوه فزیکه، موظفین مربوط مکلف‌اند، موضوع را به آمرین محبس و توقیف‌خانه اطلاع دهند.
- آمرین محبس و توقیف‌خانه غرض تثبیت حقایق مکلف‌اند، بلافاصله موضوع را بررسی نموده، نتایج بررسی را به ریاست عمومی محابس کتباً اطلاع دهند.
- (۳) حالات استعمال قوه فزیکه در لایحه جداگانه مشخص می‌گردد.

#### انتقال:

- ماده چهل و هفتم:** (۱) محبوسین و اشخاص تحت توقیف بنا بر دلایل امنیتی، محاکمه و معاذیر صحتی از یک محبس و توقیف‌خانه به محبس و توقیف‌خانه دیگر توسط پولیس محابس انتقال داده

## فصل ششم

### طرز و شرایط سپری نمودن مدت حبس و توقیف

#### مکلفیت‌های محبوسین و اشخاص تحت توقیف:

- ماده سی و نهم:** (۱) محبوسین و اشخاص تحت توقیف مکلف‌اند، نظم و انضباط داخلی محابس و توقیف‌خانه‌ها را، طبق لوایح مربوط رعایت نمایند.
- (۲) محبوسین و اشخاص تحت توقیف که با عمل خویش به دارایی منقول یا غیر منقول دولت عمداً خسارت وارد نمایند، مکلف‌اند آن را جبران نمایند.
- (۳) حجم خساره وارده و ضرر جبران آن توسط هیئت فنی تعیین و به اطلاع محبوس یا شخص تحت توقیف رسانیده می‌شود. در صورتی که خساره طور رضاکارانه جبران نگردد، محکمه در مورد تصمیم مقتضی اتخاذ می‌نماید.

#### جدا نگهداشتن (قرنطین) دوامدار:

- ماده چهلم:** محبوسین و اشخاص تحت توقیف در حالات ذیل، از سایر محبوسین و اشخاص تحت توقیف طور دوامدار در محلات جداگانه نگهداری می‌شوند:
- ۱- در صورت موجودیت معاذیر صحتی دایمی.
  - ۲- در صورت آشوبگری دوامدار، که مانع اجراءات قانونی کارکنان محابس و توقیف‌خانه‌ها گردد.
  - ۳- در صورتی که شخص توقیف‌شده تحت استنطاق قرار داشته باشد.
  - ۴- سایر حالاتی که در لوایح مربوط پیشبینی گردیده است.

#### تلاشی:

- ماده چهل و یکم:** (۱) مسؤولین محابس و توقیف‌خانه‌ها صلاحیت دارند، محبوسین و اشخاص تحت توقیف را به طوری که وقار و حیثیت آنها مورد لطمه واقع نگردد، تلاشی نمایند.
- (۲) تلاشی مرد توسط مسؤولین مرد و تلاشی زن توسط مسؤولین زن صورت می‌گیرد.

#### مکافات:

- ماده چهل و دوم:** (۱) محبوسین و اشخاص تحت توقیف که نظم و دسپلین مربوط را به صورت درست رعایت نموده و رویه نیک از خود تبارز دهند، با نظر داشت حالات از طرف مسؤولین محابس و توقیف‌خانه‌ها، با اعطاء مکافات تشویق می‌گردند.
- (۲) انواع و حالات مکافات توسط لایحه جداگانه تنظیم می‌گردد.

#### تأدیب:

- ماده چهل و سوم:** (۱) محبوسین و اشخاص تحت توقیف که نظم و دسپلین مربوط را رعایت

شده می‌توانند.

(۲) انتقال محبوسین یا اشخاص تحت توقیف مرد توسط پولیس مرد و انتقال محبوسین زن توسط پولیس زن صورت می‌گیرد.

#### انتقال تحت مراقبت:

ماده چهل و هشتم: (۱) محبوسین و اشخاص تحت توقیف مندرج ماده چهل و هفتم این قانون طبق لایحه مربوط پولیس محابس تحت مراقبت خاص انتقال می‌گردند.

(۲) طرز انتقال تحت مراقبت خاص توسط لایحه جداگانه تنظیم می‌گردد.

#### رهایی متهم:

ماده چهل و نهم: (۱) متهم از توقیف‌خانه در حالات ذیل رها می‌گردد:

۱- در حالت مندرج فقره (۴) ماده بیستم این قانون.

۲- در حالتی که سارنوال قرار رهایی متهم را صادر نموده باشد.

۳- در حالتی که محکمه حکم به برائت متهم صادر نموده باشد.

(۲) جهت تطبیق حکم مندرج فقره (۱) این ماده نقل قرار سارنوال یا پارچه ابلاغ حکم به آمریت توقیف‌خانه تسلیم داده می‌شود

#### رهایی محبوس:

ماده پنجاهم: (۱) رهایی محبوس از محبس در حالات ذیل صورت می‌گیرد:

۱- در حالت ختم مدت محکوم‌بها.

۲- در حالت عفو عمومی یا خصوصی.

۳- در حالت لغو حکم نهایی محکمه بر اساس تجدید نظر، به نحوی که حکم جدید منجر به برائت یا مجازات غیر از حبس یا مجازات حبسی گردیده که مدت آن قبلاً در محبس سپری شده باشد.

۴- در حالت رهایی مشروط.

۵- در سایر احوالی که در قانون پیشبینی شده باشد.

(۲) جهت تطبیق احکام مندرج فقره (۱) این ماده نقل سند رهایی به اداره محبس تسلیم داده می‌شود.

(۳) اداره محبس حق ندارد، محبوس را اضافه از مدت محکوم‌بها در محبس نگهداری نماید.

(۴) اداره محبس مکلف است قبل از رهایی، ادارات سارنوالی و پولیس محل را از رهایی محبوس اطلاع دهد.

## فصل هفتم نظارت از محابس و توقیف‌خانه‌ها

### مرجع ذی صلاح:

ماده پنجاه و یکم: (۱) اداره سارنوالی مرجع باصلاحیت نظارت بر تطبیق قانونیت و کنترل موازین حقوق بشر در محابس و توقیف‌خانه‌ها می‌باشد.

(۲) ادارات محابس و توقیف‌خانه‌ها مکلف‌اند تمام مطالبات سارنوال مبنی بر رعایت احکام قانون و موازین حقوق بشر را در نظر گرفته، مطابق آن اجراءات نمایند.

### کمیته نظارت:

ماده پنجاه و دوم: (۱) به منظور نظارت از رعایت نظم داخلی محابس و توقیف‌خانه‌ها و طرز برخورد کارکنان مربوط، کمیته نظارت محابس و توقیف‌خانه‌ها در مرکز و ولایات به ترکیب ذیل تشکیل می‌گردد:

۱- آمرین محبس و توقیف‌خانه هر یک در بخش مربوط به حیث رئیس.

۲- نمایندگان اداره سارنوالی مربوط به حیث عضو (یک نماینده در کمیته نظارت محبس و یک نماینده در کمیته نظارت توقیف‌خانه‌ها).

۳- آمرین تعلیم و تربیه محبس و توقیف‌خانه‌ها هر یک در بخش مربوط به حیث عضو.

(۲) کمیته مندرج فقره (۱) این ماده در هر پانزده روز یکبار از محبس و توقیف‌خانه مربوط دیدن نموده، گزارش خویش را به ریاست عمومی محابس ارسال می‌نماید.

(۳) ریاست عمومی محابس و توقیف‌خانه‌ها توحید گزارشات واصله را غرض اتخاذ تصامیم قانونی به وزیر عدلیه ارائه می‌نماید.

(۴) به تشخیص وزیر عدلیه، گزارش یا بخشی از آن غرض اتخاذ تصامیم قانونی به شورای عالی محابس و توقیف‌خانه‌ها محول می‌گردد.

رسمی نافذ می‌گردد، با انفاذ آن، قانون محابس و توقیف خانه‌ها منتشره جریده رسمی شماره (۸۵۲) مورخ ۱۳۸۴/۳/۱۰ ملغی شمرده می‌شود.

## فصل هشتم احکام متفرقه

### پناه دادن موقت:

**ماده پنجاه و سوم:** آمرین محبس و توقیف‌خانه می‌توانند به تشخیص اداره سارنوالی و استیذان وزیر عدلیه اشخاصی را که شدیداً تهدید گردیده و سلامت جسمی ایشان در معرض خطر جدی واقع باشد، به تقاضای کتبی شخص در محبس و توقیف‌خانه موقتاً پناه دهند.

### تهیه راپور از محبس یا توقیف‌خانه

**ماده پنجاه و چهارم:** (۱) تهیه راپور صدادر، گرفتن عکس و فلم از محابس، توقیف‌خانه‌ها و اشخاص مظنون، متهم، محکوم توسط خبرنگاران و رسانه‌ها به اجازه اشخاص مظنون، متهم و محکوم جواز دارد.

(۲) آمرین محابس و توقیف‌خانه‌ها وظیفه دارند به استثنای حالات اضطراری بعداز اجازه وزارت عدلیه و دیدن اسناد خبرنگاران چک و تلاشی و سایل ژورنالیستیکی به ایشان اجازه دخول به محبس را بدهند.

### انقال زن محبوس باردار به شفاخانه

**ماده پنجاه و پنجم:** (۱) در صورتی که زن محبوس باردار باشد، آمرین محابس وظیفه دارند که بر مبنی فقره دوم ماده بیست و هفتم این قانون زن محبوس باردار را در وقت معینه ولادت به مشوره داکتر به شفاخانه انتقال دهند، و جریان موضوع به سارنوال مربوط و رئیس عمومی محابس گزار داده شود.

(۲) تا زمانی که از طرف داکتر اطمینان صحت کامل داده نشده باشد، زن مریض می‌تواند که در شفاخانه بماند. مدتی را که موصوفه در شفاخانه می‌گذراند به حساب حبس وی محسوب می‌شود.

### ملاقات اطفال با مادران یا پدران محبوسان

**ماده پنجاه و ششم:** (۱) دولت مکلف است زمینه حضور اطفالی را که به همراهی مادران یا پدران‌شان در داخل محبس به سر می‌برند تا سن هفت‌سالگی در محل مخصوص به‌گونه فراهم نماید که والدین بتوانند در طول شبانه‌روز کودک خود را ملاقات نمایند.

(۲) بعد از سن هفت‌سالگی و در صورت دوام حبس مادر و یا پدر اطفال به پرورشگاه‌های دولتی انتقال می‌یابند. همراه بودن طفل با پدر مطابق شرایط فوق فقط در صورتی جواز دارد که سرپرستی طفل به پدر منحصر باشد.

### تاریخ انفاذ:

**ماده پنجاه و هفتم:** این قانون از تصویب شورای ملی و توشیح رئیس جمهور از تاریخ نشر در جریده



**فرمان**

رئیس جمهوری اسلامی افغانستان درباره توشیح  
قانون نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه علیه فساد اداری

شماره: (۶۳)

تاریخ: ۱۳۸۷/۴/۳۱

ماده اول: به تاسی از حکم ماده هفتاد و نهم قانون اساسی افغانستان، قانون نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه علیه فساد اداری را که به اساس مصوبه شماره (۱۷) مورخ ۱۳۸۷/۴/۱۶ شورای وزیران جمهوری اسلامی افغانستان بداخل (۵) فصل و (۲۲) ماده تایید گردیده است، توشیح می دارم.

حامد کرزی

رئیس جمهوری اسلامی افغانستان



۱۶ جوزا ۱۳۸۱

**قانون نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه  
علیه فساد اداری**

اداره عالی نظارت مکلف است دارای اعضای شورای ملی، شورا های ولایتی و ولسوالی ها، معینان وزارت ها، روسای ادارات و کمیسیون های مستقل، سفرا، والی ها و شاروال ها و معاونان آنها، قضات، سارنوالان، افسران وزارت های دفاع ملی و امور داخله، ولسوالان، مامورین رتبه دوم و بالاتر از آن کارکنان بخش های امور مالی، حسابدی و تدارکاتی را قبل از اشغال وظیفه و همه ساله ثبت، رسیدگی و عنداللزوم نشر نماید.

فقره دوم ماده دوازدهم

۱۶ جوزا ۱۳۸۱

## فهرست

## عنوان

## صفحه

عنوان	صفحه
فصل اول: احکام عمومی	۱۳۳
فصل دوم: تشکیل و وظایف صلاحیت اداره عالی نظارت	۱۳۵
فصل سوم: توأمیت با ادارات	۱۳۷
فصل چهارم: احکام متفرقه	۱۳۸
فصل پنجم: احکام نهائی	۱۴۰

عنوان	صفحه
<b>مبنی</b>	
<b>ماده اول:</b> این قانون در روشنی احکام مندرج ماده هفتم، جزء (۳) ماده هفتاد و پنجم و ماده یکصد و چهل و دوم قانون اساسی افغانستان و رعایت میثاق ملل متحد علیه فساد اداری به منظور تنظیم امور مربوط به نظارت بر تطبیق استراتژی مبارزه علیه فساد اداری وضع گردیده است.	
اهداف	
<b>ماده دوم:</b> اهداف این قانون عبارت اند از:	
۱. اتخاذ تدابیر جهت نظارت بر تطبیق استراتژی و طرزالعمل اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری در تمام ادارات، غرض جلوگیری و مبارزه موثر علیه فساد اداری.	
۲. مراقبت از اجراءات ادارات در مورد قضایای فساد اداری.	
۳. ارزیابی از تطبیق تدابیر اتخاذ شده در امر اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری.	
۴. تأمین شفافیت در اجراءات ادارات جهت حصول اطمینان از حساب دهی.	
۵. ایجاد اداره و مدیریت سالم امور عام المنفعه بر مبنای صداقت و وظیفوی و مسؤولیت حساب دهی.	
۶. حراست از ملکیت های عامه و اشخاص.	
۷. تحکیم و تعمیم حاکمیت قانون.	
<b>فساد اداری</b>	
<b>ماده سوم:</b> ارتکاب اعمال ذیل توسط مؤظفین ادارات دولتی یا منسوبین سایر مراجع مندرج ماده هفتم این قانون فساد اداری شمرده می شود:	
۱. رشوت.	
۲. اختلاس.	
۳. سرقت اسناد.	
۴. اتلاف غیر مجاز اوراق و اسناد رسمی.	
۵. تجاوز از حدود صلاحیت قانونی.	
۶. سوء استفاده موقوف وظیفوی.	
۷. ممانعت در روند یا اخلال تطبیق عدالت.	
۸. استفاده از امکانات دولتی و اوقات رسمی در امور شخصی.	
۹. امتناع و استنکاف از وظیفه بدون عذر قانونی.	
۱۰. کتمان حقیقت.	



۱۱. افزایش غیر قانونی دارایی.
۱۲. تزویر اسناد.
۱۳. انتحال وظیفه (وانمود ساختن صلاحیت یا اجرا یا امتناع اموری که شخص به آن مؤظف نباشد).
۱۴. اخذ هر نوع تحفه به منظور اجرا یا امتناع از کار در امور مربوط.
۱۵. تعلل در اجرای وظیفه محوله.
۱۶. عدم رعایت قواعد سلوکی اداره مربوط.
۱۷. دخیل ساختن ملاحظات قومی، منطوقی، مذهبی، حزبی، جنسیتی و شخصی در اجرای امور محوله.
۱۸. اجرا و یا امتناع سایر اعمال مندرج استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری.

#### اداره مسؤول

**ماده چهارم:** اداره عالی نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری به حیث عالی ترین اداره هماهنگ کننده و نظارت کننده تطبیق استراتیژی طرزالعمل اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری در سطح کشور بوده، در اجراءات خود مستقل و نزد رئیس جمهور مسؤول می باشد.

#### نام اختصاری

**ماده پنجم:** اداره عالی نظارت بر تطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری در این قانون به نام اداره عالی نظارت یاد می گردد.

#### استقلالیت

**ماده ششم:** هیچ شخصی و مقامی مانع اجراءات اداره عالی نظارت، جهت نظارت از تطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری در ادارات نمی شود.

#### ساحه تطبیق

**ماده هفتم:** احکام این قانون با رعایت طرزالعمل های خاص بالای ادارات و اشخاص ذیل قابل تطبیق می باشد:

۱. ادارات دولتی و عهده های انتخابی.
۲. کمیسیون های مستقل.
۳. بانک های طرف معامله با دولت.
۴. مؤسسات غیر دولتی (N.G.Os)، مؤسسات بین المللی و تشبثات خصوصی طرف معامله مالی با دولت در چارچوب میثاق ملل متحد علیه فساد اداری و سایر معاهدات بین المللی.

## فصل دوم

### تشکیل و وظایف صلاحیت اداره عالی نظارت

#### تشکیل:

- ماده هشتم:** (۱) اداره عالی نظارت واحد بودجوی مستقل بوده، متشکل از رئیس، معاون یا معاونان، رؤسای مرکزی و حوزوی و اعضای مسلکی و اداری می باشد.
- (۲) رئیس اداره عالی نظارت از طرف رئیس جمهور تعیین می گردد. استخدام سایر کارکنان آن طبق احکام قانون صورت می گیرد.
- (۳) اداره عالی نظارت بودجه خویش را ترتیب نموده و غرض طی مراحل از راه بودجه ملی به شورای وزیران ارائه می نماید. اداره عالی نظارت بودجه خویش را طور مستقلانه مطابق قوانین مربوط تطبیق می نماید.
- (۴) جزئیات تشکیل طبق احکام قانونی طی مراحل می گردد.

#### وظایف

**ماده نهم:** اداره عالی نظارت دارای وظایف و صلاحیت های ذیل می باشد:

۱. نظارت بر تطبیق استراتیژی و طرزالعمل اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری.
۲. پیشنهاد در مورد تجدید نظر بر استراتیژی مندرج جزء (۱) این ماده به رئیس جمهور.
۳. طرح پلان و پروگرام جهت نظارت بر تطبیق استراتیژی اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری و ارائه آن غرض اخذ منظوری به مقام ریاست جمهوری.
۴. انجام مطالعات لازم جهت دریافت شیوه های مؤثر و مناسب به مقصد نظارت بر تطبیق استراتیژی اصلاح اداره و مبارزه علیه فساد اداری.
۵. اتخاذ تدابیر لازم و مؤثر جهت از بین بردن علل و اسبابی که موجب ایجاد فساد اداری می گردد.
۶. سفارش به اداره مربوطه در مورد شیوه های استفاده معقول از امکانات مادی و تخریکی در امر جلوگیری از فساد اداری.
۷. نظارت از اجراءات ادارات در مورد تطبیق استراتیژی مبارزه علیه فساد اداری.
۸. ارائه یاد داشت مبنی بر اصلاح اداره و جلوگیری از فساد اداری به اداره مربوط.
۹. ارزیابی چگونگی شفافیت، شایستگی، لیاقت و عدالت در مراحل استخدام.
۱۰. حصول اطمینان از تطبیق و رعایت قوانین، فرامین و سایر اسناد تقنینی در رابطه به مبارزه علیه فساد اداری.
۱۱. ارائه پیشنهاد به رئیس جمهور در باره متوقف ساختن امور تدارکاتی و فروش یا اجاره اموال یا املاک دولتی که عدم شفافیت و مؤثریت آن حین نظارت تثبیت می گردد.

۱۲. ارزیابی مجدد اسناد بررسی شده در صورت موجودیت دلایل مؤجه.
۱۳. مطالبه اسناد و معلومات مورد نظر از ادارات و اشخاص مندرج ماده هفتم این قانون.
۱۴. ارزیابی چگونگی ساده سازی طرزالعمل های اجراءات ادارات مندرج ماده هفتم این قانون.
۱۵. رسیده گی به شکایت های ناشی از فساد اداری از طریق مراجع مربوط.
۱۶. برقراری و توسعه مناسبات توأمیت ها با ادارات مماثل دول متحابه و مؤسسات بین المللی و تشریک مساعی در زمینہ.
۱۷. تدویر کورس ها، سیمینار ها، ورکشاپ ها و کنفرانس ها غرض ارتقای ظرفیت و مؤثریت کاری کارکنان در امر مبارزه علیه فساد اداری در مرکز و ولایات.
۱۸. نشر فعالیت های سالانه اداره عالی نظارت جهت آگاهی عامه.
۱۹. ارائه گزارش منظم در مورد اجراءات و دست آورد های اداره عالی نظارت به مقام ریاست جمهوری.
۲۰. سایر وظایفی که از جانب رئیس جمهور محول می شود.



## فصل سوم توأمیت با ادارات

### توأمیت با اداره تفتیش و کنترول

**ماده دهم:** اداره عالی نظارت، فعالیت های مالی و حسابی مشکوک ادارات و اشخاص مندرج ماده هفتم این قانون را جهت بازرسی به اداره عمومی تفتیش و کنترول محول می نماید. اداره عمومی تفتیش و کنترول مکلف است موضوع را بازرسی نموده و نتیجه را به اداره عالی نظارت گزارش دهد.

### همکاری ادارات

**ماده یازدهم:** ادارات مکلف اند در تحقق اهداف مندرج این قانون با اداره عالی نظارت در موارد ذیل همکاری نمایند:

۱. فراهم آوری تسهیلات لازم برای مؤظفین اداره عالی نظارت حین بررسی موضوعات مورد نظر.
۲. ارائه اسناد، معلومات و توضیحات لازم به مؤظفین اداره عالی نظارت عندالمطالبه.
۳. توظیف کارکنان متخصص مسلکی عندالمطالبه جهت همکاری با مؤظفین اداره عالی نظارت حین بررسی.
۴. ارائه گزارش در مورد تحقق نتایج بررسی های قبلی.

### ثبت و نشر دارایی

**ماده دوازدهم:** (۱) اداره عالی نظارت دارایی مقامات مندرج ماده یکصد و پنجاه و چهارم قانون اساسی افغانستان را ثبت، رسیده گی و عنداللزوم نشر می نماید.

(۲) اداره عالی نظارت مکلف است دارایی اعضای شورای ملی، شورا های ولایتی و ولسوالی ها، معینان وزارت ها، روسای ادارات و کمیسیون های مستقل، سفراء، والی ها و شاروال ها و معاونان آنها، قضات، سارنوالان، افسران وزارت های دفاع ملی و امور داخله، ولسوالان، مامورین رتبه دوم و بالاتر از آن کارکنان بخش های امور مالی، حسابی و تدارکاتی را قبل از اشغال وظیفه و همه ساله ثبت، رسیده گی و عنداللزوم نشر نماید.

**فراهم آوری زمینه آموزش تخصصی**

ماده هفدهم: اداره عالی نظارت به منظور مبارزه مؤثر و فعال، زمینه آموزش تخصصی کارکنان خود و سایر ادارات ذیربط، سارنوالان و قضاتی را که در کشف و رسیده گی قضایای فساد اداری ذیدخل می باشند، فراهم می نماید.

**ارایه گزارش**

ماده هجدهم: ادارات کنترل و تفتیش، پولیس، سارنوالی و محکمه از اجراءات خود در مورد قضایای فساد اداری به اداره عالی نظارت گزارش می دهند.

**ایجاد سارنوالی و دیوان**

ماده نوزدهم: (۱) اداره لوی سارنوالی به منظور تحقیق جرایم فساد اداری و اقامه دعوی علیه مرتکبین آن، سارنوالی مبارزه علیه جرایم فساد اداری را در مرکز و ولایات طبق احکام قانون ایجاد می نماید.  
(۲) ستره محکمه به منظور رسیده گی قضایای جرایم فساد اداری، دیوان های جرایم فساد اداری را طبق احکام قانون در مرکز و ولایات ایجاد می نماید.

**فصل چهارم  
احکام متفرقه****انفصال مؤقت و تعقیب عدلی**

ماده سیزدهم: (۱) هر گاه در نتیجه بررسی، مؤلف خدمات عامه در ارتباط با فساد اداری مظنون واقع شود، غرض تعقیب عدلی به سارنوالی معرفی می گردد.

(۲) هر گاه قاضی در ارتباط با فساد اداری مظنون واقع شود یا از اجرای اموری که مکلف به انجام آن است، تخلف ورزد، اداره عالی نظارت موضوع را به ستره محکمه احاله می نماید.

**مصونیت اطلاع دهنده و شاهد**

ماده چهاردهم: (۱) اشخاصی که در کشف قضایای فساد اداری با حسن نیت به حیث اطلاع دهنده یا در جریان تحقیق و محاکمه به حیث شاهد همکاری یا اسناد و مدارک مؤجه را ارایه نموده باشند، از هر نوع فشار و تهدید و رفتار غیر موجهه مصون بوده، حسب احوال برای اطلاع دهنده مکافات اعطاء می گردد.

(۲) افشای هویت اطلاع دهنده، شاهد، اهل خبره و ارائه کننده اسناد و مدارک بدون رضایت آن ها ممنوع می باشد.

**محرومیت از حقوق**

ماده پانزدهم: (۱) مجازات تعلیقی در مورد مرتکبین جرایم فساد اداری ممنوع می باشد.

(۲) اشخاصی که به اتهام جرایم فساد اداری به حبس بیشتر از سه سال الی ده سال محکوم می گردند، از تاریخ ختم مجازات برای مدت دو سال به حیث کارکن در ادارات دولتی یا کاندید عهده های انتخابی پذیرفته نمی شود.

(۳) اشخاصی مندرج فقره (۲) این ماده از مزایای فرامین عفو و تخفیف مجازات رئیس جمهور مستفید شده نمی توانند.

**شرایط پذیرش**

ماده شانزدهم: اشخاصی به حیث رئیس، معاون، رؤسای مرکزی و حوزوی و اعضای مسلکی اداره عالی نظارت پذیرفته شده می توانند که علاوه بر داشتن شرایط مندرج قانون کارکنان خدمات ملکی واجد شرایط ذیل نیز می باشند:

۱. داشتن تحصیلات عالی لیسانس یا بالاتر از آن.

۲. عدم محکومیت به جرایم جنحه یا جنایت.

۳. عدم عضویت در احزاب سیاسی در دوره تصدی وظیفه.



## فصل پنجم احکام نهائی

### عدم اخلاص صلاحیت

ماده بیستم: احکام این قانون صلاحیت های قانونی سارنوالی و محکمه را اخلاص نمی نماید.

### وضع لوایح و طرز العمل ها

ماده بیست و یکم: اداره عالی نظارت به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون مقررره ها را پیشنهاد و لوایح و طرز العمل ها را وضع و تصویب می نماید.

### انفاذ

ماده بیست و دوم: این قانون از تاریخ توشیح نافذ و در جریده رسمی نشر می گردد و با انفاذ آن، قانون مبارزه علیه ارتشأ و فساد اداری منتشره جریده رسمی شماره (۸۳۸) مؤرخ ۱۳۸۳/۷/۲۰ ملغی شمرده می شود.

تاریخ نشر در جریده رسمی: ۱۳۸۷ / ۵ / ۸

## قانون رسانه های همگانی

۱. هر شخص حق آزادی فکر و بیان را دارد. طلب، حصول و انتقال معلومات، اطلاعات و نظریات در حدود احکام قانون بدون مداخله از طرف مسئولین دولتی شامل این حق است. این حق در برگیرنده فعالیت آزاد وسایل پخش، توزیع و دریافت معلومات نیز می باشد.

۲. دولت آزادی رسانه های همگانی را حمایت، تقویه و تضمین می نماید. هیچ شخص حقیقی یا حکمی به شمول دولت و ادارات دولتی نمی تواند فعالیت آزاد رسانه های خبری یا معلوماتی را منع، تحریم، سانسور یا محدود نموده و یا طور دیگری در امور نشرات رسانه های همگانی و معلوماتی مداخله نماید. مگر مطابق احکام این قانون.

ماده چهارم



**فرمان**  
**رئیس جمهوری اسلامی افغانستان درباره**  
**انفاذ قانون رسانه های همگانی**

شماره: (۱۱۶)

تاریخ: ۱۳۸۴/۹/۲۷

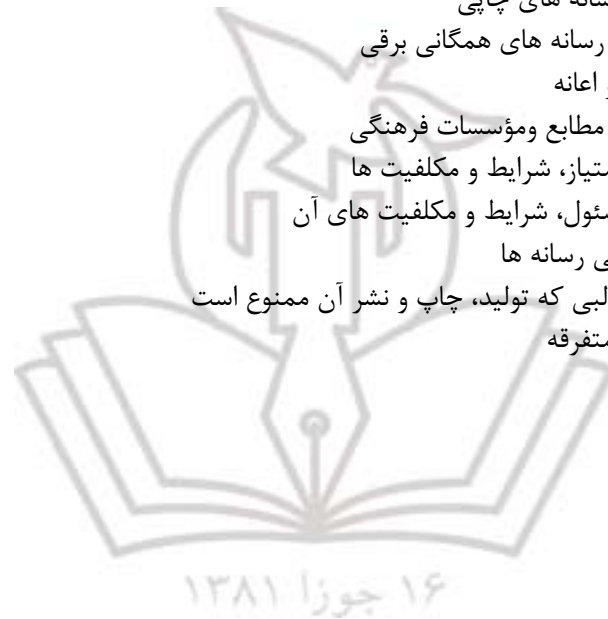
**ماده اول:** قانون رسانه های همگانی را که به اساس مصوبه شماره (۳۴) مورخ ۱۳۸۴/۹/۲۶ از طرف مجلس عالی وزراء به داخل (۹) فصل و (۴۲) ماده تصویب گردیده است، توشیح میدارم.  
**ماده دوم:** این فرمان از تاریخ نشر در جریده رسمی نافذ میگردد.

**حامد کرزی**  
**رئیس جمهوری اسلامی افغانستان**



**فهرست**

صفحه	عنوان
۱۴۴	فصل اول: احکام عمومی
۱۴۷	فصل دوم: حقوق و مکلفیت ها
۱۴۹	فصل سوم: تاسیس رسانه های چاپی
۱۵۰	فصل چهارم: تاسیس رسانه های همگانی برقی
۱۵۲	فصل پنجم: اعلانات و اعانه
۱۵۳	فصل ششم: تاسیس مطابع ومؤسسات فرهنگی
۱۵۴	فصل هفتم: صاحب امتیاز، شرایط و مکلفیت ها
۱۵۶	فصل هشتم: مدیر مسئول، شرایط و مکلفیت های آن
۱۵۷	فصل نهم: شورای عالی رسانه ها
۱۵۹	فصل دهم: آثار و مطالبی که تولید، چاپ و نشر آن ممنوع است
۱۶۰	فصل یازدهم: احکام متفرقه



۳. ژورنالیست:

شخص حرفه ای و مسلکی است که از طریق رسانه ها مواد و محتوای نشراتی را تهیه و عرضه می نماید.

۴. مطبوعه (چاپخانه)

دستگاه اقتصادی و تکنیکی است که خدمات چاپی را انجام می دهد.

۵. طابع:

شخص حقیقی یا حکمی (حقوقی) است که به اساس ملکیت یا نمایندگی مالک، متصدی امور چاپخانه می باشد.

۶. ناشر:

شخص حقیقی یا حکمی است که اجازه چاپ و نشر آثار غیر موقوت را دارا می باشد.

۷. نشر:

عملیه انتقال پیام و خبر از طریق رسانه های همگانی است.

۸. موسسه تولید فلم:

یک نهادی است که در پرتو اساس نامه و اهداف خویش فلم های مستند و سینمایی و عکس و سلاید تولید می کند.

۹. موسسه نشراتی:

شخصیت حکمی است که به اساس اساسنامه تأسیس و نشرات رسانه های برقی، چاپی موقوت و غیر موقوت را مطابق به اهدافش نشر و پخش می نماید.

۱۰. نهاد آموزشی ژورنالیزم:

نهادی است که به صورت کوتاه مدت یا دراز مدت به آموزش مسلکی ژورنالیزم می پردازد.

۱۱. دارالترجمه:

موسسه حکمی است که طبق اساسنامه حق دارد مطالب و مضامینی را از زبانی به زبان دیگر ترجمه کند.

۱۲. آژانس خبر رسانی:

شخصیت حکمی است که در عرصه ارتباطات، جمع آوری و رسانیدن اطلاعات فعالیت می نماید.

۱۳. شرکت تبلیغات و اعلانات:

شخصیت حکمی تجارتي است که مطابق اساسنامه به تبلیغات و اعلانات می پردازد.

۱۴. حق نسخه برداری (کاپی رایت)

داشتن حق مالکیت معنوی و امتیاز انتشارات ثبت شده است که در مطابقت با معیارهای قبول شده توسط قانون جداگانه تنظیم می شود.

۱۵. صاحب امتیاز:

شخص حقیقی یا حکمی است که به تأسیس و تدویر رسانه های برقی، چاپی، نهاد آموزش ژورنالیزم، چاپخانه، موسسه نشراتی، دارالترجمه، آژانس خبر رسانی، موسسه تولید فلم و شرکت تبلیغات و اعلانات می پردازد.

## فصل اول احکام عمومی

**ماده اول:** این قانون با در نظر داشت اصول و احکام دین مبین اسلام و به تأسی از حکم ماده سی و چهارم قانون اساسی و رعایت ماده نوزدهم اعلامیه جهانی حقوق بشر، به منظور تأمین حق آزادی فکر و بیان و تنظیم فعالیت رسانه های همگانی در کشور وضع گردیده است.

**ماده دوم: اهداف این قانون عبارت اند از:**

۱. حمایت و تضمین حق آزادی فکر و بیان.
۲. حمایت از حقوق ژورنالیستان و تأمین شرایط فعالیت آزاد رسانه ها.
۳. ترویج و انکشاف رسانه های همگانی، آزاد، مستقل و کثرت گرا.
۴. فراهم نمودن زمینه های مناسب برای اظهار فکر و احساس اتباع کشور و انعکاس حقایق به طور عادلانه توسط گفتار، نوشته، رسم، تصویر، ثبت روی نوار، تمثیل، حرکت و سایر پدیده های علمی، ادبی، هنری و چاپ و نشر.
۵. رعایت اصل آزادی بیان و رسانه های همگانی مسجل در اعلامیه جهانی حقوق بشر با رعایت اصول و احکام دین مقدس اسلام.
۶. کمک به منظور رشد سالم رسانه های همگانی به نحوی که بتوانند وسایل موثر نشر اخبار صحیح، اطلاعات، آموزش، تربیت و شکوفایی علم و ثقافت در کشور بوده، نظریات مردم را مطابق با معیارها، اصول و ارزشهای ژورنالیستی (صداقت، بی طرفی و توازن) انعکاس دهد.

### اصطلاحات

**ماده سوم: اصطلاحات آتی در این قانون دارای مفاهیم ذیل می باشند:**

۱. رسانه

وسیله انتقال پیام، معلومات و اطلاعات با استفاده از وسایل آتی می باشد:

- رسانه برقی: رادیو، تلویزیون، شبکه کیبلی و اینترنت.
- رسانه چاپی: روزنامه، جریده (هفته نامه، نشریه پانزده روزه، ماهنامه، گاهنامه، فصلنامه، سالنامه، پوستر و مجموعه خبری)

۲. رسانه همگانی در این قانون به انواع ذیل تقسیم می گردد:

- رسانه عامه: رسانه ای است که متعلق به عامه مردم بوده، از طریق دولت و نشر اعلانات تمویل می گردد.
- رسانه خصوصی: رسانه ای است که متعلق به اشخاص، سازمانهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بوده و از طرف آنها تجهیز و تمویل می گردد.

۱۶. مدیر مسئول:

شخصی است که مسئولیت امور نشراتی مربوط به موسسات مندرج جزء ۱۳ این ماده را به عهده دارد.

۱۷. رادیو:

وسیله اطلاع رسانی همگانی سمعی است.

۱۸. تلویزیون:

وسیله اطلاع رسانی همگانی سمعی و بصری است.

۱۹. شبکه کیبلی:

رسانه همگانی سمعی و بصری است که برنامه های گوناگون اطلاعاتی، تعلیمی، تربیتی، فرهنگی و

تفریحی ملی و بین المللی را برای مشترکین عرضه کند.

۲۰. اعلانات:

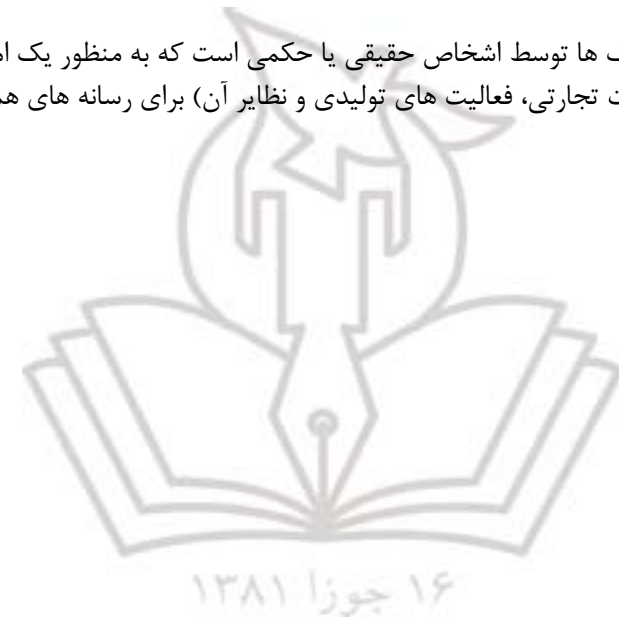
عرضه نوعی خدمات سمعی و بصری برای اشخاص حقیقی و یا حکمی است که در رسانه های همگانی

برقی و چاپی در بدل پول و یا ملحوظات مشابه آن انجام می شود.

۲۱. آغانه:

اجرای هر نوع کمک ها توسط اشخاص حقیقی یا حکمی است که به منظور یک امر معنوی یا مادی

( شهرت نام، علامت تجارتي، فعالیت های تولیدی و نظایر آن) برای رسانه های همگانی انجام میابد.



## فصل دوم حقوق و مکلفیت ها

### آزادی فکر و بیان

**ماده چهارم:** ۱. هر شخص حق آزادی فکر و بیان را دارد. طلب، حصول و انتقال معلومات، اطلاعات و نظریات در حدود احکام قانون بدون مداخله از طرف مسئولین دولتی شامل این حق است. این حق در برگیرنده فعالیت آزاد وسایل پخش، توزیع و دریافت معلومات نیز می باشد.

۲. دولت آزادی رسانه های همگانی را حمایت، تقویه و تضمین می نماید. هیچ شخص حقیقی یا حکمی به شمول دولت و ادارات دولتی نمی تواند فعالیت آزاد رسانه های خبری یا معلوماتی را منع، تحریم، سانسور یا محدود نموده و یا طور دیگری در امور نشرات رسانه های همگانی و معلوماتی مداخله نماید. مگر مطابق احکام این قانون.

### مطالبه معلومات

**ماده پنجم:** هر شخص حق دارد معلومات را طلب و دریافت نماید. دولت بنا بر تقاضای اتباع کشور معلوماتی را که مطالبه می شود به دسترس آنان قرار می دهد، مگر اینکه معلومات مطالبه شده محرم بوده و افشای آن امنیت، منافع ملی و تمامیت ارضی کشور را به خطر مواجه سازد و یا به حقوق دیگران صدمه وارد نماید.

### حمایت قانونی

**ماده ششم:** ۱. ژورنالیستان در اجرای فعالیت های مسلکی مربوط به نشر گزارشها و نظریات انتقادی مورد حمایت قانونی قرار می گیرند.

۲. ژورنالیستان حق دارند از افشای منابع معلوماتی شان خود داری نمایند، مگر اینکه محکمه ذیصلاح در مورد افشای آن حکم نموده باشد.

### حق جواب دادن

**ماده هفتم:** ۱. هر شخص حقیقی یا حکمی که از ناحیه یک رسانه همگانی مورد تعرض قرار گرفته، شخصیت، اعتبار و یا منافع مادی آن متضرر شده باشد حق دارد جواب رد آن را در عین رسانه بدهد.

۲. رسانه مربوطه باید بدون فوت وقت جواب را به طور رایگان در عین رسانه در شماره یا نشر بعدی به نشر بسپارد.

۳. جواب ارائه شده باید عاری از ماهیت جرمی بوده و منحصر به جواب موضوع ادعا شده در آن رسانه باشد که به شکل نوشتاری با امضای شخص متضرر و یا وکیل آن به مدیر مسئول آن رسانه همگانی سپرده شود.

۴. هر نوع شکایت در مورد عدم نشر جواب به کمیسیون مربوطه ارجاع می گردد.

۵. حق جواب در مورد گزارش از جریان جلسات شورای ملی و محاکم علنی صدق نمی کند مگر اینکه جریان جلسات مذکور توسط رسانه ای تحریف شده باشد.

#### عدم نشر جواب

ماده هشتم: رسانه های همگانی در موارد زیر میتواند از نشر جواب خودداری نمایند:

۱. جواب خارج از موضوع بحث باشد.

۲. جواب دیرتر از نود روز به رسانه واصل شده باشد.

#### تشکل صنفی

ماده نهم: ژورنالیستان و سایر اعضای رسانه های همگانی می توانند به منظور دفاع از منافع صنفی مربوط مطابق احکام قانون اتحادیه ها، انجمن ها و کانون های مستقل صنفی را ایجاد نمایند.

### فصل سوم تأسیس رسانه های چاپی

ماده دهم: ۱. اتباع کشور، احزاب سیاسی، سازمان های اجتماعی، موسسات غیر دولتی داخلی و پناه گزینان کشورهای خارجی و ادارات دولتی می توانند مطابق احکام این قانون رسانه های چاپی را تأسیس نمایند.

۲. نمایندگی های سیاسی خارجی در افغانستان با رعایت موازین دیپلماتیک می توانند به چاپ و نشر مجموعه خبری بپردازند.

۳. نمایندگی های مؤسسات بین المللی و بین الحکومتی می توانند در ساحات کارشان با کسب موافقت وزارت اطلاعات و فرهنگ به نشر و پخش نشرات موقوت و غیر موقوت بپردازند. گزارش ها و تحقیقات علمی نمایندگی های مؤسسات فوق از این امر مستثنی بوده و نیاز به موافقت وزارت اطلاعات و فرهنگ ندارد.

۴. مؤسسات غیر دولتی خارجی (NGOs) که مطابق احکام قانون تأسیس شده باشند می توانند در ساحه کار تخصصی شان بعد از کسب اجازه وزارت اطلاعات و فرهنگ و مدیریت مسئولی اتباع افغانستان به نشر نشرات موقوت و غیر موقوت بپردازند.

۵. رسانه های چاپی مندرج جزء دوم ماده سوم این قانون بدون ثبت قبلی تأسیس و نشر شده می توانند. در صورتیکه نشریه قبل از ثبت نشر گردیده باشد، صاحب امتیاز مکلف است در مدت دو هفته نشریه خود را مطابق احکام این قانون ثبت نماید.

#### داشتن آدرس و سایر مشخصات

ماده یازدهم: رسانه چاپی حاوی اسم نشریه، آدرس مشخص، نام و محل چاپخانه، نام صاحب امتیاز و مدیر مسئول و تاریخ نشر آن می باشد.



**ماده بیست و یکم:** رادیو تلویزیون های خصوصی در تهیه و تدوین کلیه پروگرام های خویش با رعایت احکام این قانون آزادی کامل دارند.

#### رعایت توازن

**ماده بیست و دوم:** رادیو تلویزیون های خصوصی باید در موضع گیری جناحها و شخصیت های سیاسی علیه یکدیگر توازن را مراعات نموده و نظریات طرفین را به طور بی طرفانه نشر نمایند.

**ماده بیست و سوم:** رادیو تلویزیون های خصوصی موظف اند که مطالب ثبت و ضبط شده خویش را حداقل تا مدت یکسال در آرشیف خود نگهداری نمایند.

**ماده بیست و چهارم:** هرگاه شخص حقیقی یا حکمی به شکل نوشتاری ادعا کند که حق شان در پروگرام یک رسانه همگانی ضایع گردیده ، می تواند آن را از آرشیف آن رسانه اخذ و با پول خودش تکثیر و مورد استفاده قرار دهد.

**ماده بیست و پنجم:** رسانه های همگانی برقی در برنامه های آموزشی خویش مسائل صحت، محیط زیست ، اهمیت معارف و مضرات کشت، تولید و مصرف مواد مخدر و مسکرات را بگنجانند.



### فصل چهارم تأسیس رسانه های همگانی برقی

**ماده دوازدهم:** اتباع کشور، احزاب سیاسی، سازمانهای اجتماعی، مؤسسات غیردولتی و شرکت های خصوصی داخلی و ادارات دولتی می توانند طبق احکام این قانون رسانه های برقی را تأسیس نمایند.

#### رسانه برقی عامه

#### رادیو تلویزیون ملی افغانستان

**ماده سیزدهم:** رادیو تلویزیون ملی افغانستان رسانه همگانی متعلق به ملت افغانستان است که در چوکات دولت جمهوری اسلامی افغانستان اداره و بودجه آن از طریق دولت واعلانات تأمین می گردد.

#### ماده چهاردهم:

دستگاه مرکزی رادیو تلویزیون ملی در کابل موقعیت داشته و دستگاه های محلی آن در ولایات مستقر می باشند.

#### مکلفیت ها و وظایف

**ماده پانزدهم:** رادیو تلویزیون ملی مکلف است برنامه های خویش را در پرتو اصول و احکام دین مبین اسلام و ارزشهای ملی و معنوی ملت افغانستان عیار نموده و در برنامه های خویش اطلاع رسانی، تعمیم آموزش دینی، علمی، فرهنگی ، اقتصادی و امنیت روانی و اخلاقی را در نظر بگیرد.

#### برنامه های دینی و ملی

**ماده شانزدهم:** رادیو تلویزیون ملی با رعایت بی طرفی کامل در جهت تأمین وحدت ملی و تقویه ارزشهای دینی و ملی کشور، باید برنامه های خویش را به گونه ای تنظیم نماید که انعکاس دهنده فرهنگ، زبان، عقاید دینی و مذهبی تمامی اقوام ساکن در کشور باشد.

**ماده هفدهم:** در حالات اضطرار رادیو تلویزیون ملی به طور کامل زیر نظر رئیس دولت عمل می نماید.

**ماده هجدهم:** رادیو تلویزیون ملی افغانستان مکلف است تمام برنامه های ثبت و ضبط شده خویش را در آرشیف رادیو تلویزیون ملی حفظ نماید.

#### رسانه های برقی غیر دولتی

**ماده نوزدهم:** رادیو تلویزیون های خصوصی فعالیتهای خویش را در روشنائی قانون رسانه های جمهوری اسلامی افغانستان انجام می دهند.

**ماده بیستم:** رادیو تلویزیون های خصوصی مکلف ان در نشرات خویش اصول و احکام دین مقدس اسلام و ارزشهای ملی ، معنوی ، اخلاقی و امنیت روانی ملت افغانستان را رعایت نمایند.

### فصل پنجم اعلانات و اعانه

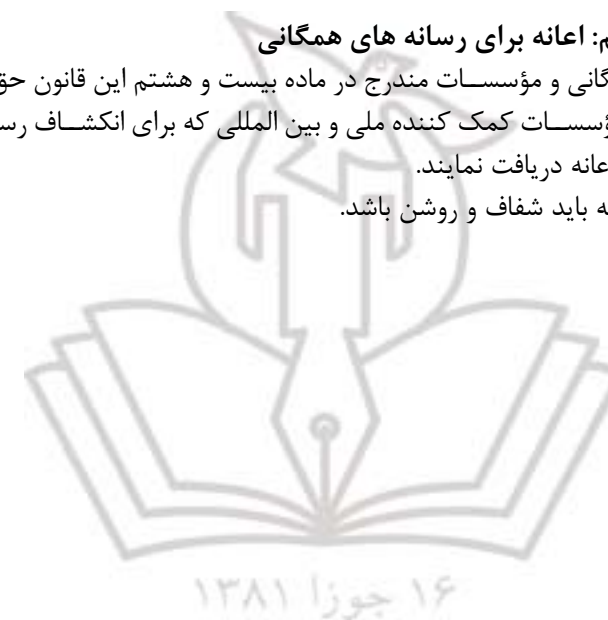
#### نشر اعلانات

**ماده بیست و ششم:** رسانه های همگانی خصوصی می توانند اعلانات، پیامها، برنامه های سیاسی، دینی، مذهبی و اجتماعی اشخاص حقیقی یا حکمی، شرکتهای تولیدی، تجارتي داخلی و خارجی، نهادهای سیاسی و فرهنگی، احزاب و جناحهای سیاسی را طبق این قانون نشر نمایند.

#### اعانه

#### ماده بیست و هفتم: اعانه برای رسانه های همگانی

۱. رسانه های همگانی و مؤسسات مندرج در ماده بیست و هشتم این قانون حق دارند از اشخاص حقیقی یا حکمی، مؤسسات کمک کننده ملی و بین المللی که برای انکشاف رسانه های همگانی فعالیت می نمایند، اعانه دریافت نمایند.
۲. منبع و مبلغ اعانه باید شفاف و روشن باشد.



### فصل ششم تأسیس مطابع و مؤسسات فرهنگی

**ماده بیست و هشتم:** اتباع کشور، احزاب سیاسی، سازمانهای اجتماعی، شرکتهای و مؤسسات غیر دولتی داخلی و خارجی و ادارات دولتی حق دارند مطابق احکام این قانون مطابع، مؤسسات تولید فلم، نشراتی، آموزش ژورنالیزم، دارالترجمه، آژانس خبر رسانی، شرکت های تبلیغات و اعلانات را تأسیس نمایند.

**ماده بیست و نهم:** اتباع کشور، احزاب سیاسی، سازمان های اجتماعی، شرکتهای و مؤسسات غیر دولتی داخلی و خارجی که مؤسسات مندرج ماده بیست و هشتم این قانون را تأسیس می نمایند، باید جواز فعالیت آن را از وزارت اطلاعات و فرهنگ اخذ نمایند.



فرهنگ تقدیم نمایند:

۱. شهرت مکمل.
۲. نوع فعالیت.
۳. اسم و محل فعالیت.
۴. هدف و مرام فعالیت.
۵. منبع تمویل و اندازه سرمایه.
۶. در رسانه های چاپی: تیراژ، زبان، نوع محتوای نشراتی، موعد چاپ، قطع و صحافت
۷. در رسانه های برقی و مؤسسات مندرج ماده بیست و هشتم این قانون: تثبیت کمیت و کیفیت ماشین آلات و تجهیزات.

#### داشتن آدرس و نشان مخصوص

ماده سی و پنجم: رسانه های همگانی و مؤسسات مندرج در ماده بیست و هشتم این قانون باید دارای آدرس، مهر و نشان مخصوص باشند.

#### حق مراجعه به محکمه

ماده سی و ششم: هر گاه صاحب امتیاز تصمیم وزارت اطلاعات و فرهنگ را مبنی بر عدم ثبت یا صدور جواز مغایر احکام قانون بداند می تواند به کمیسیون مربوطه مراجعه نماید. در صورت عدم قناعت می تواند به پیشگاه محکمه اقامه دعوی کند.

ماده سی و هفتم: ۱. انتقال ملکیت و امتیاز فعالیت (فروش، هبه و میراث) رسانه های همگانی و مؤسسات مندرج در ماده بیست و هشتم این قانون مجاز است.

۲. حق امتیاز فعالیت به شخصی انتقال یافته می تواند که واجد شرایط مندرج این قانون باشد.

۳. در صورت فروش و یا هبه نمودن ملکیت و یا حق امتیاز رسانه ها و مؤسسات فوق الذکر به شخص دیگر مراتب مندرج احکام این قانون مجدداً تطبیق می گردد.

۴. در صورت وفات یا از دست دادن اهلیت حقوقی صاحب امتیاز در مورد ملکیت مادی مطابق احکام این قانون و قانون مدنی اجراءات می گردد و ملکیت معنوی آن به شخصی که ورثه به وی توافق داشته و واجد شرایط مندرج احکام این قانون باشد انتقال می یابد.

## فصل هفتم صاحب امتیاز، شرایط و مکلفیت ها

### داشتن صاحب امتیاز

ماده سی ام: رسانه های همگانی و مؤسسات مندرج در ماده بیست و هشتم این قانون باید دارای صاحب امتیاز باشند.

### شرایط صاحب امتیاز

ماده سی و یکم: صاحبان امتیاز رسانه های همگانی و مؤسسات مندرج در ماده بیست و هشتم این قانون واجد شرایط ذیل می باشند:

(الف) اشخاص حقیقی:

۱. داشتن سند تابعیت کشور.
۲. اكمال سن هجده سالگی
۳. محروم نبودن از حقوق مدنی و سیاسی به اساس حکم محکمه با صلاحیت (ب) اشخاص حکمی:

۱. ثبت و راجستر در ادارات ذیربط دولت

۲. تثبیت هویت افغانی توسط ادارات ذیربط مسئول.

اشخاص و نهادهای مندرج بند های ۲ و ۳ ماده دهم این قانون از این حکم مستثنی است.

۳. محروم نبودن از حقوق مدنی به اساس حکم محکمه با صلاحیت.

اشخاص و مؤسسات خارجی باید سند تابعیت کشور متبوع خویش را داشته باشند.

### داشتن اساسنامه

ماده سی و دوم: صاحبان امتیاز رسانه های همگانی و مؤسسات مندرج در ماده بیست و هشتم این قانون مکلف اند معلومات لازمه را در مورد رسانه یا مؤسسه خویش و نحوه فعالیت آنها در اساسنامه مربوط که در برگیرنده اهداف، تشکیل، صلاحیتها و وظایف، مبلغ سرمایه و منبع مالی می باشد تنظیم نمایند.

### ثبت رسانه ها و مؤسسات فرهنگی.

ماده سی و سوم: صاحبان امتیاز رسانه های همگانی و مؤسسات مندرج در ماده بیست و هشتم این قانون مکلف اند رسانه ها و مؤسسات خود را مطابق احکام مندرج در این قانون ثبت نمایند.

ارائه معلومات غرض ثبت رسانه ها و مؤسسات فرهنگی

ماده سی و چهارم: (۱) صاحبان امتیاز رسانه های همگانی و مؤسسات مندرج در ماده بیست و هشتم این قانون مکلف اند بیان نامه ای حاوی معلومات ذیل را به خاطر ثبت به وزارت اطلاعات و



## فصل هشتم مدیر مسئول، شرایط و مکلفیت های آن

### داشتن مدیر مسئول

**ماده سی و هشتم:** رسانه های همگانی و مؤسسات مندرج در ماده بیست و هشتم این قانون باید دارای مدیر مسئول باشند.

**ماده سی و نهم:** شخصی به حیث مدیر مسئول تعیین شده می تواند که واجد شرایط ذیل باشد:

۱. داشتن سند تابعیت کشور

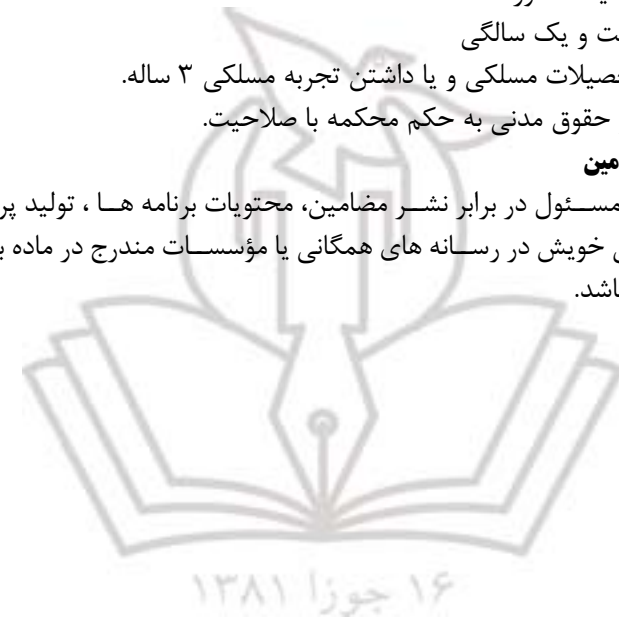
۲. اكمال سن بیست و یک سالگی

۳. داشتن سند تحصیلات مسلکی و یا داشتن تجربه مسلکی ۳ ساله.

۴. محروم نبودن از حقوق مدنی به حکم محکمه با صلاحیت.

### مسئولیت از نشر مضامین

**ماده چهلم:** مدیر مسئول در برابر نشر مضامین، محتویات برنامه ها، تولید پروگرام های هنری، آموزشی و تبلیغاتی خویش در رسانه های همگانی یا مؤسسات مندرج در ماده بیست و هشتم این قانون مسئول می باشد.



## فصل نهم شورای عالی رسانه ها

**ماده چهل و یکم:** (۱) به منظور طرح و تدوین پالیسی رسانه ای کشور، شورای عالی رسانه ها به ترکیب وزیر اطلاعات فرهنگ، وزیر مخابرات، نماینده دادگاه عالی (ستره محکمه)، نماینده وزارت عدلیه، یک نماینده از کمیسیون مربوطه مجلس سنا (مشرانو جرگه)، دو نماینده از کمیسیون مربوطه مجلس نمایندگان (ولسی جرگه)، یک نفر عالم جید دینی به نمایندگی از وزارت حج و اوقاف و دو نماینده مسلکی و باتجربه ژورنالیسم از جامعه ژورنالیستان و دو نفر دیگر از جامعه مدنی با پیشنهاد آنان برای مدت سه سال ایجاد می گردد.

(۲) یک نفر از اعضای شورای عالی رسانه ها از طریق انتخابات آزاد از میان خودشان انتخاب میگردند.

(۳) ششویه انتخاب چهار نفر از ژورنالیستان و جامعه مدنی به حیث عضو شورای عالی رسانه ها و طرز کار و فعالیت این شورا توسط طرزالعمل (آیین نامه) جداگانه تنظیم می گردد.

(۴) شورای عالی رسانه ها دارای وظایف و صلاحیت های ذیل می باشد:

۱. طرح و تصویب پالیسی دراز مدت رسانه ای

۲. پیشنهاد رئیس و اعضای کمیسیون رسانه های همگانی و رئیس و اعضای کمیسیون رادیو تلویزیون ملی و رؤسای رادیو تلویزیون های ولایات و روسای خبرگزاری های دولتی از میان شخصیت های مسلکی، مستقل و دارای شهرت نیک غرض منظوری به رئیس جمهور.

۳. پیشنهاد بودجه رادیو تلویزیون ملی به حکومت.

### کمیسیون رسانه های همگانی

**ماده چهل و دوم:** (۱) به منظور تنظیم بهتر فعالیت رسانه های همگانی کمیسیون رسانه های همگانی به ترکیب نه نفر عضو از میان شخصیت های مسلکی، با تحصیلات عالی، باتجربه ژورنالیسم و بی طرف با در نظر داشت ترکیب قومی و جنسیتی ایجاد می گردد.

(۲) چهار نفر از اعضای کمیسیون برای مدت سه سال و پنج نفر دیگر آن برای مدت دو سال انتخاب می گردند.

(۳) اعضای کمیسیون بیشتر از دو بار حق انتخاب شدن را ندارند.

(۴) معاش اعضای کمیسیون مطابق قانون از بودجه دولت پرداخت می شود.

(۵) طرز کار و فعالیت کمیسیون توسط لایحه جداگانه تنظیم می گردد.

### ماده چهل و سوم: وظایف کمیسیون رسانه های همگانی

کمیسیون مندرج در ماده چهل و سوم این قانون دارای وظایف و صلاحیت های ذیل می باشد:

۱. بررسی درخواست متقاضیان رسانه های چاپی و مؤسسات مندرج در ماده بیست و هشتم این قانون

- و پیشنهاد منظوری، ثبت و اعطای جواز آنان به وزارت اطلاعات و فرهنگ.
۲. بررسی درخواست متقاضیان رسانه های برقی و پیشنهاد منظوری آن به وزارت اطلاعات و فرهنگ بعد از تعیین فریکونسی به موافقه وزارت مخابرات.
۳. نظارت از فعالیت رسانه های همگانی.
۴. رسیدگی به شکایت از رسانه های همگانی و حل منازعات حقوقی آنان.
۵. احاله تخطی های جرمی رسانه های همگانی به مراجع عدلی.
۶. ارائه مشوره های تخنیکی به گردانندگان رسانه های همگانی.
۷. نظارت بر امور مالی، اداری و نشراتی رادیو و تلویزیون ملی.
۸. تدقیق بودجه رادیو و تلویزیون ملی و تقدیم آن به شورای عالی رسانه ها.
۹. تقدیم گزارش سالانه به شورای عالی رسانه ها.

#### کمیسیون رادیو تلویزیون ملی افغانستان

- ماده چهل و چهارم:** (۱) به منظور تنظیم بهتر رادیو تلویزیون ملی، کمیسیون رادیو تلویزیون ملی به ترکیب هفت عضو برای مدت سه سال ایجاد می گردد.
- (۲) اعضای کمیسیون مندرج فقره یک این ماده با در نظر داشت توازن قومی و جنسیت متشکل از یک تن عالم دینی و یک تن حقوقدان، یک تن انجنیر مسلکی، دو تن ژورنالیست، یک تن هنرمند مسلکی، و یک تن نماینده از جامعه مدنی می باشد.
- (۳) رئیس کمیسیون رادیو و تلویزیون ملی رئیس اجرایی رادیو و تلویزیون ملی نیز میباشد.
- (۴) کمیسیون مندرج فقره (۲) این ماده دارای وظایف و صلاحیت های ذیل می باشد.
۱. حفظ استقلال، بی طرفی، حیثیت مسلکی رادیو و تلویزیون ملی.
  ۲. ترتیب بودجه رادیو تلویزیون ملی افغانستان و تقدیم آن به کمیسیون رسانه های همگانی.
  ۳. تطبیق بودجه رادیو و تلویزیون ملی.
  ۴. ارائه گزارش سالانه از فعالیت های رادیو و تلویزیون ملی به کمیسیون رسانه های همگانی.
  ۵. جذب کمکها داخلی و خارجی برای تقویه رادیو و تلویزیون ملی.
  ۶. تطبیق احکام اساسنامه رادیو تلویزیون ملی و قوانین مربوط.
  ۷. تطبیق پالیسی نشراتی تعیین شده از سوی شورای عالی رسانه ها به نحوی که ممثل تنوع قومی، زبانی و فرهنگی همه مردم افغانستان باشد.
  - ۵) اعضای کمیسیون رادیو و تلویزیون ملی افغانستان مستحق معاش مناسب می باشند که از بودجه دولت پرداخته می شود.

### فصل دهم

#### آثار و مطالبی که تولید، چاپ و نشر آن ممنوع است:

- ماده چهل و پنجم:** تولید، تکثیر، چاپ و نشر گزارش ها و مطالب ذیل در رسانه های همگانی و مؤسسات مندرج ماده بیست و هشتم این قانون جواز ندارد:
۱. آثار و مطالبی که مغایر با اصول و احکام دین مقدس اسلام باشد.
  ۲. آثار و مطالبی که موجب توهین به سایر ادیان و مذاهب باشد.
  ۳. آثار و مطالبی که موجب هتک حرمت، تحقیر و توهین به اشخاص حقیقی و یا حکمی گردد.
  ۴. آثار و مطالبی که افترا به اشخاص حقیقی یا حکمی بوده و سبب متضرر شدن شخصیت و اعتبار آنان گردد.
  ۵. آثار و مطالبی که مغایر قانون اساسی بوده و در قانون جزاء جرم محسوب شود.
  ۶. تبلیغ و ترویج ادیان دیگر غیر از دین مقدس اسلام.
  ۷. افشای هویت و پخش تصاویر قربانیان خشونت و تجاوز به نحوی که به حیثیت اجتماعی آنان صدمه وارد نماید.
  ۸. آثار و مطالبی که به امنیت روانی و سلامت اخلاقی افراد جامعه خصوصاً اطفال و نوجوانان آسیب می رساند.

#### سلب امتیاز

- ماده چهل و ششم:** (۱) اشخاص حقیقی یا حکمی که رسانه یا موسسه ای را در وزارت اطلاعات، فرهنگ ثبت می نمایند در صورتی که رسانه چاپی از تاریخ ثبت الی مدت یک سال و رسانه برقی و موسسات مندرج در ماده بیست و هشتم این قانون از تاریخ ثبت الی مدت دو سال فعالیت های نشراتی خویش را آغاز نمایند امتیاز آنها سلب می گردد.
- (۲) هرگاه صاحب امتیاز بعد از آغاز یک دوره فعالیت کار خود را متوقف سازد و صاحب امتیاز رسانه چاپی مدت یک سال و صاحب امتیاز رسانه برقی و موسسات مندرج ماده بیست و هشتم مدت دو سال مجدداً به فعالیت آغاز نماید امتیاز وی سلب می گردد. در صورت فعالیت مجدد مکلف به طی مراحل موارد مندرج ماده سی و یکم و سی و چهارم این قانون می باشند.
- (۳) در صورتی تثبیت تخلف صاحب امتیاز از احکام مندرج این قانون محکمه مربوطه میتواند امتیاز فعالیت آنرا سلب نماید.

باشند.

### تاریخ انفاذ

ماده پنجاه و سوم: این قانون از تاریخ نشر در جریده رسمی نافذ بوده و با انفاذ آن قانون رسانه های همگانی منتشره جریده رسمی شماره ۸۷۱ مورخ ۱۵ جدی سال ۱۳۸۴ هجری شمسی ملغی شمرده می شود.



## فصل یازدهم احکام متفرقه

### حق تهیه فلم به اتباع خارجی

ماده چهل و هفتم: اتباع خارجی می توانند فلم های مستند و سینمایی را در کشور تهیه و تولید نمایند مشروط بر اینکه معرفی نامه از وزارت امور خارجه و اجازه قبلی وزارت اطلاعات، فرهنگ را اخذ نموده باشند.

### اطلاع از تغییرات در اساسنامه

ماده چهل و هشتم: (۱) مسئولین رسانه های همگانی و مؤسسات مندرج ماده بیست و هشتم این قانون مکلف اند هر نوع تغییراتی که در چگونگی و یا توقف فعالیت، آدرس، اساسنامه و سایر مشخصات مندرج در این قانون وارد نمایند وزارت اطلاعات و فرهنگ را در جریان قرار دهند.

(۲) مسئولین رسانه های همگانی و مؤسسات مندرج در ماده بیست و هشتم این قانون مکلف اند به خاطر معلومات احصائیوی در آغاز هر سال از ادامه یا عدم ادامه فعالیت خود وزارت اطلاعات و فرهنگ را در جریان قرار دهد

### مکلفیت نمایندگی آژانس ها و رسانه های خارجی

ماده چهل و نهم: (۱) نمایندگی های آژانس ها و رسانه های همگانی خارجی که قصد فعالیت در داخل افغانستان را دارند مکلف اند با اخذ معرفی نامه از وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی افغانستان، وزارت اطلاعات و فرهنگ را کتباً از کشور مربوطه، نوع فعالیت، مدت فعالیت شان مطلع ساخته و کارت مخصوص خبرنگاری دریافت نمایند.

(۲) آژانس ها و رسانه های مندرج فقره ۱ این ماده مکلف به رعایت حکم ماده چهل و پنجم این قانون می باشند.

### ثبت کتاب، رساله و ناشر

ماده پنجاهم: کتاب و رساله بعد از نشر توسط ناشر در وزارت اطلاعات، فرهنگ ثبت گردیده و صاحب امتیاز آن مکلف است از هر کتاب، رساله و نشریه خود دو دو نسخه به وزارت اطلاعات، فرهنگ و کتابخانه عامه بفرستد.

ماده پنجاه و یکم: قوانین حق نسخه برداری (کاپی رایت): تشکیل اتحادیه های صنفی، احکام جزائی تخلفات رسانه ها، اعلانات، طلب معلومات، به صورت قوانین جداگانه تدوین می گردند.

### پرداخت مالیات

ماده پنجاه و دوم: از عواید رسانه های همگانی و مؤسسات مندرج ماده بیست و هشتم این قانون طبق احکام قانون مالیه اخذ می گردد. نشریات چاپی موقوت و غیر موقوت از این حکم مستثنی می

**فرمان**  
**رئیس جمهوری اسلامی افغانستان در مورد**  
**توشیح قانون دسترسی به اطلاعات**

شماره: (۲۴)

تاریخ: ۱۳۹۳/۸/۲۴

**ماده اول:** به تاسی از حکم فقره (۱۶) ماده (۶۴) قانون اساسی افغانستان قانون دسترسی به اطلاعات را که بر اساس فیصله شماره (۱۳۷) مورخ ۱۳۹۳/۷/۲۶ هیئت مختلط مجلسین شورای ملی به داخل (۶) فصل و (۳۲) ماده تصویب گردیده است، توشیح میدارم.

**ماده دوم:** این فرمان و فیصله هیئت مختلط مجلسین شورای ملی (۳۰) روز بعد از نشر در جریده رسمی نافذ گردد.

محمد اشرف غنی  
 رئیس جمهوری اسلامی افغانستان

۱۶ جوزا ۱۳۸۱

## قانون دسترسی به اطلاعات

(۱) ادارات مکلف اند، اطلاعات تقاضا شده را به متقاضی حد اکثر در خلال مدت (۱۰) روز کاری از تاریخ تسلیمی فورم تقاضای اطلاعات ارائه نمایند. در صورت موجودیت دلایل مؤجه، این مدت الی (۳) روز کاری دیگر تمدید شده می تواند.

(۲) ادارات مکلف اند، اطلاعات تقاضا شده را به رسانه ها حد اکثر در خلال مدت (۳) روز کاری از تاریخ رسید فورم تقاضای اطلاعات ارائه نمایند.

(۳) ادارات مکلف اند، اطلاعات تقاضا شده را که برای مصؤونیت اشخاص و حفظ جان یا آزادی شخص ضروری پنداشته شود، حد اکثر در خلال مدت (۲۴) ساعت از تاریخ رسید فورم تقاضای اطلاعات، ارائه نمایند.

ماده ششم

## فهرست

## عنوان

## صفحه

عنوان	صفحه
فصل اول: احکام عمومی	۱۶۵
فصل دوم: طرز دسترسی به اطلاعات	۱۶۶
فصل سوم: اطلاع رسانی	۱۶۸
فصل چهارم: کمیسیون نظارت دسترسی به اطلاعات	۱۷۰
فصل پنجم: رسیدگی به شکایات	۱۷۳
فصل ششم: احکام متفرقه	۱۷۴

عنوان	صفحه
<b>فصل اول</b>	
<b>احکام عمومی</b>	
<b>مبنی:</b>	
ماده اول: این قانون به تأسی از حکم مندرج فقره سوم ماده پنجاهم قانون اساسی افغانستان وضع گردیده است.	
<b>اهداف:</b>	
ماده دوم: اهداف این قانون عبارت اند از:	
۱. تأمین حق دسترسی اتباع کشور به اطلاعات از ادارات دولتی.	
۲. رعایت ماده نهم میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی با در نظر داشت ماده سوم قانون اساسی کشور.	
۳. حصول اطمینان از شفافیت و حساب دهی از اجراء ادارات دولتی.	
۴. تنظیم طرز تقاضا و ارائه اطلاعات.	
<b>اصطلاحات:</b>	
ماده سوم: اصطلاحات آتی در این قانون مفاهیم ذیل را افاده می نماید:	
۱. اطلاعات: هر نوع سند و معلومات ضبط شده یا ثبت شده، نمونه و مدل می باشد.	
۲. اطلاعات شخصی: معلومات منحصر به شخص است که شامل نام، تخلص، آدرس های محل سکونت و محل کار، وضعیت زندگی شخصی و خانوادگی، مکاتیب، مراسلات، داد و ستد، حساب بانکی، رمز عبور و سایر معلوماتی که به وظایف رسمی وی ارتباط نداشته باشد.	
۳. متقاضی: شخص حقیقی یا حکمی داخلی است که اطلاعات مورد نیاز را از ادارات دولتی تقاضا می نماید.	
۴. نشر: انتشار و اشاعه اطلاعات به شکلی است که قابل دسترس و استفاده برای عامه مردم باشد.	
۵. فورم تقاضای اطلاعات: ورق مطبوع بهاداری است که به منظور درج مطالبات متقاضی مطابق احکام این قانون بدسترس وی گذاشته می شود.	
۶. ادارات: شامل وزارت ها، ریاست های عمومی مستقل، کمیسیون های دولتی، ادارات قوای ثلاثه کشور، ادارات محلی و شوراهای ولایتی، ولسوالی و قریه و شاروالی ها، مجالس شاروالی ها و تصدی ها و شرکت های دولتی و مختلط و سایر ادارات می باشد.	
۷. ادارات غیر دولتی: مجموع سازمانها و نهادهائی که بر مبنای قوانین نافذه کشور، خارج از چوکات ادارات دولتی تشکیل و فعالیت می نماید.	
۸. جامعه مدنی: احزاب سیاسی و جمعیت هایی است که طبق احکام قانون تشکیل می گردد.	



۲. یاد داشت کتبی از اصل سند.
۳. کاپی از اصل سند طور کتبی، صوتی یا تصویری.
۴. آرایه اطلاعات به شکل صوتی یا تصویری.
۵. آرایه نمونه.

#### آرایه اطلاعات از طریق مصاحبه:

ماده نهم: آرایه اطلاعات از طریق مصاحبه خبر نگاران با مقامات و کارکنان دولتی، تابع احکام مندرج مواد ششم، هفتم، هشتم این قانون نمی باشد.



## فصل دوم طرز دسترسی به اطلاعات

### حق دسترسی به اطلاعات:

ماده چهارم: (۱) متقاضی، حق دسترسی به اطلاعات را طبق احکام این قانون از ادارات دارا می باشد.  
(۲) ادارات مکلف اند، طبق احکام مندرج این قانون، اطلاعات را بدسترس متقاضی و عامه مردم قرار دهند.

### تقاضای اطلاعات:

ماده پنجم: (۱) متقاضی می تواند به منظور کسب اطلاعات به مرجع مربوط اداره مراجعه و فورم تقاضای اطلاعات را خانه پری نماید.  
(۲) ادارات مکلف اند، به اطلاعات تقاضا شده طور کتبی پاسخ ارائه نمایند.

### میعاد آرایه اطلاعات:

ماده ششم: (۱) ادارات مکلف اند، اطلاعات تقاضا شده را به متقاضی حد اکثر در خلال مدت (۱۰) روز کاری از تاریخ تسلیمی فورم تقاضای اطلاعات ارائه نمایند. در صورت موجودیت دلایل مؤجه، این مدت الی (۳) روز کاری دیگر تمدید شده می تواند.  
(۲) ادارات مکلف اند، اطلاعات تقاضا شده را به رسانه ها حد اکثر در خلال مدت (۳) روز کاری از تاریخ رسید فورم تقاضای اطلاعات ارائه نمایند.  
(۳) ادارات مکلف اند، اطلاعات تقاضا شده را که برای مصوونیت اشخاص و حفظ جان یا آزادی شخص ضروری پنداشته شود، حد اکثر در خلال مدت (۲۴) ساعت از تاریخ رسید فورم تقاضای اطلاعات، ارائه نمایند.

### مصارف آرایه اطلاعات:

ماده هفتم: (۱) هرگاه آرایه اطلاعات تقاضا شده ایجاب مصارف را نماید، متقاضی مکلف است مصارف آنرا بملاحظه اسناد تأدیه نماید، در غیر آن تقاضا رد می گردد.  
(۲) اندازه مصارف اطلاعات تقاضا شده و نحوه پرداخت آن طبق طرزالعملی که از طرف ادارات مربوط ترتیب و توسط کمیسیون نظارت بر دسترسی به اطلاعات تصویب می گردد، تنظیم می شود.

### روش آرایه اطلاعات:

ماده هشتم: ادارات مکلف اند، اطلاعات تقاضا شده را به یکی از روش های ذیل ارائه نمایند، مشروط بر اینکه به اصل سند صدمه وارد نگردد:  
۱. نقل اصل سند.

- ۱- تشکیل، وظایف و صلاحیت های اداره و گزارش اجراات مربوطه.
- ۲- وضعیت مالی اداره
- ۳- جریات خدمات مستقیم عرضه شده به مردم.
- ۴- طرز رسیدگی به تقاضای اطلاعات و شکایات مستقیم مردم.
- ۵- اسناد تفنینی مربوطه.
- ۶- لوایح، طرزالعمل ها و رهنمود های مربوطه.
- ۷- قراردادهای داخلی یا بین المللی مربوطه.
- ۸- پالیسی؛ ستراتیژی و پلان های کاری مربوطه.
- ۹- سایر موارد به تشخیص اداره.
- (۲) اداره مکلف اند، به منظور حفظ و نگهداشت بهتر اسناد و اطلاعات و به دسترسی قراردادن آن به متقاضیان، بانک اطلاعات (دیتابیس) را ایجاد نمایند.

#### ممنوعیت ها

(۱) ارائه اطلاعات در حالات ذیل ممنوع می باشد:

- ۱- در صورتی که استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی، امنیت ملی و منافع و مصالح ملی رابه خطر مواجه گرداند.
- ۲- در صورتی که سبب قطع روابط سیاسی، اقتصادی و فرهنگی افغانستان به سایر کشورها گردد.
- ۳- در صورتیکه جان، مال یا آبرو و حیثیت شخص به خطر مواجه گردد.
- ۴- در صورتی که مانع کشف جرم یا مانع جلوگیری از ارتکاب جرم گردد.
- ۵- در صورتی که روند کشف، تحقیق و تعقیب متهم یا اتخاذ تدابیر احتیاطی در این زمینه را مختل سازد.
- ۶- در صورتی که روند محاکمه عادلانه و یا تنفیذ حکم را اخلال نماید.
- ۷- در صورتی که حریم خصوصی شخص رانقض نمایند.
- ۸- در صورتی که اطلاعات، مربوط موضوعات تجارتي، ملکیت های شخصی و حساب بانکی بوده، مگر اینکه در قوانین طور دیگری تشخیص شده باشد.

(۲) حالات ذیل از احکام مندرج اجزای

(۷و۸) فقره (۱) این ماده مستثنی می باشد:

- ۱- در صورتیکه محکمه ذیصلاح در مورد افشای اطلاعات شخصی تجویز اتخاذ نماید.
- ۲- در صورتی که قانون حمایت حقوق مؤلف مصنف، هنرمند و محقق (کاپی رایت) و قانون حمایت از رقابت و سایر اسناد تقنینی را نقض نه نماید.
- ۳- تخلف از حکم مندرج فقره (۱) این ماده جرم بوده، مرتکب آن تحت تعقیب عدلی قرار می گیرد

## فصل سوم اطلاع رسانی

### مرجع مسئول:

**ماده دهم:** (۱) ادارات مکلف اند، به منظور تأمین حق دسترسی اتباع کشور به اطلاعات، مرجع مسئول اطلاع رسانی را مشخص نمایند.

(۲) مرجع مسئول اطلاع رسانی مندرج فقره (۱) این ماده مکلف است، هویت مامورین مربوط و مشخصات تماس آنها را جهت آگاهی به دسترس عامه مردم قرار دهد.

### وظایف مرجع مسئول اطلاع رسانی:

**ماده یازدهم:** مرجع مسئول اطلاع رسانی دارای وظایف ذیل می باشد:

۱. تسلیم دهی فورم تقاضای اطلاعات به متقاضی.
۲. توضیح فورم تقاضای اطلاعات به متقاضی مطابق احکام مندرج این قانون.
۳. ارایه فورم تقاضای اطلاعات به مرجع مربوط غرض تهیه اطلاعات.
۴. حصول مجدد فورم مندرج جزء ۳ این ماده و ارایه آن به متقاضی.
۵. همکاری با کارکنان مرجع مربوط در روش ارایه اطلاعات.
۶. حصول اطمینان از مطابقت اطلاعات تهیه شده با احکام مندرج این قانون.
۷. نشر اطلاعات در صفحه انترنتی اداره و سایر رسانه های همگانی.
۸. انجام سایر وظایفی که از طرف اداره مربوط جهت بهبود امور اطلاع رسانی به آن سپرده می شود.

### رد فورم تقاضای اطلاعات:

**ماده دوازدهم:** هرگاه فورم تقاضای اطلاعات در مطابقت به احکام مندرج این قانون ارائه نشده باشد، مرجع مسئول اطلاع رسانی آنرا با ذکر دلایل طور کتبی، رد می نماید.

### بررسی شکایات:

**ماده سیزدهم:** (۱) هرگاه متقاضی به اطلاعات ارایه شده اداره قناعت نداشته باشد، می تواند شکایت خود را به مرجع مسئول اطلاع رسانی مربوط طور کتبی ارائه نماید.

(۲) مرجع مسؤل اطلاع رسانی مکلف است، طی (۳) روز کاری شکایت واصله را بررسی و غرض رفع آن مطابق احکام این قانون تصمیم مقتضی اتخاذ نماید.

(۳) هرگاه متقاضی به بررسی مندرج فقره (۲) این ماده قناعت نکند، می تواند به کمیسیون نظارت دسترسی به طلاعات مراجعه نماید.

### نشر سالانه اطلاعات

**ماده چهارم دهم:** (۱) ادارات مکلف اند، اطلاعات ذیل را حد اقل سال یک مرتبه نشر نمایند:

**شرایط عضویت کمیسیون**

**ماده هفدهم:** شخصی به حیث عضو کمیسیون مرکزی و لایته تعیین می شود که واجد شرایط ذیل باشد:

- ۱- داشتن تنها تابعیت افغانستان .
- ۲- اكمال سن (۳۰) سالگی .
- ۳- داشتن حد اقل سند تحصیلی لسانس .
- ۴- عدم محکومیت به حرمان از حقوق مدنی ، جنایت و جرایم ضد بشری .
- ۵- داشتن سه سال تجربه کاری .

**حالات از دست دادن عضویت**

**ماده هجدهم:** (۱) عضو کمیسیون مرکزی و ولایته در حالات ذیل عضویت خود را از دست می دهد:

- ۱- استعفا کتبی از عضویت در کمیسیون مربوط بعد از تأیید اکثریت اعضاء و منظوری رئیس آن .
- ۲- انفکاک از وظیفه در مرجع مربوطه .
- ۳- مبتلا شدن به امراض صعب العلاجی که مانع اجرای وظیفه وی گردد .
- ۴- ثابت شدن ارائه معلومات نادرست مبنی برداشتن شرایط عضویت .
- ۵- عدم اشتراک در چهارجلسه طورمتفرقه در سال بدون ارایه دلایل مؤجه .
- (۲) هر گاه عضو کمیسیون در یکی از حالات مندرج فقره (۱) این ماده عضویت خود را از دست بدهد، اداره یا نهاد مربوطه ، شخص دیگری واجد شرایط را برای مدت باقی مانده به عوض وی در خلال مدت ( ۱۵ ) روز کاری معرفی می نماید .

**وظایف و صلاحیت های کمیسیون**

**ماده نهم:** کمیسیون مرکزی و ولایته در ساحت مربوط دارای وظایف و صلاحیت های ذیل می باشد:

- ۱- نظارت از پروسه دسترسی متقاضیان به اطلاعات از ادارات و چگونگی ارایه آن .
- ۲- بررسی شکایات متقاضیان .
- ۳- مطالبه اسناد و مدارک از مراجع مسؤل اطلاع رسانی ادارات در صورت ضرورت .
- ۴- ارایه مشوره های لازم به متقاضیان و ادارات .
- ۵- ارزیابی
- ۶- گزارش مراجع مسؤل اطلاع رسانی ادارات .
- ۷- ارایه گزارش سالانه فعالیت های کمیسیون به رئیس جمهور و شورای ملی و نشر آن .
- ۸- تقویت فرهنگ اطلاع رسانی در کشور از طریق تدویر برنامه های آموزشی .
- ۹- نشر تصامیم کمیسیون جهت آگاهی عامه .
- ۱۰- نظارت از چگونگی تطبیق احکام این قانون .
- ۱۱- تصویب لوایح و طرز العمل های مربوطه .
- ۱۲- انجام سایر وظایف مندرج در این قانون ..

**تدویر جلسات کمیسیون**

(۱) جلسات عادی کمیسیون مرکزی و ولایته در هر پانزده روز یکبار و جلسات فوق العاده آن به اثر

**فصل چهارم  
کمیسیون نظارت دسترسی به اطلاعات****ایجاد کمیسیون**

**ماده شانزدهم:** (۱) به منظور تحقیق اهداف مندرج این قانون ، کمیسیون نظارت دسترسی به اطلاعات که منبهد در این قانون به نام کمیسیون یاد می شود ، در مرکز به ترکیب ذیل ایجاد می گردد:

- ۱- نماینده با صلاحیت وزارت اطلاعات و فرهنگ .
- ۲- نماینده با صلاحیت وزارت مخابرات و تکنالوژی معلوماتی .
- ۳- نماینده با صلاحیت وزارت امور خارجه .
- ۴- نماینده با صلاحیت ریاست امنیت ملی .
- ۵- نماینده با صلاحیت کمیسیون مستقل حقوق بشر افغانستان .
- ۶- نماینده با صلاحیت انجمن مستقل وکلای مدافع .
- ۷- نماینده با صلاحیت اتحادیه حقوق دانان افغانستان .
- ۸- دو نفر نماینده منتخب اتحادیه صنفی خبرنگاران .
- ۹- نماینده منتخب احزاب سیاسی .
- ۱۰- دو نفر نماینده منتخب جامعه مدنی .
- ۱۱- نماینده اطاق های تجارت و صنایع افغانستان .
- (۲) کمیسیون های ولایات بادر نظر داشت ترکیب مندرج فقره ( ۱ ) این ماده از نماینده گان با صلاحیت ادارات و نهاد های ولایات مربوط تشکیل می گردد .
- (۲) اعضای کمیسیون های مندرج فقره (۲و۱) این ماده برای مدت سه سال تعیین می گردند . تعیین مجدد آنها برای یک دوره دیگر مجاز می باشد .
- (۴) کمیسیون های مندرج فقره های (۲و۱) این ماده در اولین جلسه از میان اعضای خویش رئیس ، معاون و منشی کمیسیون را برای مدت یک سال انتخاب می نمایند . انتخاب مجدد آنها برای یک دوره دیگر مجاز می باشد .
- (۵) اعضای کمیسیون مندرج فقره های (۲و۱) این ماده مستحق حق الحضور می باشند که اندازه آن از طرف وزارت اطلاعات و فرهنگ پیشنهاد و از طرف رئیس جمهور منظور می گردد .
- (۶) حق الحضور مندرج فقره (۵) این ماده از بودجه وزارت اطلاعات و فرهنگ پرداخته می شود .
- (۷) طرز فعالیت کمیسیون طبق طرز العملی که از طرف کمیسیون وضع می گردد . تنظیم می شود .



- تقاضای رئیس کمیسیون یا پیشنهاد یک ثلث اعضا دایر شده می تواند .  
 (۲) نصاب تدویر جلسات کمیسیون حضور اکثریت اعضای آن می باشد.  
 (۳) تصامیم کمیسیون به اساس اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می گردد، در صورت تساوی آراء، طرفی که رئیس به آن رأی داده است ، اکثریت شمرده می شود.  
 (۴) کمیسیون های ولایات مکلف اند، گزارش اجراءات خویش را در هر سه ماه به کمیسیون مرکزی ارائه نمایند.  
 (۵) امور جلسات توسط طرزالعمل جداگانه تنظیم می گردد.

#### موعد ارایه گزارش مراجع مسؤل اطلاع رسانی

ماده بیست و یکم: مراجع مسؤل اطلاع رسانی مکلف اند، گزارش اجراءات ماهوار خویش را به کمیسیون های مربوطه ارائه نمایند.

#### محدودیت ها

- (۱) رئیس و اعضای کمیسیون ها نمی توانند در جلسات تصمیم گیری که ذینفع باشند ، اشتراک نمایند.  
 (۲) رئیس و اعضای کمیسیون ها نمی توانند حین اجرای وظیفه یا بعد از ترک آن اطلاعاتی را که کسب نموده اند و افشای آن مطابق احکام این قانون ممنوع باشد ، افشای یا از آن به نفع خود و یا اقارب خویش استفاده نمایند.  
 (۳) هرگاه رئیس و اعضای کمیسیون از حکم مندرج فقره (۲) این ماده تخلف نمایند، متخلف مطابق احکام قانون تحت تعقیب عدلی قرار می گیرد .

#### تطبيق تصامیم کمیسیون

ماده بیست سوم: تصامیم کمیسیون نهایی بوده ، بعد از ابلاغ قابل تطبيق می باشد.

#### امور اداری و اجرائی

ماده بیست چهارم: اموراتاری و اجرائیوی کمیسیون در مرکز از طرف وزارت اطلاعات و فرهنگ و در ولایات از طرف ریاست های اطلاعات فرهنگ طبق طرزالعمل ، تنظیم وپیش برده می شود.

## فصل پنجم رسیدگی به شکایات

### شکایات متقاضی

- ماده بسیت و پنجم: (۱) متقاضی می تواند شکایات خود را با رعایت احکام مندرج این قانون ، به کمیسیون ارائه نماید.  
 (۲) کمیسیون مکلف است، شکایات را از تاریخ وصول آن در دو جلسه کاری بررسی نماید و  
 (۳) طرز بررسی شکایات ، اسناد و مدارک مربوطه طرزالعملی که از طرف کمیسیون مرکزی وضع می گردد، تنظیم می شود.  
 (۴) کمیسیون های ولایتی شکایات ، اسناد و مدارک مربوطه را طبق طرزالعمل مندرج فقره (۳) این ماده بررسی می نمایند.

### تخلفات و مؤیدات تادیبی

ماده بسیت و ششم: (۱) موارد ذیل تخلف از احکام این قانون شناخته می شود :

- ۱- ارائه اطلاعات مغایر مندرجات فورم تقاضای اطلاعات به متقاضی
  - ۲- امتناع از ارایه اطلاعات به متقاضی ، بدون ارایه دلایل مؤجه ،
  - ۳- ارایه معلومات خلاف واقعیت به کمیسیون .
  - ۴- عدم ارایه اطلاعات تقاضا شده در موعد معین .
  - ۵- عدم رعایت تصامیم و طرزالعمل های کمیسیون .
  - ۶- عدم ارایه گزارش مرجع مسؤل اطلاع رسانی درموعد معین به کمیسیون .
- (۲) کمیسیون در صورت تثبیت تخلف از حکم مندرج فقره (۱) این ماده ، حسب احوال به تطبيق یکی از مؤیدات تادیبی ذیل تصمیم اتخاذ می نماید:
- ۱- توصیه
  - ۲- اخطارکتبی.
  - ۳- پیشنهاد کسر معاش طبق احکام قانون به اداره مربوط.
  - (۳) درصورت وقوع تخلفات مندرج فقره (۱) این ماده که منجر به بروز خسارات مادی یا معنوی با اشخاص حقیقی یا حکمی شود، مطابق احکام قانون جبران خساره می گردد.
  - (۴) مراجع مربوطه مکلف اند مؤیدات تادیبی پیشنهاد شده را طبق قانون عملی و از تطبيق آن کمیسیون را اطمینان دهند.

## فصل ششم احکام متفرقه

### قسمت فورم تقاضای اطلاعات

**ماده بیست و هفتم:** قیمت فورم تقاضای اطلاعات ، شکل محتوای آن از طرف وزارت اطلاعات و فرهنگ ترتیب تثبیت و بعد از آن تأیید کمیسیون از طرف شعبه مربوطه وزارت مالیه طبع و به دسترس عامه گذاشته می شود .

### ادارات غیردولیتی

**ماده بیست و هشتم:** ادارات غیر دولیتی نیز در ارایه اطلاعات تقاضا شده مکلف به رعایت احکام مندرج این قانون می باشند.

### تثبت تخلف

**ماده بیست و نهم:** کمیسیون در صورت تخلف ادارات غیر دولیتی از احکام مندرج این قانون حسب احوال به یکی از مؤعدات تادیبی مندرج فقره (۲) ماده بیست و ششم این قنون تصمیم اتخاذ می نماید.

### تحویل پول به بانک

**ماده سی ام :** مبالغ حاصله ناشی از تطبیق احکام مندرج این قانون ، به حساب واردات دولت تحویل بانک می گردد.

### وضع لوایح ، طرز العمل ها و رهنمود ها

**ماده سی و یکم :** کمیسیون مندرج فقره (۱) ماده شانزدهم این قانون می تواند به منظور تطبیق بهتر احکام این قانون لوایح ، طرز العمل ها و رهنمود های جداگانه را وضع نماید.

### انفاذ

**ماده سی و دوم :** این قانون سی روز بعد از نشر در جریده رسمی نافذ می گردد.